

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نواب گراوری، تدوین، تهیه و تنظیم این اثر تقدیم می‌شود به ارواح طیبه‌ی شهدای اسلام و گذشتگان این دیار باقی از جمیع مؤمنین و مؤمنات و چقدر خوب و زیباست از شهدا و گذشتگان همیشه مداوم یاد کنیم تا آیندگان نیز به نیکی از ما یاد کنند!

خصوصاً شهدایی که به‌گرددن ما خیلی حق دارند و ما مدیون آنانیم و البته که در روز قیامت همه‌ی ما به شفاعتشان نیاز داریم، شهدای عزیز و بزرگوار که برای اصانت از حریم مقدس و نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیه‌السلام از جان و مال خویش گذشتند؛

بویژه شهدای مظلوم کشورمان افغانستان که نام و یادشان متأسفانه در جامعه‌ی امروزمان مقداری کمرنگ شده است و همچنین اموات و گذشتگانی که چشم انتظار خیرات مادی و معنوی ما هستند، هرچند به یک یاد و یادبود!

شناسنامه‌ی کتاب

عنوان: بلبان حسین علیه‌السلام

موضوع: مجموعه‌ای نوحه‌های اجرا شده‌ی نوحه‌خوانان بنام افغانستان به کوشش: جامعه مداحان افغانستان

امور تایپ و حروفچینی: سیده اسرا محمدی

طراحی، ویرایش ادبی و صفحه‌آرایی: سید ابراهیم طباطبایی

خدمات چاپ و نشر: انتشارات عرفان

شمارگان کتاب: چاپ اول ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: محرم و صفر ۱۴۴۲ هجری قمری

قطع و صفحه: رقی / ۲۴۸ صفحه

قیمت بدون سی‌دی سبک‌های کتاب: ۵۰۰.۰۰۰ ریال جمهوری اسلامی ایران

(هزینه‌ی خرید این کتاب در افغانستان - به مبلغ ۲۰۰ افغانی - در همه‌ی کتابفروشی‌های افغانستان)

(راه‌های دسترسی به سبک‌نومه‌های کتاب، در صفحات آخر این کتاب درج شده است)

(کلیه‌ی حقوق شرعی و قانونی چاپ و نشر این اثر برای جامعه مداحان افغانستان محفوظ است)

مراکز اصلی پخش و توزیع در استان قم: خیابان ارم، پاساژ قدس، فروشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی

تماس، تلگرام و واتساپ: ۰۹۱۲۷۵۱۳۵۴۵ سید ابراهیم طباطبایی

فهرست نوحه‌های کتاب

۸	مقدمه
۱۱	آموزش نوحه خوانی
.....	پیش فصل اول - مجموعه‌ای از دوبیتی‌ها، رباعیات، اشعار و غزلیات حسینی
۱۶	چاوشی خوانی، سنتی دیرینه در عزاداری مردمان قدیم افغانستان
۱۸	دوبیتی‌ها، رباعیات حسینی، اشعار و غزلیات حسینی
.....	فصل اول - نوحه‌های حضرت مسلم بن عقیل علیه‌السلام
۳۶	نوحه‌ی اول - به شام تیره مهمانم، بتاب ای ماه تابانم
۳۷	نوحه‌ی دوم - کوچه کوچه‌ی کوفه، بوی عطر خون دارد
.....	فصل دوم - نوحه‌های ورودیه
۴۰	نوحه‌ی سوم - ای کرب و بلا ای وادی عشق
۴۲	نوحه‌ی چهارم - از بیابان حجاز، کعبه‌ی جان آمده
۴۳	نوحه‌ی پنجم - کربلای ما این جاست، نینوای ما این جاست
۴۵	نوحه‌ی ششم - در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی
.....	فصل سوم - نوحه‌های حضرت رقیه بنت الحسین علیه‌السلام
۵۰	نوحه‌ی هفتم - در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند
۵۲	نوحه‌ی هشتم - من که جز این کنج ویران، منزل و مأوا ندارم
۵۴	نوحه‌ی نهم - چو آمد به ویران سر شاه خوبان
۵۵	نوحه‌ی دهم - عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید
۵۶	نوحه‌ی یازدهم - عمه جان کن نظر، آمده میهمان
۵۷	نوحه‌ی دوازدهم - عمه جان این سر منور را
۵۸	نوحه‌ی سیزدهم - ای پدر امشب یاد ما کردی، دخترت را یاد از وفا کردی
.....	فصل چهارم - نوحه‌های طفلان مسلم علیه‌السلام و حر بن یزید ریاحی علیه‌السلام
۶۰	نوحه‌ی چهاردهم - طفلان مسلمیم، هستیم و بی قرار
۶۱	نوحه‌ی پانزدهم - تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار
.....	فصل پنجم - نوحه‌های حضرت عبدالله بن الحسن علیه‌السلام
۶۴	نوحه‌ی شانزدهم - به ستاره نظری کن ز کرم ای ماهم
۶۵	نوحه‌ی هفدهم - از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله
.....	فصل ششم - نوحه‌های حضرت قاسم بن الحسن علیه‌السلام
۶۸	نوحه‌ی هجدهم - چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن
۷۰	نوحه‌ی نوزدهم - چون فتاد از سر زین به میدان

ادامه‌ی فهرست نوحه‌های کتاب

- نوحه‌ی بیستم - یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را
۷۱
نوحه‌ی بیست و یکم - ای نونهل مجتبی، قاسم مرو میدان بیا
۷۳
نوحه‌ی بیست و دوم - ای گشته یکی جسمت، با پیر هنت قاسم
۷۴
فصل هفتم - نوحه‌های حضرت علی اصغر علیه السلام
نوحه‌ی بیست و سوم - ناله کنم همچو نای، در عوض لای لای، اصغرم آرام
۷۶
نوحه‌ی بیست و چهارم - چو ابری بر رخ ماهی عبای شاه روپوشش
۷۷
نوحه‌ی بیست و پنجم - از همه دل می‌بری، طفلک زیبایی من
۷۸
نوحه‌ی بیست و ششم - تیر سه شعبه چو گلویت برید، رنگ ز رخساره‌ی ماهت پرید
۸۰
نوحه‌ی بیست و هفتم - بخواب ای غنچه‌ی پرپر، علی اصغرم لای لای
۸۱
نوحه‌ی بیست و هشتم - چرا مادر علی اصغر، گلوی خون‌فشان داری
۸۲
نوحه‌ی بیست و نهم - بخواب ای مرغ شیدایم، بخواب ای ماه شب‌هایم
۸۴
نوحه‌ی سی‌ام - چرا جانم تو بی‌تابی، علی اصغر نمی‌خوابی
۸۵
فصل هشتم - نوحه‌های حضرت علی اکبر علیه السلام
نوحه‌ی سی و یکم - خون‌ها بریزد از چشم مژگان، صبح امیدش در ابر و پنهان
۸۸
نوحه‌ی سی و دوم - ای خدا شاهی، اکبرم می‌رود
۸۹
نوحه‌ی سی و سوم - مرا ذکر علی بر لب، علی بابا صدا می‌زد
۹۰
فصل نهم - نوحه‌های حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
نوحه‌ی سی و چهارم - این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
۹۲
نوحه‌ی سی و پنجم - امروز علمت برپا، فردا به زمین افتد
۹۴
نوحه‌ی سی و ششم - این پیکر صد چاک، این خون دو بازو، این اشک دو دیده
۹۵
نوحه‌ی سی و هفتم - می‌کشد انتظار، در حرم دخترم
۹۶
نوحه‌ی سی و هشتم - ز جا خیز علم بر زمین است ابوالفضل
۹۸
نوحه‌ی سی و نهم - شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم
۱۰۰
نوحه‌ی چهلم - گرد علمت مولا، پروانه صفت گردم
۱۰۲
نوحه‌ی چهل و یکم - ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس
۱۰۳
نوحه‌ی چهل و دوم - چرا این شام غم صبا نموشه
۱۰۵
نوحه‌ی چهل و سوم - سقای دشت کربلا یا ابوالفضل
۱۰۶
نوحه‌ی چهل و چهارم - حسین جان مرا سوی طفلان مبر
۱۰۷
نوحه‌ی چهل و پنجم - شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل
۱۰۸
نوحه‌ی چهل و ششم - ز صدر زین افتاد، شه سپهسالار
۱۱۰

ادامه‌ی فهرست نوحه‌های کتاب

- ۱۱۲ نوحه‌ی چهل و هفتم - رفتی به سوی آب، مشک به دست تو
- ۱۱۳ نوحه‌ی چهل و هشتم - یتیمان تشنه، پریشان به هر سو، به دنبال آبد
- ۱۱۵ نوحه‌ی چهل و نهم - اگر به خیمه، آید عمویم، من دیگر از آب، حرفی نگویم
- ۱۱۶ نوحه‌ی پنجاهم - در علقمه گردید، بی دست و سر سقا
- ۱۱۷ نوحه‌ی پنجاه و یکم - علمدار سپاه، مولایم عباس
- ۱۱۸ نوحه‌ی پنجاه و دوم - عاشق منم عباس، اگر جلوه نمایی
- ۱۱۹ نوحه‌ی پنجاه و سوم - عباس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد
- ۱۲۲ نوحه‌ی پنجاه و چهارم - افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم
- ۱۲۴ نوحه‌ی پنجاه و پنجم - بگفتا خسرو خوبان، کنار علقمه گریان
- ۱۲۵ نوحه‌ی پنجاه و ششم - دل و جان و عقل و دینم، شده مبتلای چشمت
- ۱۲۶ نوحه‌ی پنجاه و هفتم - جان ایا نباشد، بر این لبم جوابی
- فصل دهم - نوحه‌های حضرت آقا سیدالشهداء امام حسین علیه‌السلام
- ۱۲۸ نوحه‌ی پنجاه و هشتم - امشب شهادتنامه‌ی عشاق امضا می‌شود
- ۱۳۰ نوحه‌ی پنجاه و نهم - امشب امام عاشقان غسل شهادت می‌کند
- ۱۳۲ نوحه‌ی شصتم - چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا
- ۱۳۴ نوحه‌ی شصت و یکم - مران ای ساربان اشتر، حسینم در بیابان است
- ۱۳۵ نوحه‌ی شصت و دوم - قافله سالار بلا که مرا می‌بری، وا حسینا، وا حسینا
- ۱۳۶ نوحه‌ی شصت و سوم - آب را به روی من، ای ستمگران بستید
- ۱۳۷ نوحه‌ی شصت و چهارم - پس از تو به زخم نمک می‌زنند، به طفل یتیم کتک می‌زنند
- ۱۳۸ نوحه‌ی شصت و پنجم - برادر برادر کجا می‌روی؟
- ۱۳۹ نوحه‌ی شصت و ششم - کشتی صبرم، بنشسته در گل، زین بحر غم نیست امید ساحل
- ۱۴۰ نوحه‌ی شصت و هفتم - بگو تو دیشب ای سر کجا مکان گرفتی
- ۱۴۱ نوحه‌ی شصت و هشتم - گلی روییده در این دشت سوزان
- ۱۴۲ نوحه‌ی شصت و نهم - هر چه می‌جویم نیابم، در میان این بیابان
- ۱۴۳ نوحه‌ی هفتادم - دیدم در این‌جا رأس حسینم از تن جدا بود
- ۱۴۴ نوحه‌ی هفتاد و یکم - می‌روی از برم ای برادر، قدری آهسته‌تر جان خواهر
- ۱۴۵ نوحه‌ی هفتاد و دوم - سحر شد شام هجرانم، که آمد تازه مهمانم
- ۱۴۷ نوحه‌ی هفتاد و سوم - عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟
- ۱۴۸ نوحه‌ی هفتاد و چهارم - گل‌های سرخ فاطمه، پرپر کنار علقمه
- ۱۴۹ نوحه‌ی هفتاد و پنجم - خدایا پیکر آتش گرفته، دل غم پرورم، آتش گرفته

ادامه‌ی فهرست نوحه‌های کتاب

- ۱۵۰ نوحه‌ی هفتاد و ششم - من خبر از خسرو لب تشنگان، یعنی حسین
فصل یازدهم - نوحه‌های شام غریبان، ذوالجناح، قتلگاه و خیمه‌گاه
- ۱۵۲ نوحه‌ی هفتاد و هفتم - امشب سکینه پدر ندارد، شام غریبان سحر ندارد
- ۱۵۳ نوحه‌ی هفتاد و هشتم - شب غریبان سحر ندارد
- ۱۵۴ نوحه‌ی هفتاد و نهم - شمع شبستان من، لاله‌ی بستان من
- ۱۵۵ نوحه‌ی هشتادم - ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم
- ۱۵۷ نوحه‌ی هشتاد و یکم - فاطمه بیا امشب، دشت کربلا بنگر
- ۱۵۸ نوحه‌ی هشتاد و دوم - فاطمه بیا امشب، فوق کعبه را بنگر
- ۱۵۹ نوحه‌ی هشتاد و سوم - در کربلا شام غریبان بود امشب
- ۱۶۰ نوحه‌ی هشتاد و چهارم - آیم به قتلگاه که پیدا کنم تو را
- ۱۶۲ نوحه‌ی هشتاد و پنجم - السابقون السابقون، صحرا، عطش، دریای خون
- ۱۶۳ نوحه‌ی هشتاد و ششم - بنگر به چشمان ترم، آخر من را خواهرم
- ۱۶۵ نوحه‌ی هشتاد و هفتم - ای اسب بابا آمدی، غمگین و خسته
- ۱۶۶ نوحه‌ی هشتاد و هشتم - بوی خون، بوی خون آید
- ۱۶۷ نوحه‌ی هشتاد و نهم - آتش مزین به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی
فصل دوازدهم - نوحه‌های حضرت آقا زین‌العابدین امام سجاد و حضرت زینب علیهم‌السلام
- ۱۷۰ نوحه‌ی نودم - من باغبان باغ خزان خون خدایم
- ۱۷۱ نوحه‌ی نود و یکم - یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی
- ۱۷۲ نوحه‌ی نود و دوم - غم کوچه و سیلی، غم صورت نیلی
- ۱۷۴ نوحه‌ی نود و سوم - ای گل برایم، بی تو نمانده، برگ و نوایی
- ۱۷۵ نوحه‌ی نود و چهارم - مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
- ۱۷۷ نوحه‌ی نود و پنجم - هر آن چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
- ۱۷۸ نوحه‌ی نود و ششم - من غریبی بی‌معینم، تشنه در این سرزمینم
- ۱۸۰ نوحه‌ی نود و هفتم - زینبا خواهر من، نور چشم تر من
- ۱۸۱ نوحه‌ی نود و هشتم - جسم حسین نازنین، مانده چو گل روی زمین
- ۱۸۲ نوحه‌ی نود و نهم - کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته
- ۱۸۳ نوحه‌ی صد - ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب
- ۱۸۵ نوحه‌ی صد و یکم - ای قافله آهسته، سر قافله جا مانده
- ۱۸۷ نوحه‌ی صد و دوم - شامیان خنده به زخم جگر ما ننزید
- ۱۸۹ نوحه‌ی صد و سوم - ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

ادامه‌ی فهرست نوحه‌های کتاب

۱۹۱	نوحه‌ی صد و چهارم - چون داد زدی بگرفت سری
.....	فصل سیزدهم - نوحه‌های مناجاتی و حرف دل عاشقان حسینی
۱۹۴	نوحه‌ی صد و پنجم - عشق او مایه‌ی سوز و سازم، روی او قبله‌گاه نمازم
۱۹۶	نوحه‌ی صد و ششم - کی پیکرت را به خون کشیده، عزیز زهرا حسین مظلوم
۱۹۸	نوحه‌ی صد و هفتم - من دست خالی آمدم، دست من و دامان تو
۱۹۹	نوحه‌ی صد و هشتم - یا حسین دلم خون شد، در هوای کوی تو
۲۰۱	نوحه‌ی صد و نهم - مرغ دلم پر می‌زند، اندر هوایت یا حسین
۲۰۲	نوحه‌ی صد و دهم - ای کعبه‌ی دلم، بیت‌الحرام تو
۲۰۴	نوحه‌ی صد و یازدهم - ای کاش شبی را بین الحرمین باشم
۲۰۶	نوحه‌ی صد و دوازدهم - کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال
.....	فصل چهاردهم - نوحه‌های مناسبتی شب و روز اربعین حسینی
۲۰۸	نوحه‌ی صد و سیزدهم - صدای کاروان غم به گوش آید
۲۱۰	نوحه‌ی صد و چهاردهم - شد برون از شام، کاروان غم
۲۱۱	نوحه‌ی صد و پانزدهم - آمدم در کربلا بزم غم برپا کنم
۲۱۲	نوحه‌ی صد و شانزدهم - سلام ای جان من، خاک شهیدان من
.....	فصل پانزدهم - نوحه‌های مناسبتی شهادت پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله
۲۱۴	نوحه‌ی صد و هفدهم - از رحلت جهان را، ماتم فرا گرفته
۲۱۶	نوحه‌ی صد و هجدهم - دیگر از نفس افتاد، قاری کتاب وحی
۲۱۷	نوحه‌ی صد و نوزدهم - جان عالم به فدای تو رسول مدنی
۲۱۸	نوحه‌ی صد و بیستم - نور تمام انبیا رفته ز دنیا
.....	فصل شانزدهم - نوحه‌های مناسبتی شهادت حضرت آقا امام حسن مجتبی علیه‌السلام
۲۲۰	نوحه‌ی صد و بیست و یکم - ای وطن شاهد غربت تو
۲۲۱	نوحه‌ی صد و بیست و دوم - ای نور چشم زهرا، ای لاله‌ی مدینه
۲۲۲	نوحه‌ی صد و بیست و سوم - من امام مجتبی ریحانه‌ی پیغمبرم
۲۲۳	نوحه‌ی صد و بیست و چهارم - ای کریم آل طاها، ای غریب شهر غم‌ها
.....	فصل هفدهم - نوحه‌های مناسبتی شهادت حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه‌السلام
۲۲۶	نوحه‌ی صد و بیست و پنجم - ای صبا با غم و آه و زاری
۲۲۷	نوحه‌ی صد و بیست و ششم - از خراسان رسد ناله‌ی یا رضا
۲۲۸	نوحه‌ی صد و بیست و هفتم - ای جانشین مصطفی، نور دو چشم مرتضی
۲۳۰	نوحه‌ی صد و بیست و هشتم - دیگر ز پیکرم، رفته توان و تاب

ادامه‌ی فهرست نوحه‌های کتاب

..... فصل هجدهم – صدادرمانی به روش‌های طبیعی، سنتی و گیاهی	
۲۳۲	عوامل مهم گرفتگی صدا و تارهای صوتی
۲۳۳	عوامل و عوارض استرس و راه‌های درمان آن
۲۳۴	عوامل سرماخوردگی و راه‌های جلوگیری از آن
۲۳۵	راه‌های تقویت شش یا همان قوای تنفسی
۲۳۶	راه‌های مراقبت از تارهای صوتی و حنجره
۲۳۷	جدول خوراکی‌های مفید و مضر
۲۴۲	آشنایی مختصر با فعالیت‌های کتابخانه مداحان افغانستان
۲۴۳	آشنایی با سنت و روش سوگواری و عزاداری افغانستانی‌ها
۲۴۴	یک رباعی و یک دوبیتی و یک غزل نوحه‌ی عاشورایی
۲۴۵	منابع اشعار و نوحه‌های کتاب
۲۴۶	مراکز پخش و توزیع کتاب
۲۴۷	منابع صوتی و تصویری نوحه‌های کتاب
۲۴۸	سخن پایانی

به نام نامی دوست، که هر چه داریم از اوست!

به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان، پروردگار عالم هستی، ثنا و ستایش مخصوص خداوندی‌ست که تمام جهان و جهانیان در ید با کفایت اوست، همگی از الطاف و عنایات بی‌کران او برخوردارند و آسمان‌ها، کهکشان‌ها، کرات آسمانی، زمین و زمان همواره در مدح و ستایش اویند.

درد فراوان بر خاتم پیامبران و اهل بیت طاهرینش باد که رهبر و راهنما به سوی سعادت ابدی و کشتی نجات بشریت از هلاکت در طوفان حوادث و بلایانند.

لذا افرادی که خواهان سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت خویش هستند، همواره باید از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت طاهرین آن حضرت پیروی و از محبان واقعی خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام باشند.

یکی از نشانه‌های محبت پیامبر مکرم اسلام و اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، تشکیل مجالس جشن و سرور و شادی در ایام اعیاد و ولادت خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام و همچنین تشکیل مجالس سوگواری، توسل و عزاداری در ایام شهادت، مصیبت و سوگواری آنان و شرکت در آن مجالس می‌باشد که ارزش و اهمیت قابل توجهی دارد.

جامعه مداحان افغانستان نیز مبتنی بر رسالت خویش، برای این‌که سهم اندکی را در مسیر پیشبرد اهداف معنوی و تقویت چنین مجالسی داشته باشد، اقدام نمود به گردآوری، تدوین، تهیه و تنظیم این مجموعه به نام بلبان حسین علیه‌السلام و تشکر ویژه را باید از سروران عزیز و ارجمندی داشت که باعث خیر و برکت گردیده و موجبات آشنایی بیشتر علاقمندان به مداحی و نوحه‌خوانی اهل‌بیت علیهم‌السلام با اشعار، مراثی و نوحه‌های اجرا شده‌ی خود شدند.

کتاب حاضر که پیش روی شماست، حاصل یک سال تلاش مداوم و مجدانه‌ی دوستان شما در جامعه مداحان افغانستان بوده که برای استفاده‌ی عموم علاقمندان به نوحه‌های ناب و ماندگار نوحه‌خوانان بنام، به نشر رسیده است.

در این کتاب بسیار سعی شده تا بهترین نوحه‌های سینه‌زنی از بهترین اساتید و مشهورترین نوحه‌خوانان افغانستانی در داخل و خارج از کشور، گردآوری و بعد از ویرایش‌های اصولی همراه با دقت و بررسی کامل، به مرحله‌ی چاپ و نشر برسد.

کتاب بلبان حسین علیه‌السلام مشتمل بر هجده فصل به نیت سن شریف دخت گرامی نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها تنظیم شده که در برگیرنده‌ی نوحه‌های سوگواری و عزاداری محرم و صفر بویژه دهه‌ی اول و در کل نیز به تعداد یکصد و بیست و هشت نوحه‌ی سینه‌زنی به نیت حروف ابجد محاسبه شده‌ی نام مقدس سرور و سالار شهیدان و آزادگان جهان، حضرت آقا امام حسین علیه‌السلام به رشته‌ی تحریر در آمده است.

در این کتاب سعی شده که نوحه‌های مرتبط با هر یک از شب‌های دهه‌ی اول ماه محرم به ترتیب موضوعیت درج گردد تا نوحه‌خوانان ارجمند به راحتی بتوانند با مراجعه به فصل مورد نظر، نوحه‌های همان شب را ببینند، به عنوان مثال نوحه‌خوانان عزیز می‌توانند با مراجعه به فصل سوم از این کتاب به نوحه‌های شب سوم محرم و یا با مراجعه به فصل هفتم از این کتاب به نوحه‌های شب هفتم محرم دسترسی پیدا نمایند که سهولت قابل توجهی را برای نوحه‌خوان ایجاد می‌کند.

جا دارد از یکایک اعضای محترم هیئت تحریریه و تایپیست‌های گران‌قدری که در تایپ و حروفچینی مجموع نوحه‌های این کتاب نقش ایفا کردند، از جمله آقایان سید محمدسجاد حسینی، محمدعلی حسینیان، سید کاظم حسینی، معراج کریمی، سید رضا علوی، محمدحسین بصیر و خانم‌ها اسرا سادات محمدی، خدیجه حسنی، سیده فاطمه سادات، زینب سادات حسینی، معصومه اصغری، هانیه سادات موسوی، سیده فاطمه صادقی، خدیجه حیدری و دیگر همکاران محترمی که به هر شکلی در انجام خدمات تایپ، حروفچینی و ویرایش ادبی ما را در این مسیر مهم یاری کردند، از همه‌ی عزیزانی که نام برده شد تشکر و قدردانی نماییم.

از اساتید بزرگوار، مداحان و ذاکرین دلسوخته‌ی اهل‌بیت علیهم‌السلام، نوحه‌خوانان مشهور و بنام افغانستان و همچنین اعضای محترم شورای تصمیم‌گیری جامعه مداحان افغانستان که در پشتیبانی از مسائل مادی و معنوی این اثر، ما را حمایت نمودند، نهایت تقدیر، سپاس و قدردانی را از مساعدت‌های‌شان داریم و برای همه‌ی این بزرگواران آرزوی توفیقات روزافزون را از خدای منان مسئلت داریم و امیدواریم که در این راه مقدس همه‌ی ما ثابت قدم بمانیم، ان‌شاءالله تعالی.

از عموم دوستداران و علاقمندان که در داخل و خارج از کشور مایل به همکاری با جامعه مداحان افغانستان در جمهوری اسلامی ایران هستند، استقبال خواهد شد.

از همین‌جا از همه‌ی علاقمندانی که مایل به فراگیری علوم و فنون مداحی و ستایشگری اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستند، دعوت می‌کنیم تا در سلسله جلسات هفتگی جامعه مداحان افغانستان که در طول سال به جز دو هفته‌ی اول از هر سال شمسی و دو ماه از اول هر سال قمری، هر هفته روزهای جمعه بلافاصله بعد از فریضه‌ی مغرب و عشاء در شهر مقدس قم برگزار می‌شود، شرکت نموده و از آداب مداحی و نوحه‌خوانی و همچنین علوم و فنون ستایشگری و معارف ناب اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بهره‌مند شوند.

حضور در جلسات هفتگی آموزش مداحی و نوحه‌خوانی رایگان بوده و هر هفته اشعاری نیز برای حضار محترم به صورت کاملاً رایگان در اختیار عموم شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد.

جهت ثبت نام و عضویت در جلسات هفتگی، اجرای برنامه جهت رفع اشکالات و همچنین بهره‌گیری از رهنمودهای اساتید و مربیان محترم در جلسات هفتگی آموزش مداحی و نوحه‌خوانی، به مسئول محترم واحد امور مالی و اداری مراجعه و فرم عضویت جلسات هفتگی جامعه مداحان افغانستان را دریافت نموده و سپس به مسئول مربوطه تحویل دهید.

پس از تکمیل فرم ثبت نام و امضای تعهدنامه‌ی حضور منظم در جلسات، کارت عضویت رسمی اعضای جلسات صادر و دفترچه‌ی مخصوص برای ثبت نکات آموزشی برای همه‌ی متقاضیان عزیز و گرامی صادر خواهد شد.

قابل ذکر است کتابخانه مداحان افغانستان نیز در پیام‌رسان‌های ایتا و تلگرام، حاوی ده‌ها کتابنوحه‌ی پی‌دی‌اف بوده که به صورت کاملاً رایگان از طریق دائلود در اختیار عموم دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار گرفته است، با توجه به این مسئله که این فضا می‌تواند برای علاقمندان به مداحی و نوحه‌خوانی جهت تامین نوحه‌های‌شان مفید واقع شود.

امید است ما را در روضه‌های مجالس خود و همچنین خواندن نوحه‌های اهل بیت علیهم‌السلام از دعای خیر و معنوی خود هرگز فراموش‌مان مسازید.

خدا یار و نگهدارتان.

یا حق.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

سید ابراهیم طباطبایی

مدیرمسئول کانون اجراان و جامعه مداحان افغانستان، قم‌المقدسه

محرم و صفر ۱۴۴۲ هجری قمری

آموزش نوحه خوانی

آشنایی با اجزای شعر در ادبیات فارسی:

وزن و محتوای شعر، اصلی ترین عوامل یک شعر است، در حقیقت می توان گفت که ارزش معنوی یک شعر به محتوای آن بستگی دارد و لذا محتوای شعر خیلی مهم است.

شاعر برای بیان مقصود خویش محتوای شعر را همواره در قالبی آهنگین می سراید که همان وزن شعر است و بدون وزن شعر چندان معنایی پیدا نمی کند.

به عبارت دیگر در شعر و به خصوص نوحه، وزن می بایست در خدمت محتوای نوحه قرار بگیرد و نه این که محتوا در خدمت وزن قرار گیرد.

در این جا می کوشیم تا شما نوحه خوانان عزیز را با مفهوم وزن دقیق تر آشنا کنیم، تا بدانید که دو کلمه یا دو مصراع یا دو بیت، چگونه هم وزن و هم آهنگ هستند.

وزن: آهنگی که در تمام مصراع های یک شعر یکسان است، وزن گفته می شود.

واج: زبان فارسی دارای سی و دو حرف است که هنگام تلفظ کردن این حروف متوجه می شویم که بعضی از حروف با توجه به این که شکل نوشتاری متفاوتی دارند، اما یکسان تلفظ می شوند.

مانند حروف (س ث ص) و یا حروف (ز ذ ض ظ)

بنابراین می توان حروف الفبای فارسی را از نظر تلفظی به شکلی دیگر دسته بندی کرد و در این دسته بندی حروفی که دارای تلفظ یکسانی هستند یک واج محسوب می شوند.

واج نیز بر دو گونه است: مصوت و صامت.

مصوت: زبان فارسی دارای سه مصوت کوتاه و سه مصوت بلند است.

مصوت های کوتاه عبارتند از (اَ، اِ، اُ) به عنوان مثال در کلمات سر، دل، پُل و یا کم، یم، خُم هر یک از حرکات کوتاه و بلند یک واج محسوب می شوند.

مصوت های بلند عبارتند از (آ، او، ای) به عنوان مثال در کلمات پا، کو، سی

صامت: زبان فارسی دارای بیست و سه صامت است:

ء (ع) ب پ ت (ط) چ چخ د ر ز (ذ ض ظ) ژ س (ث ص) ش غ (ق) ف ک گ ل م ن و ه (ح) ی

بنابراین تعداد حروفی که داخل پرانتزها ذکر شده اند را اگر از تعداد کل حروف الفبای فارسی که شامل سی و دو حرف می شود، کم کنیم در نهایت می شود تعداد بیست و سه صامت.

کاربرد این صامتها در وزن شناسی اشعار و نوحه های ما دارای اهمیت است.

هجا: هجای کلمات، همان تعداد بخش در کلمات است که در دوران کودکی آن را فرا گرفته ایم در واقع مقدار آوایی است که دهان با یک بار باز شدن آن را ادا می کند.

به عنوان مثال ببینید: کلمه ی آب دارای یک هجا، کلمه ی بابا دارای دو هجا، کلمه ی معلم دارای سه هجا و کلمه ی مجاهدت نیز دارای چهار هجا می باشد.

هجاهای فارسی از نظر امتداد (کوتاهی و بلندی) سه نوع‌اند: هجاهای کوتاه، بلند و کشیده.

(۱) هجاهای کوتاه: صامت + مصوت، مانند که (ک + ـِ) تو (ت + ـُ) به (ب + ـِ)

(۲) هجای بلند: که از آن نیز دو نوع است.

الف: صامت + مصوت کوتاه + دو صامت یا بیشتر و به عنوان مثال در کلمه‌ی لعل (ل ـ ع ـ ل)

ب: صامت + مصوت بلند + یک یا چند صامت و به عنوان مثال در کلمه‌ی کارد (ک ا ر د)

اکنون که توانایی شناخت انواع هجاها و انواع آن را به دست آورده‌اید باید بدانید که دو کلمه یا دو مصراع و یا دو بیت زمانی هم وزن و هم‌آهنگ هستند که دو شرط زیر را دارا باشند.

الف) تعداد هجاهای آن‌ها باهم برابر باشد.

ب) هجاهای کوتاه و هجاهای بلند آن‌ها در مقابل هم باشند.

به طور مثال دو مصراع زیر هم وزن و تعداد و ترتیب هجاها در هر دو مصراع باهم برابر است.

۱- امشب زده‌ام دست تو سل به رقیه ۲- ای کرب و بلا اشک غم از دیده چکیده

ای	گر	بُ	بَ	لا	آش	کِ	عَ	مَ	از	دی	دِه	چ	کی	دِه
ام	شب	رَ	دِه	آم	دَس	تَ	تَ	وَس	شُل	پِه	رُ	قِی	پِه	

یعنی هر کدام از دو مصراع چهارده هجا دارند و هجای کوتاه و بلند آن‌ها در مقابل هم هستند.

نتیجه‌گیری: اکنون شما می‌توانید نوحه‌های هم وزن را پیدا کرده و آن‌ها را با یک سبک بخوانید که شاید خیلی جاها به کارتان بیاید و به عنوان مثال می‌توانید نوحه‌های آفرین علی اکبر... یا حسین گل زهرا... و کربلا حسین آمد... را می‌توانید با یک سبک بخوانید.

مسئله‌ی مهم‌تر این است که می‌توانیم سبک‌های مختلف نوحه‌های دارای وزن یکسان را ترکیب کنیم و سبکی نو و جدید به وجود بیاوریم.

تذکر: گاهی اوقات تعداد و ترکیب هجاها در دو مصراع هم وزن، یکسان نیست.

اما چرا؟ علت این امر آن است که شاعر از اختیارات وزنی استفاده کرده است که شرح و تفصیل آن در کتب مربوطه آمده است و می‌توانید از اساتید و مربیان خود نیز این مطلب را جویا شوید.

موارد ضروری هنگام خواندن نوحه:

مطالعه و تحقیق پیرامون شخصیتی که قرار است درباره‌ی او نوحه بخوانیم و با آمادگی معنوی آن را اجرا نماییم، همچنین آراستگی ظاهری مناسب که برای یک نوحه‌خوان مهم است و البته گفتن ذکر بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای اجرا فراموش نشود و مرثیه‌خوانی یا چاوشی‌خوانی قبل از شروع نوحه در صورت داشتن وقت کافی و آماده کردن سینه‌زنان نیز خوب است، همچنین معرفی کردن موضوع نوحه به سینه‌زنان، به عنوان مثال بگویم زبان حال سیدالشهدا علیه‌السلام با حضرت زینب علیه‌السلام و سپس گرفتن ذکر صلوات از سینه‌زنان در ابتدای اجرای نوحه‌خوانی.

شروع نوحه‌خوانی با گام صوتی مناسب و از قبل تشخیص داده شده، گریز روضه‌ای در اواسط نوحه، چنانچه نوحه‌خوان مسلط بر مطلب باشد و مجلس آمادگی لازم را داشته باشد، عالی می‌شود.

فهرست وزنی نوحه‌های کتاب:

اکنون که با اجزای مختلف شعر از جمله وزن‌ها آشنایی پیدا کرده‌اید، می‌توانید نوحه‌های این کتاب را از نظر وزنی دسته‌بندی نموده تا به سهولت از آن برای تعیین سبک استفاده نمایید.

در این دسته‌بندی ابتدا وزن همه‌ی نوحه‌های داخل کتاب را مشخص نموده و بعد نوحه‌هایی که دارای وزن یکسان هستند را می‌توانید در این جدول ثبت نمایید.

شما نوحه‌خوان محترم با مراجعه به اساتید خود می‌توانید سبک‌های مشابه و هم وزن را پیدا کرده و با راهنمایی مربیان خود اجرا نمایید.

محل درج شماره‌ی نوحه‌های هم وزن کتاب	№	محل درج شماره‌ی نوحه‌های هم وزن کتاب	№
	۲۱		۱
	۲۲		۲
	۲۳		۳
	۲۴		۴
	۲۵		۵
	۲۶		۶
	۲۷		۷
	۲۸		۸
	۲۹		۹
	۳۰		۱۰
	۳۱		۱۱
	۳۲		۱۲
	۳۳		۱۳
	۳۴		۱۴
	۳۵		۱۵
	۳۶		۱۶
	۳۷		۱۷
	۳۸		۱۸
	۳۹		۱۹
	۴۰		۲۰

التماس دعا

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

پیش فصل اول

مجموعه‌ای از دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی
و همچنین اشعار و غزلیات ناب حسینی برای چاوشی خوانی قبل از نوحه

چاوشی خوانی، سستی دیرینه در عزاداری مردمان قدیم افغانستان (آداب و رسوم چاوشی خوانی)

اشعار چاوشی معمولاً دارای دو بیت و به عبارتی چهار مصرع بوده که در پایان هر مصرع سینه زنان ندای یا حسین سر می‌دهند.

مطابق رسوم عزاداری شیعیان در افغانستان زمانی که اشعاری برای چاوشی توسط نوحه‌خوان خوانده می‌شود متناسب با محتوای شعر، حاضرین در مجلس عزاداری و سوگواری، با صدای بلند و هماهنگ نوای یا حسین سر می‌دهند. در ادبیات فارسی افغانستان، چاوش واژه‌ای ترکی محسوب شده که به معنای جارچی، پیک، پیشرو کاروان، کسی است که دعوت رفتن به زیارت عتبات عالیات و خانه‌ی خدا کند.

در اصطلاحات عامیانه‌ی روستایی‌های خراسان چاوش کسی بوده که در ایام ویژه‌ی زیارت در روستاها، سواره یا پیاده به راه می‌افتاده و روستایی‌ها را به وسیله‌ی جار زدن و خواندن اشعار نغز و دلکش در مدح و منقبت امامان معصوم علیهم‌السلام، برای رفتن به زیارت، تهییج و تشویق می‌کرده که حاکی از اهمیت موضوع است.

چاوشی خوانی از حیث ادبی از نمونه‌های ادبیات عامیانه و فاخر اسلامی و از نوع غنایی آن به شمار می‌رود که محتوای آن احساسات، عواطف، عشق، دلدادگی، بیان آرزوها، برآورده شدن حاجات، غم، اندوه و مشکلات راه و همچنین مصائبی است که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان مطهر ایشان گذشته است.

چاوش خوانی بیش از هر چیز به طهارت باطنی و صفا و اخلاص و در مرحله‌ی بعد به کسب تجربه و تمرین و مهارت نیازمند است.

چاوشی‌خوانان پیشکسوت پس از رسیدن به مرحله‌ی علمداری درصدد بر می‌آمدند به تربیت شاگرد بپردازند.

از همین رو چاوشی‌خوانان پیشکسوت همواره به آموزش مراحل به نوآموزان چون نوچگی، روخوانی از چاووش نامه‌ها از بر کردن، هم‌آوایی و همراهی با چاوشی‌خوان ماهر می‌پرداختند.

تعداد ابیات چاوشی جهت اجرای قبل از اجرای معمولاً دو بیت و به عبارتی چهار مصرع می‌باشد که بعد از خواندن هر مصرع با صوتی بلند و رسا، از حضار و سینه‌زنان ندای یا حسین گرفته می‌شود.

البته ممکن در برخی مجالس، ابتدای برنامه‌ی سینه‌زنی برای این‌که صف‌های سینه‌زنی منظم شود، نوحه‌خوان ناچار است به جای دوبیتی و یا رباعی از اشعار غزل در مدح و ثنای سرور و سالار شهیدان حضرت آقا امام حسین علیه‌السلام برای چاوشی‌خوانی استفاده نماید که در این صورت توصیه می‌شود، نوحه‌خوان از اشعاری در قالب غزل و با ردیف «حسین» و یا همچنین «یا حسین» بهره ببرد.

چاوشی‌خوانی در بسیاری جاها با شکل‌های مختلف اجرا می‌شود، گاهی برای آماده‌سازی سینه‌زنان و گاهی نیز برای رفع خستگی سینه‌زنان در بین دو اجرا خوانده می‌شود، البته قابل ذکر است که با پیش‌خوانی قبل از اجرای نوحه نیز اندکی متفاوت است.

معمولا بعد از خواندن چاوشی مرسوم است که ذکر صلواتی توسط نوحه‌خوانان محترم و گرامی از حضار و سینه‌زنان گرفته شود.

همچنین مرسوم است، نوحه‌خوانان در پایان اجرای نوحه‌ی خود با ارائه‌ی آخرین گوشواره‌ی نوحه بدون گرفتن ذکر صلوات از سینه‌زنان میکروفون را به نوحه‌خوان بعدی واگذار می‌کنند.

برای راحتی کار نوحه‌خوانان و به عنوان نمونه چهل شعر چاوشی را که مشتمل بر دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی می‌شود در صفحات بعدی برای‌تان درج کرده‌ایم، امید که به کارتان آید و بهره ببرید.

در ادامه‌ی این چهل شعر چاوشی، اشعاری نیز در قالب غزل برای چاوشی‌خوانی ابتدای برنامه‌ی سینه‌زنی مجالس ذکر شده است.

دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۱)

این گوهر به خون شده غلطان حسین توست
این کشتی شکسته ز طوفان حسین توست
این یوسف که بر تن خود کرده پیرهن
از تار زلف‌های پریشان حسین توست

(۲)

این حسین کیست که عالم همه دیوانه‌ی اوست
این چه شمع‌یست که جان‌ها همه پروانه‌ی اوست
همگی میل سوی کربلایش دارند
من ندانم که چه سزّی‌ست که در خانه‌ی اوست

(۳)

شب است و بوی جدایی ز کربلا آید
صدای ناله زینب ز نینوا آید
صدای خواندن قرآن ز حنجر اکبر
برای دفعه‌ی آخر چه با صفا آید

(۴)

ای به دشت کربلا جان بگذشته از جان یا حسین
ای وجودت منبع نیکی و احسان یا حسین
چهره‌ی گلگون تو در سر زمین کربلا
آتش شد برتن و بر جسم عدوان یا حسین

(۵)

کربلای عاشقان چشم انتظار زینب است
رازهای شام غربت شرمسار زینب است
تا قیامت آسمان‌ها شد عزادار حسین
روزهای تفسیر اشک بی شمار زینب است

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۶)

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا
بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا
تشنه‌ی آب فراتم ای اجل مهلت بده
تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

(۷)

قیامت بی حسین غوغا ندارد
شفاعت بی حسین معنا ندارد
حسینی باش که در محشر نگویند
چرا پرونده‌ات امضا ندارد

(۸)

آبروی حسین به کهکشان می‌ارزد
یک موی حسین بر دو جهان می‌ارزد
گفتم که بگو بهشت را قیمت چیست؟
گفتا که حسین بیش از آن می‌ارزد

(۹)

عالم همه قطره‌اند و دریاست حسین
خوبان همه بنده‌اند و مولاست حسین
ترسم که شفاعت کند از قاتل خویش
از بس که کرم دارد و آقااست حسین

(۱۰)

تا که پرسیدم ز قلبم عشق چیست
در جوابم این‌چنین گفت و گریست
لیلی و مجنون فقط افسانه‌اند
عشق در دست حسین بن علی‌ست!

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۱۱)

در کلاس عاشقی عباس غوغا می‌کند
در دل هر عاشقی عباس ماوا می‌کند
هر کسی خواهد رود در مکتب عشق حسین
ثبت نامش را فقط عباس امضا می‌کند

(۱۲)

نون قلم نبی‌ست و ما یسترون حسین
طاق فلک علی‌ست به عالم ستون حسین
خلقت تمام حضرت زهراست خون حسین
با یک قیامت است هم‌الغالبون حسین

(۱۳)

یادم ز وفای اشجع‌الناس آید
وز چشم ترم سوده‌ی الماس آید
آید به جهان اگر حسین دگری
هیاهات برادری چو عباس آید

(۱۴)

با حزن شما، زندگی‌ام شد زیبا
با سینه‌زنی، عشق حسین، شد معنا
یک واژه که در آخر عمرم گویم
آن واژه فقط بود، اباعبدالله

(۱۵)

این‌جا اگر نوکر شدی در عرش سلطان می‌شوی
زانو بزن در محضرش طوفان میدان می‌شوی
نام حسین‌بن‌علی داروی درد عالم است
فطرس بگو یک یا حسین وَاَللهُ درمان می‌شوی

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۱۶)

نفس خسته عیسی فقط عباس است
ذکر جادویی موسی فقط عباس است
سر در قلعه یوسف ز طلا بنوشتند
همه دیوانه و لیلا فقط عباس است

(۱۷)

از روز ازل عاشقی آیین من است
در هر دو جهان دین حسین دین من است
سودا به سر از عشق حسین است مرا
شاهد همه جا این دل غمگین من است

(۱۸)

آئینه‌ی حق نما حسین است حسین
جان و تن مصطفی حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر
بی‌شبهه نزد خدا حسین است حسین

(۱۹)

سرم سودایی جام حسین است
همیشه برلبم نام حسین است
دلم گر چون کبوتر پر بگیرد
اقامتگاه او بام حسین است

(۲۰)

حلال جمیع مشکلات است حسین
شوینده‌ی لوح سیئات است حسین
ای شیعه تو را چه غم از طوفان بلا
جایی که سفینه‌النجات است حسین

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۲۱)

هر کس که حسینی است حقیرش مشمار
در رتبه کبیر است صغیرش مشمار
عنوان گدایی درش آقایی است
آقااست گدای او فقیرش مشمار

(۲۲)

لبم لبریز از جام حسین است
عروج نام من بام حسین است
اگر جراح قلبم را شکافد
به روی لوح دل نام حسین است

(۲۳)

مطاف اهل دل خاک حسین است
ملک در عرش غمناک حسین است
شنیدم هاتفی در گوش جان گفت
شفا در تربت پاک حسین است

(۲۴)

از داغ حسین اشک روانی داریم
وز ماتم او سوز نهانی داریم
ما گرچه بد هستیم ولیکن چون حسین
مولای کریم و مهربانی داریم

(۲۵)

وقتی به یاد نام شما آب می‌خوریم
انگار جای آب می‌ناب می‌خوریم
مردم به نرخ روز اگر می‌خورند نان
ما نان به نرخ حضرت ارباب می‌خوریم

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۲۶)

عاشق اگر شدم، اثر از چشم‌های توست
اصلا تمام، زیر سر چشم‌های توست
دل‌های سنگ را به نگاهی طلا کنی
این کیمیاگری، هنر چشم‌های توست

(۲۷)

از همان روز که مسکین سرای تو شدم
به تو سوگند که نمک‌گیر عطای تو شدم
گر کسی سلطنتی یافت به خود می‌نازد
من کنم ناز به عالم که رفیق تو شدم

(۲۸)

حسین جان وصفت به ذهن من که جا نمی‌شود
جز تو کسی برای من آقا نمی‌شود
هر کس بهشت بی تو بخواهد جهنمی است
اصلا بهشت که بی تو معنا نمی‌شود

(۲۹)

در ظلم کسی چو حرمله دیده نشد
نشنید کسی که خون نشان دیده نشد
گل دور زچشم باغبان بس چیدند
اما گل بر سر دست باغبان چیده نشد

(۳۰)

بی حسین بن علی احساس پیری می‌کنم
نی که پیری بلکه احساس حقیری می‌کنم
گفت سائل از چه رو محکم به سینه می‌زنی؟
گفتم از آیینی‌ی دل گردگیری می‌کنم

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۳۱)

ذکر تو به لب مرا مدام است حسین
مهر تو مرا علی‌الدوام است حسین
گر آب بنوشم و سلامت نکنم
نوشیدن آن آب حرام است حسین

(۳۲)

حسین آرامش دل‌های تنگ است
حسین بر چهره‌ی جان آب و رنگ است
هر آن‌که در عزای او نسوزد
تصور کن که آن دل نیست سنگ است

(۳۳)

با نام حسین به سینه‌ها گل بزنید
با اشک به پیشگاه او پُل بزنید
فرمود که هر زمان گرفتار شدید
بر دامن ما دست توشل بزنید

(۳۴)

دل را اگر از حسین گیرم چه کنم؟
بی عشق حسین اگر بمیرم چه کنم؟
فردا که کسی را به کسی کاری نیست
دامان حسین اگر نگیرم چه کنم؟

(۳۵)

بی عشق حسین جهان چه ارزشی دارد؟
بی روح حسین جنان چه ارزشی دارد؟
با ذکر حسین است زبان را ارزش
بی نام حسین زبان چه ارزشی دارد؟

ادامه‌ی دوبیتی‌ها و رباعیات حسینی

(۳۶)

خواهم ز خدا که بی ولایم نکند
غرق گنهم ولی رهایم نکند
یک خواسته دارم ز خدای تو حسین
در هر دو جهان از تو جدایم نکند

(۳۷)

من به عشق روی تو جان می‌سپارم یا حسین
بهتر از جان در رهت چیزی ندارم یا حسین
وقت مردن آرزو دارم به بالینم رسی
جان زهرا مادرت چشم انتظارم یا حسین

(۳۸)

تا در گه تو قبه‌ی راز است حسین
ما را به درت روی نیاز است حسین
گردد در کعبه باز، سالی یک بار
وین کعبه درش همیشه باز است حسین

(۳۹)

تو ماه عالم آرایی حسین جان
تو نور چشم زهرایی حسین جان
چه غم دارم ز فردای قیامت
شفیع روز عقبایی حسین جان

(۴۰)

ما دل به عنایت تو بستیم حسین
وز جام ولایت تو مستیم یا حسین
گر مست تو در آتش دوزخ سوزد
ما سوخته‌ی عشق تو هستیم یا حسین

درس محبت

از ازل در طلبت چشم ترم گفت حسین
 هر کجا بال زدم، بال و پرم گفت حسین
 مادرم داد به من درس محبت اما
 من حسینی شدم از بس پدرم گفت حسین
 شیرهی مهر تو خون شد به رگم جاری
 خون دل اشک شد و در نظرم گفت حسین
 تا گل نام تو وا شد به لم، باز پدر
 گفت شکر تو خدایا پسرم گفت حسین
 هر چه دارم همه از لطف پدر بود که او
 عوض قصه به بالین سرم گفت حسین
 این عجب نیست که یک بنده برد نام تو را
 که خدای ازل دادگرم گفت حسین
 تیغها نوحه‌ی خون از لبشان جاری شد
 تا در آن لحظه که بانوی حرم گفت حسین
 گفتم ای عشق مرا دست نیاز است دراز
 طلب خویش به نزد که برم، گفت حسین

شعر از سروده‌های آقای حاج رضا حمامی آرانی

پیراهن سیاه

اگر دهند به من آب‌های عالم را
نمی‌دهم نمی از گریه‌ی محرم را
نماز را که ملائک همیشه می‌خوانند
برای گریه، خدا آفرید آدم را
گناهکارم و گر سوی دوزخم ببرند
به اشک دیده گلستان کنم جهنم را
خدا نهاده دو زمزم به صورتم از اشک
نمی‌دهم به دو صد زمزم این دو زمزم را
عجب نیست اگر در صف جزا
عجیب نیست اگر در صف جزا بخشد
خدا به قطره‌ی اشکی تمام عالم را
تمام عمر عزیزم اگر شود یک دم
کنم نثار عزای حسین آن دم را
مگو که شمر سر از پیکر حسین برید
بگو برید گلوی رسول اکرم را
به چش خویش کنم التماس
مگر به زخم دل نهد از اشک دیده مرحم را
بهشت عاشق پیراهن سیاه شماست
کفن کنید به تن، این لباس ماتم را

التماس دعا

شوق وصال

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم
 این گنج پر بهاست، من ارزان نمی‌دهم
 گر انتخاب جنت و کویت به من دهند
 کوی تو را به جنت و رضوان نمی‌دهم
 نام تو را به نزد اجانب نمی‌برم
 چون اسم اعظم است، به دیوان نمی‌دهم
 جان می‌دهم به شوق وصال تو یا حسین
 تا بر سرم قدم نهدی، جان نمی‌دهم
 ای خاک کربلای تو مهر نماز من
 آن مهر را به ملک سلیمان نمی‌دهم
 ما را غلامی تو بود تاج افتخار
 این تاج را به افسر شاهان نمی‌دهم
 دل جایگاه عشق تو باشد، نه غیر تو
 این خانه‌ی خداست، به شیطان نمی‌دهم
 گر جرعه‌ای ز آب فرات شود نصیب
 آن جرعه را به چشمه‌ی حیوان نمی‌دهم
 تا سر نهاده‌ام چو مؤید به درگهت
 تن زیر بار منت دو نان نمی‌دهم

شعر از سروده‌های آقای حاج سید رضا مؤید خراسانی

ملجأ و پناه

به جز حسین مرا ملجأ و پناهی نیست
در این عقیده یقین دارم اشتباهی نیست
ره نجات حسین است و دوستی حسین
به سوی حق به جز از این طریق راهی نیست
به غیر درگه تو یا حسین، در دو جهان
مرا به درگه دیگر حواله گاهی نیست
خدا نکرده برانی ام از ز درگه خویش
به هیچ درگهم ای شه پناهگاهی نیست
گدای درگهت ای پادشاه کشور عشق
به چشم اهل نظر کم ز پادشاهی نیست
اگر مرا به غلامی خود قبول کنی
به دل دگر غم و اندوهم از گناهی نیست
غلام و ذاکر مداح و خانه زاد توأم
به دادگاه الهم جز این گواهی نیست
اگر تو حکم غلامی من کنی امضا
به هیچ محکمه خوفم ز دادگاهی نیست
غلام ترک سیاه تو یا حسین به حشر
به روشنی رخس چهر مهر و ماهی نیست
تو هر که را ببذیری خداهش نپذیرد
که قرب و بعد و سفیدی، یا سیاهی نیست
که حساب که رو قیامتش خوانند
به جز حسین مرا یار و دادخواهی نیست
مپوش چشم ز فانی به وقت جان دادن
امید او به تو آن دم به جز نگاهی نیست

کشتی نجات

لطف حسین ما را تنها نمی‌گذارد
اگر خلق وا گذارد، او وا نمی‌گذارد
او کشتی نجات و کشتی شکسته ماییم
مولا به کام غرقاب، ما را نمی‌گذارد
هل من معین او را باید جواب دادن
شیعه امام خود را تنها نمی‌گذارد
زهر را به دوستانش قول بهشت داده است
بر روی گفته‌ی خویش، او پا نمی‌گذارد
ما و فسرده حالی، مولا نمی‌پسندد
مسکین و دست خالی، مولا نمی‌گذارد
از بس گناهکاریم ما مستحقّ ناریم
باید که سوخت ما را، زهر را نمی‌گذارد

شعر از سروده‌های آقای حاج سید رضا مؤید خراسانی

نینوای دل‌ها

از سروده‌های آقای یعقوبیان

همچو نی در نینوایم یا حسین
عاشق کرب و بلایم یا حسین
هر کجا در محفل سوگ توأم
باشد آن‌جا نینوایم یا حسین
گر چه دورم از تو و کرب و بلا
با دلم سوی تو آیم یا حسین
باشد آن شش گوشه قبرت کعبه‌ام
شد حریم تو منایم یا حسین
حبّ تو دارم خدا باشد گواه
گر چه پست و بی بهایم یا حسین
با ولای تو در عالم زنده‌ام
کرده حق حبت عطایم یا حسین
من مریض عشق و بیمار توأم
ذکر نام تو دوایم یا حسین
یابن زهرا با دوست خالی‌ام
من به درگاهت گدایم یا حسین
کن نگاهی جان زهرا مادرت
چون گدایی بی نوایم یا حسین
این جهان و آن سرا ارباب من
تو مکن از خود جدایم یا حسین
شکر می‌گویم خدا را تا ابد
محفل تو گشته جایم یا حسین
از خدا خواهم که باشد نام تو
در دم آخر نوایم یا حسین

حدیث عشق

حدیث عشق تو دیوانه کرده عالم را
 به خون نشانده دل دودمان آدم را
 غم تو موهبت کبریاست در دل من
 نمی‌دهم به سرور بهشت این غم را
 غبار ماتم تو آبرو به من بخشید
 به عالمی ندهم این غبار ماتم را
 زمان به یاد عزایت محرم است حسین
 اگر چه شور دگر داده‌ای محرم را
 اگر بناست دمی بی تو بگذرد عمرم
 هزار بار بمیرم نبینم آن دم را
 گدای دولت عشقم که فرق بسیار است
 گدای دولت عشق و گدای درهم را
 به نیم قطره‌ی اشک محبت ندهم
 اگر دهند به دستم تمام عالم را
 محبت تو بود رشته‌ی نجات، مرا
 رها نمی‌کنم این ریسمان محکم را
 به عاشقان تو لازم که بهر جانبازی
 گزیده‌اند همیشه خطّ مقدّم را
 گناهکارم و یک عمر چشم گریانم
 به زخم‌های تو تقدیم کرده مرهم را
 به یمن گریه برای تو روز محشر هم
 خموش می‌کنم از اشک خود جهنّم را
 سخن ز سوز دلت با که می‌توان گفتن
 که سوختی دل بیگانه را و محرم را
 نشست تخت سلیمان به خون چو یاد آورد
 حدیث قتلگه و ساریان و خاتم را
 سپهر از چه نشد پاره پاره آن ساعت
 که نقش خاک زمین دید عرش اعظم را

روا نبود که امت به سر بریدن تو
دهند اجر رسالت رسول خاتم را
بنات فاطمه را بانگ العطش بر چرخ
به جای آب بجوشد ز سینه خون یم را
لب از ثنات نگیرد دمی، اگر ببرند
هزار مرتبه دست و زبان «میثم» را

شعر از سروده‌های آقای حاج غلامرضا سازگار قمی

دل شکسته

اگر که دل شکسته‌ای، حسین را صدا بزن
وگر ملول و خسته‌ای، حسین را صدا بزن
در این بهار معرفت، پرستوی بهاری‌ام
اگر چه پر شکسته‌ای، حسین را صدا بزن
سحر شد و سپیده زد، چرا تو همچو مرغ شب
لب از ترانه بسته‌ای، حسین را صدا بزن
تو سر به زانوی غمی، ز شرم کرده‌های خود
چرا غمین نشست‌ای، حسین را صدا بزن
اگر به باغ آرزو، به عشق کربلای او
دل از همه گسسته‌ای، حسین را صدا بزن

شعر از سروده‌های آقای حاج محمدجواد غفورزاده خراسانی

فصل اول

مجموعه نوحه‌های حضرت آقا مسلم بن عقیل علیهما سلام، سفیر حسینی
معمولا برای شب اول ماه محرم الحرام

نوحه‌ی ۱ در رثای حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام (سراینده: سید محسن حسینی)

به شام تیره مهمانم، بتاب ای ماه تابانم
نماز آخرم را با دو دست بسته می‌خوانم
سراپا رنج و دردم من، بیا دورت بگردم من
میا کوفه گل زهرا، حسین جانم حسین من

همه در خواب شیرین و من از هجر تو بیدارم
مرا عشق تو ای مولا کشیده بر سر دارم
سراپا رنج و دردم من، بیا دورت بگردم من
میا کوفه گل زهرا، حسین جانم حسین من

شرار غم زده آتش، تمام هستِ مهمان را
طناب کوفیان امشب، گرفته دستِ مهمان را
سراپا رنج و دردم من، بیا دورت بگردم من
میا کوفه گل زهرا، حسین جانم حسین من

میان کوچه‌ها از پای، چو من جان بر لب افتادم
چو دیدم سنگ کوفی را، به یاد زینب افتادم
سراپا رنج و دردم من، بیا دورت بگردم من
میا کوفه گل زهرا، حسین جانم حسین من

التماس دعا

نوحه‌ی ۲ زیانحال حضرت مسلم علیه السلام
(سراینده: جعفر رسولزاده)

ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

کوچه کوچهی کوفه، بوی عطر خون دارد
عاشق تو ای مولا، چهره لاله‌گون دارد
از غمت پریشانم، در ره تو قربانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

کعبه بوسه می‌گیرد، از لب گهربارت
من طواف خون دارم، در هوای دیدارت
قبله‌ی تو میقاتم، مکتب تو ایمانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

ای حسین من این‌جا، بویی از وفایی نیست
اهل کوفه نامردند، دست آشنایی نیست
من اسیر بیداد قوم نامسلانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

کار من فلک امروز، بر مَحَبَّت افکنده
زیر تیغ کین بر مرگ، مسلمات زند خنده
بر غریب‌ات مولا، اشک حسرت افشانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

می‌رسد به دامانت، گرچه دست من بسته
داغ هجر تو دارم، با دلی که بشکسته
می‌کنم سلام از دور، سیدی حسین جانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

سر به پایت افکندم، تا نظر کنی بر من
آرزوی تو دارم، زیر خنجر دشمن
از غمت پریشانم، در ره تو قربانم
ای حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

التماس دعا

فصل دوم

مجموعه نوحه‌های ورود حضرت آقا امام حسین علیه‌السلام به کربلا
معمولا برای شب دوم ماه محرم الحرام

نوحه‌ی ۳ در باب ورود امام حسین علیه السلام و یاران‌شان به کربلا
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

ای کرب و بلا ای وادی عشق، گشته سر من سودایی عشق
باشد هدفم آزادی عشق، سر سوره والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

از کعبه شتابان آمده‌ام، با جمله‌ی یاران آمده‌ام
تا هدیه کنم جان آمده‌ام، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

هفتاد و دو تن سرباز من‌اند، هم صحبت و هم‌آواز من‌اند
هم‌سر من‌اند هم‌راز منند، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

من آمده‌ام تا جان بدهم، جان را به ره جانان بدهم
آزادگی را عنوان بدهم، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

ای کرب و بلا ای سنگر من، ای جای قشون و لشکر من
ای قتلگه آب‌آور من، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

تو محفل انس یار منی، تو مدرسه‌ی ایثار منی
تو قتلگه خونبار منی، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

دین زنده شود با باور من، با خون گلوی اصغر من
با اشک و نوای خواهر من، سر سوره‌ی والفجرم من
سر سوره‌ی والفجرم من، والشفع والوترم من

رضوانی بگو با شور و نوا، ای سینه‌زنان ای اهل عزا
فرمود چنین شاه شهدا، سر سوره‌ی والفجر من
سر سوره‌ی والفجر من، والشفع والوتر من

التماس دعا

نوحه‌ی ۴ در باب ورود امام حسین علیه السلام و یاران‌شان به کربلا
(سراینده: غلامرضا سازگار قمی)

از بیابان حجاز، کعبه‌ی جان آمده
بهر قربانی حسین، با جوانان آمده
کربلا یا کربلا، بر تو مهمان آمده

همره یک آفتاب، هجده ماه آمده
خیمه برپا کن عراق، زینب از راه آمده
کربلا یا کربلا، بر تو مهمان آمده

ای بیابان بلا، پای اکبر را بیوس
ای زمین کربلا، حلق اصغر را بیوس
کربلا یا کربلا، بر تو مهمان آمده

ای جوانان عراق، اشجع الناس آمده
گل به همراه آورید، بوی عباس آمده
بوی یاس و سنبل و عود و عنبر می‌رسد
قاسم و عبدالله و عون و جعفر می‌رسد
کربلا یا کربلا، بر تو مهمان آمده

کربلا آماده باش، وقت مهمانداری است
از چه با دیدار تو، اشک زینب جاری است؟
کربلا ترسم که چون، عصر عاشورا شود
خرّم از خون حسین، خاک این صحرا شود
کربلا یا کربلا، بر تو مهمان آمده

نوحه‌ی ۵ در باب ورود امام حسین علیه السلام و یاران‌شان به کربلا (سراینده: ناشناس)

کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست
قتلگاه یاران باوفای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست
قتلگاه یاران باوفای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

رأس من در این صحرا، از بدن جدا گردد
اکبرم به خون غلطان، اصغرم فدا گردد
لاله‌ی حسن پرپر، در ره خدا گردد
قتلگاه سقّای باوفای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

پیش چشم من این‌جا، تیر و نیزه و خنجر
پاره پاره می‌گردد، پیکر علی‌اکبر
آتشم زند بر دل، خنده‌ی علی‌اصغر
قتلگاه یاران باوفای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

در عزای ما این‌جا، چشم خواهرم گرید
دور قتلگه دشمن، بهر دخترم گرید
ما ملائکه جدم، باب و مادرم گرید
چشم انبیا گریان، در عزای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

کشته می‌شود عون و جعفرم در این صحرا
غرق خون شود خاک کربلا در این صحرا
سنگ کینه می‌بارد، بر سرم در این صحرا
لاله‌گون ز خون روی حق نمای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

دشمن آتش افروزد، خیمه‌های ما سوزد
دامن یتیمانم، از ره جفا سوزد
قلب شیعیان بر ما، تا صف جزا سوزد
گوش خلق عالم پر از صدای ما این‌جاست
کربلای ما این‌جاست، نینوای ما این‌جاست

التماس دعا

نوحه‌ی ۶ ورود امام حسین علیه السلام به کربلا
(سراینده: سید اسماعیل بلخی)

در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی
آزاد توان بردن، ره در بر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

با رمز تبسم فاش، می گفت: به هر گامی
امضای من از خون است، بر دفتر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

زور است گلوی من، از خنجرت ای گردون
بُرم رگ استبداد، با حنجر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

آری چه عجب رمزی است، با عزم توان افکند
در کاخ فلک یک نفس، کز و فر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

عبّاس نجات شرع، از لطمه‌ی طوفان داد
در شطّ فُرات افکند، چون لنگر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

از زیر شُم اسبان، قاسم به عروشش گفت:
با یاد تو خوابیدم، در بستر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

اکبردم جان دادن، گفتا به پدر خوش باش
سیراب شدم مستم، از ساغر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

غوغا ز جهان برخاست، آن دم که صدا آمد
 عنقا ز حرم بگشود، بال و پر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

با جوهر استعداد، بر نور قدم مظهر
 شش ماهه علی اصغر، آن گوهر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

شه بر سر دوشش برد، تا محفل حق یعنی
 اصغر تو بخوان خطبه، بر منبر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

الْقَصَّة از آن آزاد، هر لحظه در آن وادی
 اسپند جگر می سوخت، در مجمر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

آزادی مطلق گشت، آن گاه که زینب دید
 افتاده تن مجروح، از مصدر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

آغشته به خاک و خون، چون دید و در آن گرما
 بنشست و به بر بگرفت، آن پیکر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

زد بوسه به حلقومش، با اشک روان می گفت
 رفتیم ز پا بوست، ای مفخر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

نه جامه تو را در بر، نه بر سر من معجر
 کان هر دو ضرورت نیست، در کشور آزادی

در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

عابد به غل و زنجیر، ما قید اسیر شمر
سهمیه‌ی خود بردیم، زین محضر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

در کوفه به نوک نی، منشور و مدلل داشت
خاکستر آزادی، زیب سر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

از جوشش خون اوست، در آب و گل «بلخی»
شور و شر آزادی، تا محشر آزادی
در دشت عراق آمد، چون رهبر آزادی

مختصر آشنایی با سراینده‌ی گران‌قدر:

علامه‌ی شهید بلخی رحمت‌الله‌علیه در سال ۱۳۹۵ و به احتمال دیگری نیز در سال ۱۳۹۹ هجری خورشیدی در قریه‌ی بلخاب واقع در ولسوالی بلخاب، در یک خانواده‌ی روحانی زاده شد.

بلخاب سرزمینی خوش آب و هوا و کوهستانی است که از جنوب با ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان، از شرق با ولسوالی دره‌صوف ولایت سمنگان، از غرب با چیراس و از شمال با ولسوالی زارع ولایت بلخ و همچنین ولسوالی سانچارک ولایت سرپل همسایگی دارد.

این خطه از دیرباز، مرکز تشیع و پایگاه ستارگان علم و ادب بوده و امروز پس از گذشت سال‌ها و قرن‌ها، ستارگانش همچنان نیز، چشم و چراغ ملت مسلمان افغانستان و جهان به حساب می‌آیند.

وی در حوزه‌های علمیه‌ی مشهد مقدس، شهر مقدس قم و نجف‌الاشرف به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و نقشی جدی در قیام مسجد گوهرشاد داشت، سپس به زادگاه خود افغانستان بازگشت و با تشکیل گروه‌ها از جمله حزب ارشاد برای اصلاح قانون اساسی و انتخابات مجلس شورای ملی افغانستان تلاش کرد.

علامه‌ی شهید سید اسماعیل بلخی رحمت‌الله‌علیه را بنیان‌گذار ادبیات انقلابی و پیشگام نهضت اسلامی معاصر افغانستان دانسته‌اند.

علامه‌ی شهید سید اسماعیل بلخی رحمت‌الله‌علیه تنها شهیدی از اهل افغانستان است که از سوی دولت محترم جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، تمبر یادبودی توسط وزارت پست، تلگراف و تلفن آن زمان منتشر گردیده است.

مهم‌ترین اثر وی دیوان شعر ایشان است که در آن پنج هزار بیت از اشعار او گردآوری شده است.

اگرچه برخی از مورخین، تعداد سروده‌های ایشان را تا هفتاد و پنج هزار شعر نیز عنوان کرده‌اند که متأسفانه همه‌ی آن شعرها در دسترس نیست.

بسیاری از سروده‌های ایشان در طول سال‌های متمادی و مختلف در نشریات و جراید رسمی افغانستان و ایران به چاپ رسیده است.

روحش شاد و یادش گرامی؛

فصل سوم

نوحه‌های حضرت بی بی سه ساله خانم رقیه بنت الحسین علیهماسلام
معمولا برای شب سوم ماه محرم الحرام

نوحه‌ی ۷ در رثای حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند
یک سبد گل خونین، پیش بلب آوردند
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

بلبل از فراق آن شب، زار زار می‌نالید
داغ دار گل‌ها بود، بی قرار می‌نالید
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

فصل سوگواری یاس و سرو و مریم بود
قتلگاه پر از گل بود، فصل فصل ماتم بود
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

شب چو شام یلدا بود، در خرابه غوغا بود
شور نغمه ای بلبل، وای وای بابا بود
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

خم شد آن لب خشک از قحط آب را بوسید
آن بریده رگ‌های حلق باب را بوسید
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

با محاسن خونین، گیسویش حنا می‌کرد
کودکانه می‌نالید، زیر لب دعا می‌کرد
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

ای خدا شد پایان، طاقت و توان من
سوخت داغ بابایم، مغز استخوان من
در خرابه گل‌چینان، یک سبد گل آوردند

تازه کرد آن بلبل داغ آل یاسین را
حلقه گشت دستانش آن عقیق خونین را
در خرابه گل چینان، یک سبد گل آوردند

می‌دوید و می‌نالید ناگهان زمین افتاد
حلقه‌ها ز هم وا شد بر زمین نگین افتاد
در خرابه گل چینان، یک سبد گل آوردند

بلبل از خروش افتاد شد خموش و واویلا
زخم ریسمان دارد روی دوش واویلا
در خرابه گل چینان، یک سبد گل آوردند

مثل مادرش زهرا پهلوبیش کبود از نی
غاصب فدک کشتش در هوای مُلک ری
در خرابه گل چینان، یک سبد گل آوردند

سوخت باز رضوانی زین سخن دل خامه
در خرابه شد دفن و شد کفن به عمامه
در خرابه گل چینان، یک سبد گل آوردند

التماس دعا

نوحه‌ی ۸ در رثای حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام
(سراینده: ناشناس)

من که جز این کنج ویران، منزل و مأوا ندارم
همچو مرغان مهاجر، آشیان گویا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

هیچ می‌دانی در این ویرانه‌ی بی سقف و حائل
شب ز سرما خواب راحت، روز از گرما ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

جای همدردی چه گویم، بعد قتلت پیش دشمن
جرات آه و فغان و گریه کردن را ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

گاه احساس خطر از سوی دشمن ای پدر جان
جز پناه عمّه جانم، مأمن و مأوا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

درد دل بسیار دارم، گرچه از بیداد دشمن
گر تو باشی در کنارم، شکوه از اعدا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

شمع من کنج خرابه، آمدی جانم بسوزی
من که خود پروانه‌ام از سوختن پروا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

با سر بیریده امشب، آمدی در کنج ویران
تا نگوید کس من بی خانمان بابا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

شایدم بابا زبان گوید چه آید بر سر من
ورنه جای سالمی در سایر اعضا ندارم
من غریم ای خدایا، من چرا بابا ندارم

التماس دعا

نوحه‌ی ۹ در رثای حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام
(سراینده: ناشناس)

چو آمد به ویران سر شاه خوبان
نمودند زن‌ها همه مو پریشان
رقیه سر باب خود را به دامن
نهاد و بگفتا به صد آه و شیون
پدرجان یتیم یتیم یتیم

پس از مرگت ای پادشاه یگانه
چه گویم چه دیدم ز جور زمانه
زدی شمر دون سیلی از کین به رویم
که نیلی ز سیلی‌ست روی نکویم
پدرجان یتیم یتیم یتیم

ز ناقه فتادم شبی در بیابان
حزین و دل افکار و زار و پریشان
کبود ای پدر پیکرم شد شد ز کینه
اسیر ستم خواهرم شد سکینه
پدرجان یتیم یتیم یتیم

پس از مرگت ای تو سالار شهیدان
شده منزل اهل بیتت به ویران
بود سخت و دیگر به من زندگانی
چسان بی تو مانم در این دار فانی
پدرجان یتیم یتیم یتیم

نوحه‌ی ۱۰ در رثای حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام (سراینده: حمزه صالحی بامیانی)

عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید
عمه جان بیا امشب، قسمتم پدر گردید
من فدای بابایم، در خرابه مأوایم
روی خاک و گرمایم، باب من خبر گردید
عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید

ای انیس و یار من، باب تاجدار من
ای گل بهار من، شام من سحر گردید
بین رقیّه‌ات بابا، غم رسیده‌ات بابا
نور ددیّه‌ات بابا، حال من دگر گردید
عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید

ای پدر کجا رفتی؟ در سفر چرا رفتی؟
تو ز ما جدا رفتی، عمّه خون‌جگر گردید
در خرابه جا دارم، ناله و نوا دارم
بهر تو عزادارم، نغمه‌ام پدر گردید
عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید

کودکان دل‌خسته، روی خاک بنشسته
دست‌های‌شان بسته، در دلم شرر گردید
ای پدر پدر جانم، رأس تو به دامنم
من تو را به قربانم، آخر این سفر گردید
عمه جان بیا امشب، شام من سحر گردید

نوحه‌ی ۱۱ زبان حال حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام
(سراینده: ناشناس)

عمّه جان کن نظر، آمده میهمان، برده از دست من، صبر و تاب و توان
کنج ویرانه‌ام، از رُخس با صفا، همه جا کربلا، همه جا نینوا
همه جا کربلا، همه جا نینوا

با صفا کرده‌ای، ابّا خانه‌ام، تو مرا شمعی و من چو پروانه‌ام
تو نغمّتی پدر که رقیّه کجا، همه جا کربلا، همه جا نینوا
همه جا کربلا، همه جا نینوا

عمّه جان عاقبت، شام من شد سحر، دیدن روی تو، نزد آمد پدر
و چرا عمّه جان، سرش از تن جدا، همه جا کربلا، همه جا نینوا
همه جا کربلا، همه جا نینوا

تازیانه زده، دشمنم بر تنم، مادرت فاطمه، آمده دیدنم
بین که دردانه‌ات، از ستم در نوا، همه جا کربلا، همه جا نینوا
همه جا کربلا، همه جا نینوا

بار این سلسله، قدّ من را خمید، من بی حوصله، من گیسو سپید
می‌کشاند مرا، از کجا تا کجا، همه جا کربلا، همه جا نینوا
همه جا کربلا، همه جا نینوا

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۲ زبان حال حضرت رقیه بنت الحسین علیهماسلام (سراینده: علی اکبر لطیفیان)

عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم
شامیان ای حرامیان دیدید، راست گفتم که من پدر دارم!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

ای پدرجان عجب دلی دارم، ای پدرجان عجب سری داری
گیسوان را به پای تو ریزم، تا ببینی چه دختری داری!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

ای که جان سه ساله‌ات بابا، بر نگاه تو بستگی دارد
گر به پای تو بر نمی‌خیزم، چند جایم شکستگی دارد!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

آیه‌های نجیب و کوتاهم، یک شب از ناقه‌ها تنزل کرد
غنچه‌های شبیه آلاله، روی چین‌های دامنم گل کرد!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

دستی از پشت خیمه‌ها آمد، لاجرم راه چاره‌ام گم شد
در هیاهوی غارت خیمه، ناگهان گوشواره‌ام گم شد!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

هر بلایی که بود یا می‌شد، بر سر زینب تو آوردند
قاری من چرا نمی‌خوانی، چه به روز لب تو آوردند!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

چشم‌های ستاره بارانم، مثل ابر بهار می‌بارد
من مهبیای رفتنم اقا، خواهرت را خدا نگه دارد!
عمّه جان این سر منور را، یاری ام می‌کنی که بردارم

نوحه ۱۳ زبان حال حضرت رقيه بنت الحسين عليه السلام (سراینده: سيد ابوالقاسم فانی تهرانی)

ای پدر امشب یاد ما کردی، دخترت را یاد از وفا کردی
بزم ما را خوش با صفا کردی، از ره جود و لطف شاهانه
آمدی بابا کنج ویرانه، باصفا کردی این عزا خانه

ای پدرجانم جان به قربانت، جان به قربان لطف و احسانت
از کرم کردی یاد طفلانت، شمع ما گشتی ما چو پروانه
آمدی بابا کنج ویرانه، باصفا کردی این عزا خانه

ای سر احمد جسم و جانی تو، میزبانم من میهمانی تو
میهمان من خوب و دانی تو، که مرا نبود فرش و کاشانه
آمدی بابا کنج ویرانه، باصفا کردی این عزا خانه

آفتاب من در کجا بودی، از چه رو از ما تو جدا بودی
روزی آخر تو آشنا بودی، گشته‌ای با ما از چه بیگانه
آمدی بابا کنج ویرانه، باصفا کردی این عزا خانه

رفتی ای بابا خوش به مهمانی، گه تنور و گه دیر نصرانی
از چه رو دور از ما یتیمانی، منزل ما شد کُنج ویرانه
آمدی بابا کنج ویرانه، باصفا کردی این عزا خانه

مرحوم سيد ابوالقاسم فانی تهرانی فرزند مرحوم حاج سيد رضا موسوی تهرانی، از شعرای آیینی بنام و مشهور جمهوری اسلامی ایران است که نزدیک به سی و پنج سال خادم آستان مبارک خامس آل عبا حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلای معلی بود و در سال ۱۳۳۲ هجری خورشیدی دار فانی را داع گفت.

کتابی از مجموعه سروده‌های آیینی ایشان در سال ۱۳۳۷ هجری خورشیدی توسط آقای «سيد جلال فانی‌زاده» با عنوان «اشعار در مدح و منقبت ائمه اطهار علیه‌السلام» چاپ و منتشر گردیده است. روحش شاد و یادش گرامی.

فصل چهارم

نوحه‌های طفلان مسلم عليهم السلام و حر بن یزید ریاحی علیه السلام
معمولا برای شب چهارم ماه محرم الحرام

نوحه‌ی ۱۴ در رثای طفلان حضرت مسلم علیهم السلام
(سراینده: حاج ابوالفضل آسمانی)

طفلان مسلمیم، هستیم و بی قرار
دوریم ز خانمان، با چشم اشکبار
مادر نشسته است، در انتظار ما
آه و واویلتا، آه و واویلتا

از ظلم دشمنان، ماد دل شکسته‌ایم
هستیم یتیم و با افکار خسته‌ایم
سرگرم گفت و گو، گردیده با خدا
آه و واویلتا، آه و واویلتا

این عمر کوتاه ما بین چسان گذشت
گاهی به حبس و گه، صحرا و کوه و دشت
پرپر دو لاله‌ایم از جور اشقیا
آه و واویلتا، آه و واویلتا

نیلی ز سیلی است رخسار ماه ما
گویند چه بوده است، جرم و گناه ما
زد خنده خصم دون، بر اشک چشم ما
آه و واویلتا، آه و واویلتا

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۵ در رثای حضرت حر بن یزید ریاحی علیه‌السلام (سراینده:س)

تو مولای کریمی، منم عبد خطاکار
تویی یوسف زهرا، منم حر گنهکار
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

من آنم که شکستم، دل زینب و طفلان
تو آنی که گشودی، در رحمت و غفران
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

من و کثرت عصیان، تو و رحمت ذوالمن
اگر ره نگشایی، به رویم چه کنم من
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

ز رویت خجلم من، گنهکار و بد استم
چه سازم نرسد گر، به دامان تو دستم
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

به تو آب ندادم، به تو راه بیستم
دل اهل حرم را، تو دیدی که شکستم
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

حسین ای گل طاها، جگرگوشه‌ی زهرا
بگو تا که ببخشد، مرا زینب کبری
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

اگر فاطمه پرسد، ز من در صف محشر
چرا آب ندادی، به گل‌های پیغمبر
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

چه گویم به جوابش، به فردای قیامت
چه سازم من مسکین، به میزان عدالت
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

ز من روی مگردان، که وا مانده ز راهم
من و جرم خطایم، من و بار گناهم
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

ز ره آمده‌ام من، زخم بوسه به پایت
بده اذن جهادم، که گردم به فدایت
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

ز روی تو و زینب، خجالت زده هستم
بده خطّ امانم، که من دل به تو بستم
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

دل‌م گشته حسینی، به لب زمزمه دارم
که امید عطا از، تو و فاطمه دارم
من و روی سیاهم، بیخشا تو گناهم

التماس دعا

فصل پنجم

نوحه‌های حضرت عبدالله بن الحسن علیهما سلام
معمولا برای شب پنجم محرم

نوحه‌ی ۱۶ در رثای حضرت آقا عبدالله بن الحسن علیهماسلام
(سراینده: ناشناس)

به ستاره نظری کن ز کرم ای ماهم
دلربایی تو و من دل شده عبداللهم
ای عموجان، ای عموجان، ای عموجان

از چه پر خون شده این روی تماشایی تو
من به قربان تو و غربت و تنهایی تو
می‌دهم ای همه هستم به رهت هستم را
می‌کنم در ره عشق تو سپر دست را
ای عموجان، ای عموجان، ای عموجان

ای عمو نیست دگر سایه‌ی بابا به سرم
ای گل فاطمه آید ز تو بوی پدرم
طفلم اما به خم گیسوی تو دل بستم
باورم نیست در آغوش عمویم هستم
ای عموجان، ای عموجان، ای عموجان

از حرم آمده‌ام بر تو خبر آورده‌ام
خبر از تشنگی و دیده‌ی تر آوردم
حرم از آه عزیزان تو نیلی شده است
روی طفلان تو آمده‌ی سیلی شده است
ای عموجان، ای عموجان، ای عموجان

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۷ در رثای حضرت آقا عبدالله بن الحسن علیهماسلام (سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله
شد جانب کوه منا سوی خلیل الله، هم‌چون ذبیح الله

از دیدگان نازنینش اشک جاری بود، با آه و زاری بود
لرزان تنش چون بزه آهوی فراری بود، در بی‌قراری بود
گویا خبر دارد که خواهد رفت قربان‌گاه، شهزاده عبدالله
از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

او می‌دوید و عمّه دنبال سرش می‌رفت، چون باورش می‌رفت
دنبال هر دو اشک ریزان مادرش می‌رفت، آن گوهرش می‌رفت
فریاد می‌زد مادرش برگرد عبدالله، شهزاده عبدالله
از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

قاسم به خون غلطیده و رفته ز دست من، داده شکست من
تنها تو هستی جان مادر سرپرست من، خالی‌ست دست من
مگذار تو تنها مرا برگرد عبدالله، شهزاده عبدالله
از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

بود این امیدم با تو راهی وطن کردم، دور تو من کردم
دستم بگیری زائر قبر حسن کردم، سرو چمن کردم
برگرد مشکن این دل پر درد و سوز و آه، شهزاده عبدالله
از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

مادر خودم دیدم عمو وا غربتا می‌زد، مارا صدا می‌زد
در قتلگاهش در یم خون دست و پا می‌زد، واغربتا می‌زد
باید به امدادش روم تنهاست تارا الله، ابن حبیب الله
از خیمه‌گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

ای عمّه جان زینب تو هم با مادر زارم، دیگر میازارم
برگرد سوی خیمه ها مشکن دل زارم، بین چشم خون بارم
بگذار من باشم ذبیح عمم خلیل الله، شهزاده عبدالله
از خیمه گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

رضوانی بس دیگر مگو دستش ز تن افتاد، سرو چمن افتاد
آخر کنار عمّش آن گلگون بدن افتاد، دستش ز تن افتاد
شد دومین پور حسن قربان ثار الله، شهزاده عبدالله
از خیمه گاه آمد برون مانند قرص ماه، شهزاده عبدالله

التماس دعا

فصل ششم

نوحه‌های حضرت قاسم بن الحسن علیه‌السلام
معمولا برای شب ششم محرم

نوحه‌ی ۱۸ در رثای حضرت آقا قاسم بن الحسن علیه السلام (سراینده: ناشناس)

چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن
چه خوش است ناز جانان همه را به جان خریدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه خوش است جان سپاری به قدوم چون یاری
به منای کربلای تو شها به خون طپیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه غمی ز بی پناهی به حضور چون تو شاهی
که خوش آیدم به راه تو شها بلا کشیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه شود اگر عموجان بروم به سوی میدان
که خوش است و از تو فرمان و ز من به سر دویدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چو غزال مجتبی شد ز میان خیمه بیرون
به شتاب از پی آمد شه دین برای دیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

چه عمو چه نوجوانی چه گلی چه باغبانی
به حسن صبا خبر ده که چه جای آرمیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

به میان کوفیان رفت و بزد به قلب لشکر
چه خوش است و از غزالی همه گرگ‌ها رمیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

به جواب اهل کوفه به زبان حال می‌گفت
چه خوش است ناسزاها به ره خدا شنیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

زند آتشم حسانان غم شاهزاده قاسم
بنگر به دست گلچین گل نشکفته چیدن
چه خوش است رنج و محنت به ره وفا کشیدن

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۹ در رثای حضرت آقا قاسم بن الحسن علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

چون فتاد از سر زین به میدان، تازه داماد شاه شهیدان
این سخن گفت با آه و افغان، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

قاتل شوم بداختر من، ایستاده ز کین در بر من
تا ببرد سر از پیکر من، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

رحمی ای شه که من خوار و زارم، نوجوان و یتیم و فکارم
از برادر تو را یادگارم، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

جز من بی پدر ای عموجان، کس ندیده یتیمی به دوران
جان دهد زیر شَم ستوران، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

ای عموجان به حال من نظر کن، مادرم را زمن با خبر کن
گو به او رخت ماتم به بر کن، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

مادرا رنج و زحمت کشیدی، سال‌ها تا مرا پروریدی
رخت شادی برایم بریدی، ای عموجان امان از جدایی
ای عموجان امان از جدایی

التماس دعا

نوحه‌ی ۲۰ در رثای حضرت آقا قاسم بن الحسن علیه السلام (سراینده: ناشناس)

یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را
در خسوف از ابر خون بین، ماه کنعان حسن را
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

از فرس تا من فتادم، سویم از هر سو دویدند
تا که گفتم من یتیمم، با لگد نازم خریدند
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

لحظه‌های آخرم شد، جلوه کن ماه منیرم
آرزو دارم عموجان، روی دامنم بمیرم
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

نور چشم هر دو عالم، چشم من در خون نشسته
ای امام دل شکسته، استخوان من شکسته
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

ای صبا رو، سوی خیمه، تو بگو با آل هاشم
کس نباشد دیده بر ره، بین ره افتاده قاسم
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

ای امام تشنه‌ی من، تشنگی رفته ز یادم
تا که تیر آمد به سویم، یاد بابیم فتادم
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

دیدنی شد، حجله‌گاهم، ای عزیز، بهتر از جان
جای نقل شادی اینجا، گشته قاسم سنگ‌باران
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

ای صبا رو، سوی خیمه، تو بگو با آل هاشم
کس نباشد دیده بر ره، بین ره افتاده قاسم
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

ای امام تشنه‌ی من، تشنگی رفته ز یادم
تا که تیر آمد به سویم، یاد بابیم فتادم
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

دیدنی شد، حجله گاهم، ای عزیز، بهتر از جان
جای نقل شادی اینجا، گشته قاسم سنگ باران
یابن زهرا دیده بگشا، کن تماشا حال من را

التماس دعا

نوحه‌ی ۲۱ در رثای حضرت قاسم بن الحسن علیهماسلام (سراینده: ناشناس)

ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا
مادر شود قربان تو، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

منما تو تاب ای نوجوان، ای محوش شیرین زبان
ای گوهر افزون بها، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

زین قوم بارد تیر کین، یک دم بیا نزدن نشین
جانا مکن دلخون مرا، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

روح و روان من تویی، آرام جان من تویی
ای شمع قندیل صفا، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

عمرم به سر آورده‌ام، چون تو جوان پرورده‌ام
ای نور چشم مجتبی، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

ترسم شوی ای گل‌عذار، از خنجر کین پاره پار
از جور قوم نابکار، قاسم مرو میدان بیا
ای نون‌هال مجتبی، قاسم مرو میدان بیا

نوحه‌ی ۲۲ در رثای حضرت قاسم بن الحسن علیهماسلام
(سراینده: حاج غلامرضا سازگار قمی)

ای گشته یکی جسمت، با پیرھنت قاسم
مثل جگر بابا، صد پاره تنت قاسم
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

ای بسته حنا بر کف، از خون دل تنگت
پیراھن دامادی، بر تن زره جنگت
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

خونین لب خود وا کن، مانند علی اکبر
برگو به عموی خود، یک العطش دیگر
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

ای بلبل من دیشب، قرآن به حرم خواندی
چون شد که به موج خون، از شور و نوا ماندی
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

من نعلش تو می بردم، بر شانه‌ی خود ناگاه
دیدم که به استقبال، گل آورد عبدالله
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

گفتم که پس از بابا، ای دسته گل پرپر
من جای حسن باشم، تو جای علی اکبر
دُرّ حسنی قاسم، فرزند منی قاسم

التماس دعا

فصل هفتم

نوحه‌های شهزاده‌ی حسینی، حضرت علی اصغر علیه السلام
معمولا برای شب‌های هفتم، نهم و دهم محرم

نوحه ۲۳ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام (سراینده: ناشناس)

ناله کنم همچو نای، در عوض لای لای، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

گریه مکن اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

سوختم از آتشت، آه چه سوزان تبی، اصغرم آرام
همچو لب خشک تو، هیچ ندیدم لبی، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

سینه‌ی بی شیر من، می‌زنی ای گل خراش، اصغرم آرام
مادر غم پرورت، زنده نمی‌بود کاش، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

مادر از این حال تو، سینه ز غم می‌دزد، اصغرم آرام
آمده بابا تو را، جانب میدان بزد، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

این لب بی‌رنگ تو، قلب مرا آب کرد، اصغرم آرام
تیر سه شعبه مگر، چشم تو را خواب کرد، اصغرم آرام
خوب بخواب اصغرم، اصغرم آرام باش، اصغرم آرام

نوحه‌ی ۲۴ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام (سراینده: ناشناس)

چو ابری بر رخ ماهی عبای شاه رو پوشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

لب خاموش او گوید ز سوز دل حکایت‌ها
ز بی تابی و بی آبی سرش خم گشته بر دوشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

لبش بی رنگ و دل پر خون، نگاه مات او محزون
هوای کربلا برده، همه صبر و همه هوشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

نمی‌نالد ز بی شیرینی نمی‌گرید ز بی آبی
در آغوش پدر دیگر، شده مادر فراموشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

زبان خویش را گاهی برون آرد به آرامی
مگر مرطوب گرداند لبان خشک و خاموشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

مگر اصغر که چون اکبر، فدای راه تارالله
چو ماهی می‌طپد اما، تبسم بر لب نوشش
حسین آمد به میدان و علی اصغر در آغوشش

نوحه‌ی ۲۵ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام
(سرائنده: ناشناس)

تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

از همه دل می‌بری، طفلک زیبای من
از همه تشنه تری، نوگل رعناى من
جان به لبّت آمده، وای من و وای من
شرم کنم چون تو را، تشنه به میدان برم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

گریه و ناله مکن، پیش دو چشمم چنین
نیست مرا قطره‌ای، آب ایا نازنین
بسته ره آب را، خیل صف مشرکین
تشنه کنار فرات کشته شده افسرم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

غصّه و اندوه تو، آه مرا می‌کشد
تشنگی بی‌گنه، آه مرا می‌کشد
عمه‌ی غم‌دیده را، هجر و بلا می‌کشد
منتظرت در حرم، گریه‌کنان خواهرم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

طفلک مظلوم من، غرقه‌ی غم‌ها علی
منتظرت در حرم، مادر تنها علی
حجّت بر حقّ من، بر همه اعدا علی
رفته ز تابم علی، جان ز جان به‌ترم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

برده علی از سر گریه‌ی تو هوش من
کی شود این لاله و گریه فراموش من
آه چرا گشته است، مقتلت آغوش من
داغ مرگ تو، خود به کجا می‌برم
تشنه ترین حرم، اصغرم ای اصغرم

التماس دعا

نوحه‌ی ۲۶ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

تیر سه شعبه چو گلویت درید، رنگ ز رخساره‌ی ماهت پرید
اصغرم شیر شهیدم شهید، از آتش آسوده‌ی آخر علی
طفلك تشنه علی اصغرم

حضرت سجاد خریدار تو، کون و مکان هست عزادار تو
بنازم این گرمی بازار تو، زینت اردوی شهیدان تویی
طفلك تشنه علی اصغرم

آه علی تابه جهان زنده‌ام، من ز رخ ماه تو شرمنده‌ام
در خبر مرگ تو درمانده‌ام، گو چه دهم پاسخ آن مادرت
طفلك تشنه علی اصغرم

کی شود این لحظه فراموش من، کشته شدی مرغک خاموش من
قتلگه‌ات کودکم آغوش من، خوب بخواب ای علی اصغرم
طفلك تشنه علی اصغرم

سوختم از خنده‌ی مستانه‌ات، کشت مرا مرگ غریبانه‌ات
اهل خیامم همه پروانه‌ات، ناله‌کنان‌اند سراسر همه
طفلك تشنه علی اصغرم

التماس دعا

نوحه‌ی ۲۷ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام (سراینده: ناشناس)

بخواب ای غنچه‌ی پرپر، علی اصغرم لای لای
بخواب ای کودک مادر، علی اصغرم لای لای
عزیزم از چه بی‌تابی، چرا مادر نمی‌خوابی
گمانم تشنه‌ی آبی، علی اصغرم لای لای
علی اصغرم لای لای، علی اصغرم لای لای

مزن آتش به جان من، مبر تاب و توان من
ببین اشک روان من، علی اصغرم لای لای
چرا مادر علی جانم، نمی‌گیری تو پستانم
چی می‌خواهی نمی‌دانم، علی اصغرم لای لای
علی اصغرم لای لای، علی اصغرم لای لای

عزیز من مکن غوغا، بخواب ای کودک زیبا
مسوزان قلب مادر را، علی اصغرم لای لای
مزن آتش دل من را، مسوزان حاصل من را
مسوزان حاصل من را، علی اصغرم لای لای
علی اصغرم لای لای، علی اصغرم لای لای

چه شور است این به سر داری، مگر میل سفر داری؟
مکان و منزل من را، علی اصغرم لای لای
نخوابم در کنار تو، خزان گردد بهار تو
چنین مادر مکن زاری، علی اصغرم لای لای
علی اصغرم لای لای، علی اصغرم لای لای

نوحه‌ی ۲۸ زبان حال مادر حضرت علی اصغر علیه السلام (سراینده: حسینعلی ساعی خوانساری)

چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری
چرا چشمان پر آب و تبسم بر دهان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

به قربان تو گردم من که رفتی سوی قربانگه
کنون با پیکر پر خون به آغوشم مکان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

بیا تا خون ز حلقومت به آب دیدگان شویم
که من اشک روان دارم تو روی ارغوان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

بیا تا بند قنذاقت گشایم ای علی اصغر
که عزم رفتن ای مادر به ملک جاودان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

عزیز من بیا تا غنچه‌ی لب های تو بویم
بگیریم بر تو ای مادر که خشکیده لبان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

بیا تا جسم پر خونت بخوابانم به گهواره
که تو اندر گلو تیر جفای ملحدان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

ترحم کس نکرد آخر بر احوال پریشان
تو ای مادر کجا تاب چنین درد گران داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

نه شیری دارم و آبی که ریزم در دهان تو
بمیرم من در این صحرا که این سان میزبان داری
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

در این بحر عزا ساعی به گرداب غم افتادی
من اصغر غرق خون دارم تو اشک دیدگان درای
چرا مادر علی اصغر، گلوی خون فشان داری

التماس دعا

نوحه‌ی ۲۹ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

بخواب ای مرغ شیدایم، بخواب ای ماه شب‌هایم
مرا خونین جگر کردی، بخواب ای طفل زیبایم
الا شهزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو

تویی شمع شب تارم، بخواب ای مرغک زارم
تویی جان دل مادر، بخواب ای طفل غمخوارم
تویی دل‌داده‌ی مادر، علی اصغر لولو
الا شهزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو

مرا حسرت به دل کردی، امیدم زیر گل کردی
از آن لعل لب خشکت، مرا از خود خجل کردی
به خون افتاده‌ی مادر، علی اصغر لولو
الا شهزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو

بخواب ای نوگل زهرا، ندارد آب این صحرا
مگردان دور کام خود، زبان کوچک خود را
الا ای زاده‌ی مادر، علی اصغر لولو
الا شهزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو

چرا این گونه بی‌تابی، چرا یک دم نمی‌خوابی
بمیرد مادر زارت، سه روزه تشنه‌ی آبی
ز بند آزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو
الا شهزاده‌ی مادر، علی اصغر لولو

نوحه‌ی ۳۰ در رثای حضرت علی اصغر علیه السلام (سراینده: مرحوم رجبعلی ناصری)

چرا جانم تویی تابی، علی اصغر نمی‌خوابی
گمانم تشنه‌ی آبی، علی اصغرم للو
للو ای اصغرم للو، علی اصغرم للو

مزن آتش مرا بر جان، مسوزان عالم امکان
تویی قربانی جانان، علی اصغرم للو
للو ای اصغرم للو، علی اصغرم للو

عجب عشقی به سر داری، مگر میل سفر داری
ز جام حق تو سیرابی، علی اصغرم للو
للو ای اصغرم للو، علی اصغرم للو

بخواب امشب تو با مادر، تسلی دل مادر
نبینم من تو را دیگر، علی اصغرم للو
للو ای اصغرم للو، علی اصغرم للو

چه شد فردا در آن صحرا، همه رفتند و از دنیا
بخوان ای ناصری هر جا، علی اصغرم للو
للو ای اصغرم للو، علی اصغرم للو

معنی للو...

للو للو یا همان لالایی که مادران افغانستان بویژه هزاره‌جات، به هنگام خواباندن کودکان‌شان می‌خوانند، از جمله‌ی ترانه‌های معروف فولکوریک در افغانستان بوده و در زبان‌ها و لهجه‌های مختلف اقصی نقاط افغانستان با شیوه‌های گوناگون در زمان خوابانیدن اطفال، خوانده می‌شود.

کلمه‌ی للو از نظر معنی به پندار مادران افغانستانی، برای اطفال به معنی خواب و یا وقت خوابیدن را داده و باعث می‌شود اطفال با آرامش به خواب بروند.

معمولا مادران افغانستاني منظومه‌های ساخته شده‌ی خود را در وقت خوابانیدن اطفال خود، با آهنگی آرام و ملایم می‌خوانند.

التماس دعا

فصل هشتم

نوحه‌های شهزاده‌ی حسینی، حضرت علی‌اکبر علیه‌السلام
معمولا برای شب‌های هشتم، نهم و دهم محرم

نوحه‌ی ۳۱ در رثای حضرت علی اکبر علیه السلام (سراینده: مرحوم رجبعلی ناصری)

خون‌ها بریزد از چشم و مژگان، صبح امیدش در ابر و پنهان
ماه سعیدش بر نیزه تابان، باشد ملائک امشب به گریان
از داغ اکبر، لیلا پریشان

می گفت که آن دم لیلای محزون، جانان مادر زلف پر از خون
رأست به نی شد جسمت به هامون، ای نور ایمان ای یار قرآن
از داغ اکبر، لیلا پریشان

لیلا بگفتا؛ ای جان مادر، قتلت فلک را بخشیده خاور
لوح و قلم را بنموده زیور، ای قلب احمر ای نور ایمان
از داغ اکبر، لیلا پریشان

خون می‌چکد از رخسار خامه، باشد که سوزم از سوز نامه
تحت العنک بست، بابش عمامه، آمد به دیدش در خاک سوزان
از داغ اکبر، لیلا پریشان

گفتا جوانم چشمت به من کن، برخیز و با من یاران کفن کن
خشنود و خوش دل طفلان من کن، بستر مکن ای جانان بیابان
از داغ اکبر، لیلا پریشان

آن‌گاه علی بست چشمان شهلا، شیون به پا شد در عرش اعلی
دیگر مسوزان ای جان لیلا، این ناصری را از سوز هجران
از داغ اکبر، لیلا پریشان

نوحه‌ی ۳۲ در رثای حضرت علی اکبر علیه السلام (سرائنده: ناشناس)

ای خدا شاهی، اکبرم می‌رود
سرو ناز ولا، از برم می‌رود
راحت جانم، نور چشمانم، در قفای او، دیده گریانم
لاله‌ی لیلا علی، یوسف زهرا، علی

ای همه حاصلم، ای قرار دلم
ای سرا پا صفا، رونق محفلم
شبه پیغمبر، ثانی حیدر، رفتی و بُردی، جانم از پیکر
لاله‌ی لیلا علی، یوسف زهرا، علی

ارباً اربا شده، نازنین اکبرم
پرپر از تیغ کین، لاله‌ی احمرم
سرو زیبایم، ای دل آرایم، دشمن ایستاده، بر تماشایم
لاله‌ی لیلا علی، یوسف زهرا، علی

از حرم آمده، مهربان خواهرم
غنچه‌ی لب گشا، ای گل پرپر
سلسله گیسو، ای کمان ابرو، هاشمی طلعت، ای مه دلجو
لاله‌ی لیلا علی، یوسف زهرا، علی

التماس دعا

نوحه‌ی ۳۳ در رثای حضرت علی اکبر علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

مرا ذکر علی بر لب، علی بابا صدا می‌زد
خودم دیدم خودم دیدم، جوانم دست و پا می‌زد
علی جانم علی جانم، علی جانم علی جانم

سرشک از دیده باریدم، به موج خون قمر دیدم
بنالید ای بنی‌هاشم، که من داغ پسر دیدم
علی جانم علی جانم، علی جانم علی جانم

علی افتاده خاموش و سخن با ما نمی‌گوید
سرایا گوشم اقا او دگر بابا نمی‌گوید
علی جانم علی جانم، علی جانم علی جانم

خدایا من پدر هستم جوانم رفته از دستم
دگر دست از جهان شستم دگر لب از سخن بستم
علی جانم علی جانم، علی جانم علی جانم

التماس دعا

فصل نهم

نوحه‌های حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
معمولا برای شب‌های هفتم، نهم، تاسوعا و شب دهم محرم

نوحه‌ی ۳۴ زبان حال دلدادگان حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: جواد صالحی)

این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

این علم از کیست غرقه خون است ای خدا
این علم از کیست که واژگون است ای خدا
این علم از کیست که سرنگون است ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

حضرت عباس علمدار کو ای خدا
ماه بنی هاشم و سردار کو ای خدا
آن تن بی دست سپهدار ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

این من و این نعش علمدار من ای خدا
غرقه به خون گشته سپهدار من ای خدا
تنگ شده اندر جهان کار من ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

از چه خمیده قد سالار من ای خدا
از چه جان دادست علمدار من ای خدا
یک تن دگر نمانده یار من ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

بمیرم از بهر علمدار تو ای خدا
آن مه تابان و فداکار تو ای خدا
آن سپهسالار و پرچمدار تو ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

حضرت عباس دلاور چه شد ای خدا
قاسم تو با علی اکبر چه شد ای خدا
عون تو و جعفر و اصغر چه شد ای خدا
این علم از کیست که بی صاحب است ای خدا
این علم از ماه بنی هاشم است ای خدا

التماس دعا

نوحه‌ی ۳۵ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: مرحوم حاج رجبعلی ناصری)

امروز علمت برپا، فردا به زمین افتد
غوغا ز حرم آن‌دم، تا عرش برین افتد
با کام و لب عطشان، از دجله بیرون آیی
مشک و علم و دستت، در خاک و ز کین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

ای جان اخی آن‌جا، از شصت ستم تیری
بر چهره‌ی چون ماهت، از خطّ کمین افتد
چون حلقه‌ی انگشتر، اعدا به میان گیرند
جسمت چو عقیق آن‌جا، مانند نگین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

طفلان خیم خواهند، آب از تو شهید اما
کز ناله‌ی شان آتش، در جان به یقین افتد
تشریح نبرد را، مشکل که دهم تشریح
کز نور بنین انوار، بر جمع یمین افتاد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

تو شهره به عباسی، ای باب حوائج بین
تا کی ز فراق خون، از چشم حزین افتد
افکن نظری از لطف، بر ناصری و این جمع
تا زآن نگهت جان‌ها، در قرب قرین افتد
وای از جگر خونم، وای از دل محزونم

نوحه‌ی ۳۶ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

این پیکر صد چاک، این خون دو بازو، این اشک و دو دیده
این حنجر عطشان، این فرق شکسته و این دست بریده
ای شمس ولایت، عباس به فدایت

بگذار که دشمن بر دیده زند تیر، بر فرق عمودم
از شام ولایت تا روز شهادت مشتاق تو بودم
ای شمس ولایت، عباس به فدایت

خجلت زده هستم، از حنجر خشک و رگ‌های بریده
هم اشک فشانم، هم آب نخوردم، با یاد سکینه
ای شمس ولایت، عباس به فدایت

یک قطره‌ی اشکم افتاده به دریا، دریا به فغان شد
ناگاه به چشمم، عکس لب اصغر، در آب عیان شد
ای شمس ولایت، عباس به فدایت

التماس دعا

نوحه‌ی ۳۷ در رثای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: حاج غلامرضا سازگار قمی)

می‌کشد انتظار، در حرم دخترم
تا تو آب آوری، بر علی اصغرم
ای علمدار من، یار و غمخوار من

خون بازو شده آب سقّای من
وای من وای من، وای من وای من
ای علمدار من، یار و غمخوار من

چشم خود وا کن ای خفته در علقمه
دیدنت آمده، مادرم فاطمه
ای علمدار من، یار و غمخوار من

ماه امّ‌البین، گشته نقش زمین
ناله‌ام را شنو و غربتم را ببین
ای علمدار من، یار و 22 غمخوار من

ساقی تشنگان، مشک آبت چه شد
من صدایت زدم، پس جوابت چه شد
ای علمدار من، یار و غمخوار من

اشک من بر رخ و خون تو بر جبین
دست من بر کمر، دست تو بر زمین
ای علمدار من، یار و غمخوار من

التماس دعا

آشنایی با شاعر گران قدر؛

حاج غلامرضا سازگار فرزند حسین متخلص به «میثم» در سال ۱۳۲۰ هجری خورشیدی در تهران به دنیا آمد.

تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه‌های قدیمی سپری نمود و سپس به دروس حوزوی روی آورد.

وی از مداحان قدیمی اهل بیت می‌باشد که در انجمن‌های ادبی مذهبی چون «انجمن ادبی نغمه سرایان مذهبی» حضور فعال داشته است.

از سازگار تا کنون مجموعه اشعار و نوحه و مراثی مختلفی به چاپ رسیده است که از آن جمله است: «نخل میثم» در شش جلد، ماه خون گرفته در هفت جلد، صیام در قیام در شش جلد، بهار امامت در شش جلد، صدف نبوت در شش جلد، مرآت ولایت در شش جلد، آوای مجمع در هفت جلد و آتش مهر در سه جلد. این کتب همگی از مجموعه نوحه های ایشان است.

التماس دعا

نوحه‌ی ۳۸ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: مرحوم سید محمدذکی حسینی)

علم بر زمین است ز جا خیز ابوالفضل
ستم در کمین است ز جا خیز ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

امیر و سپه دار لشکر تو هستی
چرا خاک و خون بر جبین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

ز جا خیز و یکدم ببین کودکان را
همه تشنه کام و حزین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

دو دست رسایت جدا از بدن شد
تنت روی خاک زمین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

به قربان لب های خشکیده ی تو
که از تشنگی اینچنین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

به چشمت چرا تیر کین خورده ای گل
رخت ماه گلزار دین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

ببین غربتم را میان لعینان
که هم از یسار و یمین است ابوالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز ابوالفضل

ز بعد تو بر زینب و اهل بیتم
اسیری و ماتم یقین است اباالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز اباالفضل

«حسینی» فغان کن در این شام ماتم
شفاعت به محشر یقین است اباالفضل
علم بر زمین است، ز جا خیز اباالفضل

التماس دعا

نوحه‌ی ۳۹ زبان حال امام حسین علیه السلام با برادر بزرگوارشان
(سراینده: ناشناس)

شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم
تو تاجی به این لشکر، امید و نگهدارم
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

از رزم ابوالفضل بین، تکبیر خدا برپاست
هر جایی که نام اوست، تفسیر خدا برجاست
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

ای مرد غیور دین، خونت خون‌بهای دین
از سرخی خونت شد، آزادی به خون رنگین
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

شمشیر غضب‌ناکت، گر بر فرق کس آید
گردد خصم دوتا از هم، تا آن‌که به خود آید
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

از چین دو ابرویت، ارض و السما لرزد
در قاب دو چشمانش، نقش یا رقیه زد
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

زلف پیچ و خم داری، عباس و علمداری
دستی شانه بر مویت، باده جام و جم داری
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

ماهی چون قمر داری، خواهر چون گهر داری
بی مثلی حسین من، در قلبم شرر داری
شاه عباس نام‌آور، ای میر و علمدارم

دارو و دواى من، اى صبر و صفای من
دلتنگت شده زینب، اى شهد و شفای من
شاه عباس نام‌آور، اى میر و علمدارم

التماس دعا

نوحه ۴۰ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

گِردِ غَلَمَتِ مولا، پروانه صفت گِردم
الطاف هُمایونی، درمان‌گه هر دردم
ای میر علمداران، سرباز سر افرازان
سلطان وفاداران، بنگر به رُخ زردم
گِردِ علمت مولا، پروانه صفت گِردم

عالم به عزای تو، رخت سیه بر تن شد
جبرئیل امین از غم، بر سینه زند هر دم
هم شمع شهیدانی، هم ساقی عطشانی
دستان جدای تو، زخم همه را مرهم
گِردِ علمت مولا، پروانه صفت گِردم

دارای لقب سَقّا، یعنی که حیات آور
بیشک که شهنشاه را، دُردانه تویی هر دم
دارای لقب سَقّا، یعنی که حیات آور
بیشک که شهنشاه را، دُردانه تویی هر دم
گِردِ علمت مولا، پروانه صفت گِردم

در علقمه جان دادی، از بهر بقای دین
با خون تو شد رنگین، مشک و رخ هم پرچم
زینب به فغان گفتا، عباس به زمین غلطید
سلطان وفا فرمود، بیشک کمرم خم شد
گِردِ علمت مولا، پروانه صفت گِردم

نوحه‌ی ۴۱ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: سید محمّتی رضوانی بهسودی)

ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس
ای مظهر جانبازی و ای ماه منور عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای قلب علی در سینه‌ی تو، سیمای حسین آینه‌ی تو
قربان دل بی‌کینه‌ی تو، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای بسته به جانت جان حسین، ای در همه دم نالان حسین
مردانه شدی قربان حسین، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

ای بحر سخا ای مظهر جود، مادر چو شنید کز ضرب عمود
بشکسته سرت باور نمود، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

گفتا که شجاع است چون پدرش، بازوی قوی در کف سپرش
باور نکنم بشکسته سرش، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

زین قصه بشیر مشکن تو دلم، کز بازوی او افتاد علم
یا آن‌که دو دستش گشته قلم، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

او داده به طفلان وعده‌ی آب، خالی نکند پا را ز رکاب
تا آب برد بر طفل رباب، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

آویزه‌ی گوشش پند من است، او قلب علی دلبند من است
سرباز حسین فرزند من است، ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

رضوانی تو هم با پیر و جوان، هم سینه بزن هم نوحه بخوان
فریاد بزن با سینه زنان ای ثانی حیدر عباس
ای ثانی حیدر عباس، سردار دلاور عباس

التماس دعا

نوحه ۴۲ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

چرا این شام غم، صبا نموشه، غم این بی کسی، دوا نموشه
لبان تشنه و یک مَشک بر دوش، به مردی مثل او پیدا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

هوای علقمه هوای ماتم، دیگه عباس مُو سقا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

گرفته کودکان دو دست بابا، همه از گرد او سیوا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

بنالد آسمان برای این غم، خدایا موج خون دریا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

همه جا عاشقان چه دسته دسته، علمدار و علم تنها نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

مرا عشق حسین بر دل نشسته، فقری به از این دعا نموشه
چرا این شام غم صبا نموشه، غم این بی کسی دوا نموشه

التماس دعا

نوحه ۴۳ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

سَقّای دشت کربلا یا ابالفضل
ای عمّ خوب با وفا یا ابالفضل
سَقّای دشت کربلا یا ابالفضل

ای زور و بازویت، چنان حیدر صفدر
ای تیغ و شمشیرت، چنان فاتح خیبر
ای شیر سرخ کربلا یا ابالفضل
ای یاور آل عبا یا ابالفضل
سَقّای دشت کربلا یا ابالفضل

تا سایه‌ی لطفت بود بر سر طفلان
تا همچو تو عمّی بود یاور طفلان
آسوده باشد ای عمو خاطر طفلان
ای مونس و یاور به ما یا ابالفضل
سَقّای دشت کربلا یا ابالفضل

جان عمو از تشنگی بی قرارم من
از ناله این کودکان دل‌فگارم من
از داغ روی اکبرم دل‌فگارم من
کو قاسم نیکو لقا، یا ابالفضل
سَقّای دشت کربلا یا ابالفضل

التماس دعا

نوحه‌ی ۴۴ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

حسین جان مرا سوی طفلان مبر
نه دستی به تن نه مشکی به دوش
ولیّ خدا گل فاطمه، مرا سوی طفلان عطشان مبر
حسین جان مرا، سوی طفلان مبر

حسین آفتاب درخشنده‌ام، من از هر چه غیر تو دل کنده‌ام
مبادا مرا سوی خیمه بری، که پیش رقیّه سر افکنده‌ام
رها کن مرا به دشت بلا، مرا سوی طفلان عطشان مبر
حسین جان مرا، سوی طفلان مبر

عطش شعله‌ور کرده جان تو را، که سوزانده لعل لبان تو را
حسین ای گل گلشن فاطمه، مبادا ببینم خزانم تو را
به سوی حرم به سوی حرم، فروزنده خورشید تابان مبر
حسین جان مرا، سوی طفلان مبر

رسید انتظار آخر ای سرورم مهتای دیدار پیغمبرم
اگر مادرم نیست در کربلا بود روی دامن زهرا سرم
غَلَم مانده جا به دشت بلا، مرا سوی زینب شتابان مبر
حسین جان مرا، سوی طفلان مبر

التماس دعا

نوحه ۴۵ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

ای علمدار سبط پیمبر، شمع بزم وفا پور حیدر
بر حسین علی میر لشکر، یار و غمخوار ما یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

جلوه‌ی جان اهل یقینی، زاده‌ی رهبر متّقی
نور چشمان ائم‌البینی، خلق را رهنما یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

ای تو غمخوار و یار یتیمان، ای سپهدار شاه شهیدان
جان سپردی تو در راه قرآن، ای قتیل جفا یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

تا دو دست تو از تن جدا شد، خون جگر سید انبیا شد
قامت زینب از غم دو تا شد، زین غم جان‌فزا یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

در حرم کودکان پریشان، دل کباب است و با کام عطشان
بی پناه و سر گریبان، زاده‌ی مرتضا یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

تشنه‌لب پا به دریا نهادی، با عطش رو به صحرا نهادی
تیغ بر قلب اعدا نهادی، تا شدی سرچدا یا ابوالفضل
شیر دشت بلا یا ابوالفضل، باب حاجات ما یا ابوالفضل

ساقی کربلا پور حیدر، وعده دادی به طفلان مضطر
تا کنی زآب لب‌های‌شان تر، شاه مشکل‌گشا یا اباالفضل
شیر دشت بلا یا اباالفضل، باب حاجات ما یا اباالفضل

تا که کشتند قوم شرارت، تا ابد شد جهان داغدارت
ساحل علقمه شد مزارت، ای مه باوفا یا اباالفضل
شیر دشت بلا یا اباالفضل، باب حاجات ما یا اباالفضل

التماس دعا

نوحه ۴۶ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

بیا علم بردار، مرا تویی سالار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

ز صدر زین افتاد، شه سپهسالار
بگفت ابا جانم، بیا علم بردار
شنید حسین نا گه، صدای مرغوبش
بگفت به قربان، صدایت ای دلدار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

حسین ابوالفضلش، که دید میان خون
بگفت که مقطوع کرد، دو بازویت سردار
چرا به خون غلطان، شدی تو ای ماهم
که زیر نی آخر، فدایت ای سردار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

حسین بگفت جانا، فدای چشمانت
روی چو ماه تو، چرا شده خون بار
بگفت که سالارم، مپرس ز احوالم
خدا نگهدارت، امید ز من بردار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

کنون روم جانا، به پیش زهرا جان
حال تو بر گویم، با حنجر خون بار
بگویم ای مادر، هر دم تو جويا باش
ز بعد شاه دین، بر زینب و بیمار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

قامت من بشکست، چشم به خون تو
طیب درد من تو باشی، ای دلدار
بیا رویم جانا، تا که رُخت بوسند
آن زینب مظلوم، هم عابد بیمار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

بگفت مرا بگذار، عمرم به سر آید
چه سان برگویم، جواب آن طفلان
طاقت دیگر نیست، تا که ببینم من
این مشک بی آب را، ز پیش من بردار
بیا علم بردار، مرا تویی سالار

التماس دعا

نوحه ۴۷ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

رفتی به سوی آب، مشک به دست تو
برگشتی از فرات، قطع شد دو دست تو
سردار علقمه، سردار علقمه

این ناله و فغان، بنگر تو از حرم
گریان کودکان، بشنو تو از حرم
سردار علقمه، سردار علقمه

زینب بیا ببین، عباس می‌رود
مشکی به دست او، با ناز می‌رود
سردار علقمه، سردار علقمه

عطشان اصغرم، بالای دست من
ای تار و پود من، ای هست و بود من
سردار علقمه، سردار علقمه

در رابطه با نوحه سردار علقمه؛
این نوحه در مجالس سینه‌زنی مسجد جامع مهدویه، گولایی مهتاب در
افغانستان، شهر کابل به شکل نمادین در ابتدای برنامه‌ی سینه‌زنی و مراسم عزاداری
خوانده می‌شود و علم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در بین سینه‌زنان آورده
شده و تمامی عزاداران به پاس حرمت به علم باب‌الحوائج و نام نامی عباس به پا
می‌ایستند و دست ادب روی سینه می‌گذارند.

نوحه ۴۸ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

یتیمان تشنه، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

یتیمان تشنه، پریشان به هر سو، به دنبال آبند
همه تشنه کامان، به این سو به آن سو، به دنبال آبند
همه تشنه کامان، به این سو به آن سو، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

جلودار این غمگساران سکینه، به دنبال آبند
به هر سو پی آب، پریشان سکینه، به دنبال آبند
دهد وعده‌ی آب، به آنان سکینه، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

به لب ذکر آنان، عمو جان شتابی، به دنبال آبند
نباشد میان حرم، قطره آبی، به دنبال آبند
نمانده به چشم، یتیمان خوابی، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

همه گرد اسبِ حسین را گرفتند، به دنبال آبند
سراغ عمو را، ز مولا گرفتند، به دنبال آبند
سراغی ز مشک و ز سقا گرفتند، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

یکی گفت بابا، علمدار تو کو، به دنبال آبند
یکی گفت عمه، سپهدار تو کو، به دنبال آبند
نگهبان خیمه، وفادار تو کو، به دنبال آبند
یتیمان تشنه، به دنبال آبند

حسین شد ز اسبش، پیاده پریشان، به دنبال آبد
چه گوید خدایا، جواب یتیمان، به دنبال آبد
به زینب چه گوید، ز سقّای طفلان، به دنبال آبد
یتیمان تشنه، به دنبال آبد
یتیمان تشنه، به دنبال آبد

بگفتا دو دست، عمو تان بُریده، به دنبال آبد
علم بر زمین است و مشکش دریده، به دنبال آبد
امیر سپاهم، به خاک آرمیده، به دنبال آبد
یتیمان تشنه، به دنبال آبد
یتیمان تشنه، به دنبال آبد

التماس دعا

نوحه‌ی ۴۹ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

اگر به خیمه، آید عمویم، من دیگر از آب، حرفی نگویم
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

سقای طفلان، جان برادر، دستت جدا شد، از کین ز پیکر
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

از جا برادر، برخیز و بنگر، از تشنه کامی، غش کرده اصغر
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

ای کاش از اول، من مرده بودم، تا نامی از آب، نبرده بودم
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

دیدم عمویم، بشکسته دل بود، هنگام رفتن، از من خجل بود
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

سقای طفلان، میر سپاهم، بودی برادر، پشت و پناهم
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

از تن جدا شد، آن دست‌هایت، در خیمه طفلان، در انتظارت
بابا ز میدان آمد و سقا نیامد

التماس دعا

نوحه ۵۰ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

در علقمه گردید، بی دست و سر سقا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
با سوز دل گویم، در این دل صحرا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
واویلا واویلا، بی دست و سر سقا

سقا در خون خفته، در پیش چشمانم، منتظر آب‌اند، در خیمه طفلانم
با سوز دل گویم، در این دل صحرا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
واویلا واویلا، بی دست و سر سقا

کشتی صبر من، بی ناخدا گردید، در موج بحر غم، طوفان به پا گردید
با سوز دل گویم، در این دل صحرا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
واویلا واویلا، بی دست و سر سقا

بر جای مادرش، مادرم فاطمه، آمده بر بالینش کنار علقمه
با سوز دل گویم، در این دل صحرا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
واویلا واویلا، بی دست و سر سقا

برادر حسین جان، بیا سوی علقمه، آمده از جنان، مادرت فاطمه
با سوز دل گویم، در این دل صحرا، واویلا واویلا، بی دست و سر سقا
واویلا واویلا، بی دست و سر سقا

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۱ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

علمدار سپاه، مولایم عباس، عاشقم یک نگاه، مولایم عباس
سرایای من است، دیوانه ای تو، صدا کن کربلا، مولایم عباس
مولایم عباس، مولایم عباس

فتاده در دلم، سودای عشقت، می‌کشد هر کجا، مولایم عباس
همه وجد و تپیدن و خروشم، تا کنی یک نگاه، مولایم عباس
مولایم عباس، مولایم عباس

شکسته گر دلت، مرو تو هر جا، بزن او را صدا، مولایم عباس
می زنم بر درت، باب الحوائج، حاجتم کن روا، مولایم عباس
مولایم عباس، مولایم عباس

معرفت در ره عشق حسین است، ببین دست اش جدا مولایم عباس
شده شرمده آب ز عکس رویش، لبش تشنه سقا مولایم عباس
مولایم عباس، مولایم عباس

جوان مرد و دلیر و پر صلابت، به میدان وفا مولایم عباس
فقیری این غزل بهانه سازد، بزن دست دعا مولایم عباس
مولایم عباس، مولایم عباس

التماس دعا

نوحه ۵۲ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام (سراینده: ناشناس)

عاشق منم عباس اگر جلوه نمایی
در شام دل انگیز چو یک ماه خدایی
عاشق منم عباس اگر جلوه نمایی

در سینه‌ی من شور تو با عشق دمیده
مولایم من عباس دل از کف بریایی
هر در که زَنَم عکس رُخْت باز ببینم
دیوانه‌ترینم تو ببین بی سر و پایی
عاشق منم عباس اگر جلوه نمایی

آبم به خدا می‌کند آن نرگس شهلا
ای ماه بنی‌هاشمی گر دیده گشایی
در بارگه حُسن تو این خیل گدایان
افتاده نشسته همگی بهر گدایی
عاشق منم عباس اگر جلوه نمایی

دل تنگ شوم بهر طواف حرم
پرپر بزنم در قدمت گر تو بخواهی
دست و غَلَمَت قبله‌ی حاجات دعا شد
عباس علی مظهر الطاف خدایی
عاشق منم عباس، اگر جلوه نمایی

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۳ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: علامه شهید سید اسماعیل بلخی)

عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد
بادا فدای همچو تو مردی تمام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

این نکته را پدر به تو فرمود، وقت مرگ
مأموم مرد باش، حسین است امام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

بزم وفای عهد، که میدان کربلاست
دادی به نوع مرد، تو درس مرام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

تو زنده‌ای و گر نسزد، آن که فاش گفت
روز شهادت تو بود، قتل عام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

عزم خرام کرد چو قَدّت، سپهر گفت
تنگ است ملک کون بر این نیم گام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

آه از دمی که از پی تنبیه خصم خواست
سر از نیام قهر برآرد حسام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

شور قیام گشت غریو عجیب خواست
کآمد سکینه مشک به کف از خیام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

خون جای اشک ریخت ز مژگام مرد راه
پیچید دود آه که گردید دام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

کای ساقی نخست زمانی شتاب کن
ما تشنه‌ایم آب کرم کن ز جام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

بگرفت و رفت، لیک لب تشنه باز گشت
اریکه‌ی روزگار نگردد به کام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

دندان به مشک گفت نه گر آبرو برم
ای روز عمر زود سفر کن به شام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

با سمّ اسب خورد کنم استخوان خویش
تا سرمه‌ی چشم مرد کشد از عظام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

کرد آن‌چه کرد گردش این چرخ واژگون
کآمد به گوش خسرو مردان سلام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

قامت خمیده بر سر آن نعش پاک گفت
رفتی و ماند از تو به دوران دوام مرد
عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

بلخی نصیب مرد به جز جور دهر نیست
مهدی ذخیره‌ایست پی انتقام مرد

عبّاس ای که زیب دهد، بر تو نام مرد

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۴ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: مرحوم عبدالعظیم ذهنی‌زاده)

افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

افتاد دست راست، خدایا! ز پیکرم
بر دامن حسین تو رسان، دست دیگرم
چون دست من، لیاقت دامن او نداشت
انداختم به راه که بردارد از کرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

بی دست من؛ ز دست حسینم گسسته دست
ای دست حق! بگیر تو دست برادرم
ای دست راست! رو به سلامت که تا ابد
این خاطره، ودیعه سپارم به خاطرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

آن جا که دست فاطمه در حشر، جای توست
بر خاک و خون فتاده تویی، نیست باورم
ای دست چپ! ز یاری من دست بر مدار
من در هوای آب، به شوق تو می پریم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

آبی که آبروی من و اعتبار توست
بر تشنگان اگر نرسد، خاک بر سرم!
آب فرات نیست به مشک، آبروی توست
در پیش گاه آبروی خلق می برم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

بی آبروی من بُود و اعتبار او
خود آبروی امّ بنین است، مادرم
مردم به حفظ دیده ز هر چیز بگذرند
من بهر آب، حاضرم از دیده بگذرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

ای دست! دامن تو و دست نیاز من
تا همتت به عرصه پیکار بنگرم
من که به عمر، متّی از کسی نبرده‌ام
اینک به ناز متّت، ای دست! حاضرم
افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم

مرحوم ذهنی‌زاده متولد سال ۱۲۷۴ هجری خورشیدی در شهر تبریز ایران است،
وی اشعار مذهبی بسیاری به زبان‌های فارسی و ترکی، در مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام
سروده است، وی پس از عمری مدح و ثنای اهل‌بیت علیهم‌السلام سرانجام در ۱۶
اسفند ۱۳۵۴ هجری خورشیدی دارفانی را وداع گفته و به دیار حق شتافتند.
روحش شاد و یادش گرامی؛

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۵ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: مرحوم ژولیده نیشابوری)

بگفتا خسرو خوبان، کنار علقمه گریان
به صد آه و به صد افغان، برادر جان برادر جان
تویی پشت و پناه من، علمدار سپاه من
شهید بی گناه من، برادر جان برادر جان
برادر جان برادر جان

حسینت بی کس و تنها، میان لشکر اعدا
چه سازد اندر این صحرا، برادر جان برادر جان
رقیه تشنه‌ی آب و سکینه در تب و تاب است
دو چشمان تو در خواب است، برادر جان برادر جان
برادر جان برادر جان

بین زینب پریشان است، حزین و زار و نالان است
ز دیده اشک افشان است، برادر جان برادر جان
دو چشم نرگست و کن، دل زارم تسلی کن
برادر را تماشا کن، برادر جان برادر جان
برادر جان برادر جان

تو ماه انورم بودی، به هر جا یاورم بودی
انیس خواهرم بودی، برادر جان برادر جان
جهان بهر تو گریان است، زمین چون بید لرزان است
دل ژولیده حیران است، برادر جان برادر جان
برادر جان برادر جان

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۶ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

دل و جان و عقل و دینم، شده مبتلای چشمت
چه کنم اگر نازم، همه را فدای چشمت
یا علمدار حسین، دستت کو

به فدای چشم نازت، سر و پا و چشم و دستم
بیذیر تا که ریزم، همه را فدای، چشمت
یا علمدار حسین، دستت کو

نشنیدم که چشمی، بزند به یک اشاره
ره عقل و دیده و دل، به جهان، سِوای چشمت
یا علمدار حسین، دستت کو

ز حیا دلیر و یک سر، به حسین نظر نکردی
به خدا، حیا به حیرت، شده از حیای چشمت
یا علمدار حسین، دستت کو

تو طراوت بهاری، تو صفای روزگاری
به خدا صفای گیتی، بُود از صفای چشمت
یا علمدار حسین، دستت کو

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۷ در رثای حضرت آقا ابوالفضل العباس علیه السلام
(سراینده: سید محسن حسینی)

جان اِخا نباشد، بر این لبم جوابی
در مشک خالی من، نمانده قطره آبی
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

لب تشنه هستم اَمّا، از باده‌ی تو مستم
چه غم اگر جدا شد، از عشق تو دو دستم
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

جا دارد از خجالت، سقا اگر بمیرد
که از دو دست خالی، حسین بوسه بگیرد
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

ای تیر غم بیا و یک لحظه کن کمانه
بگیر به جای این مشک، قلب مرا نشانه
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

ای بوی عطر زهرا، پر شد مشام جانم
خواهم که خیزم از جا، اَمّا نمی‌توانم
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

بیا مرا کمک کن، تو ای طبیب دردم
تا دور مادرت من، پروانه سان بگردم
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

رسیده بر مشامم، بوی غم جدایی
سَقّا به خون نشسته، ام‌البین کجایی
سَقای کودکانم، بر لب رسیده جانم

فصل دهم

نوحه‌های حضرت امام حسین علیه‌السلام
معمولا برای شب دهم محرم، شب عاشورا و روز عاشورا

نوحه‌ی ۵۸ به مناسبت شب عاشورای حسینی
(سراینده: مرحوم حبیب‌الله جای‌چیان)

امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود
فردا ز خون عاشقان این دشت دریا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب کنار یکدیگر بنشسته آل مصطفی
فردا پریشان جمع‌شان چون قلب زهرا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب صدای خواندن قرآن به گوش آید ولی
فردا صدای الامان زین دشت برپا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب کنار مادرش لب تشنه اصغر خفته است
فردا خدایا بسترش آغوش صحرا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب که جمع کودکان در خواب ناز آسوده‌اند
فردا به زیر خارها گم‌گشته پیدا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب رقیه حلقه‌ی زرین اگر دارد به گوش
فردا دریغ این گوشوار از گوش او وا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب به خیل تشنگان عباس باشد پاسبان
فردا کنار علقمه بی دست سقا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب بُود جای علی آغوش گرم مادرش
فردا چو گل‌ها پیکرش پامال اعدا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب گرفته در میان اصحاب ثارالله را
فردا عزیز فاطمه بی یار و تنها می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب به دست شاه دین باشد سلیمانی نگین
فردا به دست ساربان این حلقه یغما می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

امشب سر سرّ خدا بر دامن زینب بود
فردا انیس خولی و دیر نصارا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

ترسم زمین و آسمان زیر و زبر گردد حسان
فردا اسارت‌نامه‌ی زینب چو اجرا می‌شود
امشب شهادت‌نامه‌ی عشاق امضا می‌شود

التماس دعا

نوحه‌ی ۵۹ در باب شب عاشورای حسینی
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند
فردا میان قتلگه، حق را عبادت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

امشب تمام خیمه‌ها را یک به یک سر می‌زند
از عابد بیمار خود، امشب عیادت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

دارد حسین با خواهرش، امشب هزاران راز دل
فردا حدیث عشق را، با خون روایت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

امشب میان خیمه‌ها، عباس سردار سپاه
با نوجوانان تا سحر، مشق شجاعت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

امشب علی آموزد از عمه‌اش رموز جنگ را
فردا قیام قامت اکبر قیامت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

امشب یتیم مجتبی، بوسد عمو را دست و پا
از خط و فرمان پدر، فردا حمایت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

امشب کند تفسیر آیات خداوندی حسین
فردا سرش بالای نی، قرآن تلاوت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

هم‌ناله شو رضوانیا با سینه‌زن‌ها سینه زن
کامشب حسین برگ شفاعت را عنایت می‌کند
امشب امام عاشقان، غسل شهادت می‌کند

التماس دعا

نوحه‌ی ۶۰ در رثای حضرت آقا امام حسین علیه السلام
(سراینده: مرتضی امیری اسفندقه)

چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا
کور می‌کند شب را، برق خنجرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

چشمه چشمه می‌جوشد از دل زمین هر شب
خون اصغرت آن‌جا، خون اکبرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

می‌رسد به گوشم گرم، بانگ خطبه‌ای پرشور
خطبه‌ای که بعد از تو، خوانده خواهرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

از فُرات می‌جوشد، موج می‌زند بوسه
بر کرانه‌ی خشکِ حلق و حنجرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

در فضا عجب خُزنی، موج می‌زند امشب
شیهه می‌کشد اسبی، روی پیکرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

این فرشته‌ی وحی است، وحی تازه آیا چیست؟
روی نیزه می‌خواند، آیه‌ای سرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

کیست این که ناآرام، در خرابه می‌گرید؟
موج می‌زند در خون، چشم دخترت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

کربلا چه پیوندی، با فدک مگر دارد؟
غصب می‌شود از نو، سهم مادرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

یک نهال بارآور، غرس می‌شود در خاک
قطع می‌شود دستی، از برادرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

حجّ ناتمام تو، راز دیگری دارد
در غدیر خُم جاری‌ست، حجّ آخرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

این ضریح شش‌گوشه، حجّ پاکبازان است
آب می‌شوم از شرم، در برابرت این‌جا
چشمه چشمه می‌جوشد، خون اطهرت این‌جا

التماس دعا

نوحه‌ی ۶۱ در رثای حضرت آقا امام حسین علیه السلام
(سراینده: س و سه ضرب)

مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است
فتاده زاده‌ی زهرا، به زیر سم اسبان است
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

منم زینب تک و تنها، اسیر فرقه‌ی اعدا
چه غم‌هایی که من دیدم، در این دشت و در این صحرا
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

الا ای رأس نورانی، غم زینب تو می‌دانی
به روی نیزه‌ی اعدا، پریشان حال طفلانی
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

صداقت آشنا زینب، به هجرت مبتلا زینب
به کعبه نیزه بنموده، عدو از تو جدا زینب
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

تنت عریان خودم دیدم، به خون غلتان خودم دیدم
میان قتلگاه زیر سم اسبان خودم دیدم
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

تن بی سر خداحافظ، به خون پیکر خداحافظ
رسیده داغ هجران ای گل پرپر خداحافظ
مران ای ساریان اشتر، حسینم در بیابان است

نوحه‌ی ۶۲ حرکت اسرا از کربلا
(سراینده: حاج سید رضا مؤید خراسانی)

قافله سالار ستم، که مرا می‌بری
از سر نعرش پدرم، به کجا می‌بری
چه کنم با دلم، مانده این‌جا دلم
واحسینا واحسینا واحسینا

سینه‌ی سوزان مرا تو نمک می‌زنی
عمّه‌ی مظلوم مرا تو کتک می‌زنی
عمّه‌ام را مزین، کو بُود جان من
واحسینا واحسینا واحسینا

جسم شریف شهدا، به زمین مانده است
بر بدن بی سرشان، اسب‌ها رانده است
آن بدن‌های پاک، شده غلطان به خاک
واحسینا واحسینا واحسینا

ای تن پاکت به زمین، بر سر نی سرت
ظلمت شب چون که رسد، چه کند دخترت
من در این قتلگاه، به که آرم پناه؟
واحسینا واحسینا واحسینا

شاعر: حاج سید رضا مؤید

اصطلاح ترکیبی «کو» که در بند دوم این نوحه آمده، در اصل همان دو کلمه‌ی «که او» است که در نوشتار و تلفظ به شکل «کو» نوشته و خوانده می‌شود.

نوحه‌ی ۶۳ در رثای سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

آب را به روی من، ای ستمگران بستید
قلب آل عصمت را، از ره جفا خستید
کودکان زهرا را، دل ز کینه بشکستید
دل شکسته طفلان است، لا اله الا الله
من حسین عطشانم، لا اله الا الله

از ره ستم کشتید، جمله یاورانم را
میر لشکر عباس، قوت و توانم را
قاسم و علی اکبر، نور دیدگانم را
غرق خون جوانانم، لا اله الا الله
من حسین عطشانم، لا اله الا الله

جمله‌ی عزیزانم، گشته غرق خون یکسر
افتاده در میدان، جسم پاکشان بی سر
خورده تیر بر حلق شیرخوارام اصغر
شد خزان گلستانم، لا اله الا الله
من حسین عطشانم، لا اله الا الله

ای مبارزین امروز، غرق خون به میدان است
روح عدل و آزادی، نور عشق و ایمان است
مرشد جوانمردان، سرور شهیدان است
سوخت زین عزا جانم، لا اله الا الله
من حسین عطشانم، لا اله الا الله

نوحه‌ی ۶۴ زبان حال حضرت زینب علیهاسلام (سراینده: ناشناس)

پس از تو به زخم نمک می‌زنند، به طفل یتیمت کتک می‌زنند
نوازش ز سیلی شود کودکان، سر و روی نیلی شود کودکان
خدایا حسینم کجا می‌رود، غریبانه از پیش ما می‌رود

کجایی ابوالفضل زیبای من، کجایی تو ماه و دل آرای من
کجایی بنی‌هاشمیان همه، حسینم صفا و منا می‌رود
خدایا حسینم کجا می‌رود، غریبانه از پیش ما می‌رود

چه شد ساقی کودکان حرم، کجا شد خدایا علی‌اصغر
حسین جان تو هستی نوای دلم، حسین جان تو هستی شفای دلم
خدایا حسینم کجا می‌رود، غریبانه از پیش ما می‌رود

حسین جان حسینم مرو لحظه‌ای، بین تاب و توان ما می‌رود
خدایا حسینم کجا می‌رود، غریبانه از پیش ما می‌رود

التماس دعا

نوحه‌ی ۶۵ زبان حال حضرت زینب علیها سلام با امام حسین علیه السلام
(سراینده: حاج غلامرضا سازگار قمی)

برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی
حسین غریبم، غمت شد نصیبم، برادر مرو، برادر مرو
برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی

مرو تا رُخت را تماشا کنم، در ای نسرزمین یاد زهرا کنم
بیایم به سویت، بیوسم گلویت، برادر مرو، برادر مرو
برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی

من از کودکی با تو بودم حسین، به تو چشم خود را گشودم حسین
به عشقت اسیرم، دعاکن بمیرم، برادر مرو، برادر مرو
برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی

پس از تو به زخم نمک می‌زنند، به طفل یتیم کتک می‌زنند
شود روی نیلی، عذارش ز سیلی، برادر مرو، برادر مرو
برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی

نگه کن به تنهایی زینبت، کند گریه بر حال من مرکبت
تمام امیدم، حسین شهیدم، برادر مرو، برادر مرو
برادر برادر کجا می‌روی؟ غریبانه از پیش ما می‌روی

التماس دعا

نوحه‌ی ۶۶ زبان حال حضرت زینب علیها سلام (هاشم کوهی)

کشتی صبرم بنشسته در گل، زین بحر غم نیست امید ساحل
درد جدایی دردیست مشکل، من با حسینم منزل به منزل
آن دم بریدم من از حسین دل، کآمد به مقتل شمر سیه دل
مظلوم حسینم مظلوم حسینم، مظلوم حسینم مظلوم حسینم

خنجر به دست قاتل چو دیدم چون مرغ بسمل از جا پریدم
چشم همه بود سوی امیدم، شور قیامت بی پرده دیدم
او می‌دوید و من می‌دویدم، او سوی مقتل من سوی قاتل
مظلوم حسینم مظلوم حسینم، مظلوم حسینم مظلوم حسینم

نزدیک مقتل تا من رسیدم، بغض گلو را آخر شکستم
از غصه مُردم از غم خمیدم، کی باورم بود من آنچه دیدم
او می‌کشید و من می‌کشیدم، او خنجر از کین من ناله از دل
مظلوم حسینم مظلوم حسینم، مظلوم حسینم مظلوم حسینم

بار سفر چون از خیمه بستم، دیدم که می‌رفت جانم ز دستم
ناباورم بود من زنده هستم، پس راه خود را با اشک بستم
او می‌نشست و من می‌نشستم، او روی سینه من در مقابل
مظلوم حسینم مظلوم حسینم، مظلوم حسینم مظلوم حسینم

از پرده‌ی دل افغان کشیدم، پیراهن صبر بر تن دریدم
جان دادم را با چشم دیدم، خون گریه کردم از آنچه دیدم
او می‌برید و من می‌بریدم، او از حسین سر من از حسین دل
مظلوم حسینم مظلوم حسینم، مظلوم حسینم مظلوم حسینم

نوحه‌ی ۶۷ زبان حال حضرت زینب علیها سلام
(سرائنده: ناشناس)

بگو تو دیشب ای سر کجا مکان گرفتی
خاکستری است رویت از که نشان گرفتی

قرآن بخوان دوباره، حسینِ نازنینم
بر نی تو جان گرفتی، من هم محمل نشینم
کی می‌توان سرت را، بر روی نی ببینم
تابش بگو که بر لب، رسیده جان زینب
حسینم حسینم آرام جان زینب، حسینم حسینم ای سایه‌بان زینب

مادر کجاست ببند، به روی نی سر تو
پر خاک و پر ز خون است، به پیش خواهر تو

خاکستر تنور است، بر روی نازنینت
غبار غم گرفته، آن صورت جبینت
از تو چه کینه‌ای داشت، آن دشمن لعینت
تو ای حسین زهرا، هم جسم و جان زینب
حسینم حسینم آرام جان زینب، حسینم حسینم ای سایه‌بان زینب

بنما نظر برادر، بر قلب خسته‌ی من
از روی نیزه با نی، مرغ شکسته‌ی من
میان محمل غم، به دست بسته‌ی من
این دشمن است مگر، این هم‌رهان زینب
حسینم حسینم آرام جان زینب، حسینم حسینم ای سایه‌بان زینب

نوحه‌ی ۶۸ در رثای حضرت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

گلی روییده در این دشت سوزان، به این گل کم بتاب ای مهر تابان
بر این گل از دو چشمان تر من، گل اشک است که می‌روید به دامن
حسینم یا حسینم یا حسینم

ز اشک دیده آبش می‌دهم من، پناه از آفتابش می‌دهم من
چرا خیره شده بر آسمان گل، نمی‌خندد به روی باغبان گل
حسینم یا حسینم یا حسینم

به گلزارم به جز این گل نمانده، به سوبش مرگ پیک خویش رانده
وزیده سوی او طوفان ماتم، به ناله از غمش ذرات عالم
حسینم یا حسینم یا حسینم

ز مادر صد تمنا شیر دارد، کجایی گل تحمّل تیر دارد
امان از این خزان و باد صرصر، دریغ از این گل نشکفته پرپر
حسینم یا حسینم یا حسینم

به آغوشم علی بی تاب آب است
به دور از این چشم این ششماهی خواب است
سخن از آب با این گل مگوئید، گلابی دیگر از این گل مجوئید
حسینم یا حسینم یا حسینم

التماس دعا

نوحه‌ی ۶۹ در رثای حضرت امام حسین علیه السلام
(سرائنده: ناشناس)

هر چه می‌جویم نیابم، در میان این بیابان
پیکر خونین و جسم چاک و چاکت ای برادر
السلام ای پیکر خونینِ بی سر ای برادر

تا که بر صدر شریف، شمر را بنشسته دیدم
از دنیا من دل بریدم، ناله‌ای از دل کشیدم
السلام ای پیکر خونینِ بی سر ای برادر

هر که خواهد در میان کشته‌ها پیکر شناسد
یا به پیراهن شناسد، یا او را با سر شناسد
السلام ای پیکر خونینِ بی سر ای برادر

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۰ حضرت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

دیدم در این جا رأس حسینم از تن جدا بود
لب های خشکش بر روی نیزه گرم دعا بود
دیدم فتاده جسم برادر در خاک صحرا
آه و واویلا آه و واویلا، آه و واویلا آه و واویلا

دیدم شکسته از سُم مرکب آیینہ‌ی عشق
دیدم که قاتل پا می‌گذارد بر سینه‌ی عشق
قرآن به دستش زهرای اطهر در واحسینا
آه و واویلا آه و واویلا، آه و واویلا آه و واویلا

دیدم تمام گل‌های قرآن در خون شناور
دیدم گلوی یاسین بریدند الله اکبر
نه یآوری داشت نه ناصری داشت تنهای تنها
آه و واویلا آه و واویلا، آه و واویلا آه و واویلا

دیدم به خیمه عشق و امیدم دیگر نیامد
دیگر صدایش از زیر تیغ و خنجر نیامد
جانم به لب شد روزم چو شب شد از ظلم اعدا
آه و واویلا آه و واویلا، آه و واویلا آه و واویلا

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۱ زبان حال زینب علیها سلام

می‌روی از برم ای برادر، قدری آهسته‌تر جان خواهر
نور چشم علی جان بابا، می‌روی در بر خیل اعدا
کودکانت به کی می‌گذاری، زینبت را غریب بگذاری
یا حسین یا حسین یا حسین جان

از سر نی نظر کن به مایان، بین اسیران نالان و حیران
زینبت خوار گشته برادر، ز جور ظلم آن قوم کافر
یا حسین یا حسین یا حسین جان

کودکان روی خار مغیلان، می‌دوند هر طرف در بیابان
یا حسین جان بیا دست ما گیر، عابدین تو در غل و زنجیر
یا حسین یا حسین یا حسین جان

ای حسین علی جان زینب، تو بودی یار و غمخوار زینب
یک نظری بکن بر محبتان، بر حسینی و آن جمع یاران
یا حسین یا حسین یا حسین جان

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۲ حضرت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

سحرشد شام هجرانم
که آمد تازه مهمانم
حسین جانم، حسین من

خرابه شد چراغانی، شب تاریک و ظلمانی
به پا شد بزم مهمانی، که آمد ماه تابانم
حسین جانم، حسین من

شده ویرانه‌ام گلشن، بود چشمم به او روشن
که روی ماه بابا شد، صفابخش دل و جانم
حسین جانم، حسین من

به جای آن که بنشانند، مرا بر روی دامانش
سر نورانی‌اش امشب، بُود بر روی دامانم
حسین جانم، حسین من

بیا عمّه تماشا کن، نظر بر روی بابا کن
که از عطر گل رویش، معطر شد گلستانم
حسین جانم، حسین من

دل شب نور حق دیدم، گلم را در طبق دیدم
ز باغ قلب خونینم، برایش گل بیفشانم
حسین جانم، حسین من

الا ای یوسف زهرا، چرا بودی جدا از ما
مرا با خود ببر بابا، که آمد بر لبم جانم
حسین جانم، حسین من

ببین رخسار نیلی را، نظر کن جای سیلی را
تسلّی داده با سیلی، عدو بر قلب سوزانم
حسین جانم، حسین من

لبت بوسم رخت بویم، غم دل با تو می‌گویم
غبار از روی تو شویم، به اشک گرم چشمانم
حسین جانم، حسین من

التماس دعا

نوحہ ۷۳ حضرت امام حسین علیہ السلام
(سرائندہ: ناشناس)

عزیزم حسینم، سر انورت کو؟
ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟
عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟

بفرما برادر، چه شد یاورانت؟
شہا طفل شش ماہہ آن اصغرت کو؟
عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟

الا حشمت اللہ سلیمان زینب
کہ بیریدت انگشت پس انگشتت کو؟
عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟

حسین جان چه شد قاسم تازہ داماد
بفرما حسین جان کہ آن اکبرت کو؟
عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟

حسین جان بفرما، چه شد طفل شش ماہ؟
شہادت نصیب گل پر پرت شد
عزیزم حسینم، سر انورت کو؟ ابوالفضل علمدار، میر لشکرت کو؟

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۴ حضرت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

گل‌های سرخ فاطمه، پرپر کنار علقمه
عبّاس من مولای من، این قصّه با زهرا مکن
جانم حسین جانم حسین، هر سو مرا تنها مکن

در ساحل بی پاسبان، موج خروشان می‌تپد
این کشتی بشکسته را، بی ناخدا خدا مکن
جانم حسین جانم حسین، هر سو مرا تنها مکن

بریده سر بریده تن در قتلگاه جسم حسین
سوی نجف سوی نجف ای کربلا نگاه مکن
جانم حسین جانم حسین، هر سو مرا تنها مکن

سرها به نی در شام غم، غم کرده ما را قد علّم
ای ساربان یک دم امان، آهسته ران غوغا مکن
جانم حسین جانم حسین، هر سو مرا تنها مکن

سرو قدش چون ماه نو، زینب بیا تنها مرو
طفلی میان خارها، گم گشته است رها مکن
جانم حسین جانم حسین، هر سو مرا تنها مکن

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۵ حضرت امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید مجتبی شجاع)

خدایا پیکرم، آتش گرفته
دل غم پرورم، آتش گرفته
شهادت نامه را، با خون نوشته
ولیکن دفترم، آتش گرفته
خدایا پیکرم، آتش گرفته

خودم دیدم کنار قتلگاهم
که قلب مادرم، آتش گرفته
خودم دیدم کنار، نهر علقم
لب آب آورم، آتش گرفته
خدایا پیکرم، آتش گرفته

خوم دیدم که از تیر سه شعبه
گلوی اصغرم، آتش گرفته
خودم دیدم سکینه، داد می‌زد
که عمّه چادرم، آتش گرفته
خدایا پیکرم، آتش گرفته

آلا ای خواهرم، زینب کجایی
لباس دخترم، آتش گرفته
ز حرم ناله‌ی هَلْ مِنْ مُعینم
صدایم حنجرم آتش گرفته
خدایا پیکرم، آتش گرفته

نوحه‌ی ۷۶ حضرت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام
زینب غم دیده را سوی وطن آورده‌ام
من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام، زینب غم دیده را ...

من خبر از خسرو لب تشنگان یعنی حسین
آن حسین کو پیامبر را بود نور دو عین
همچو بلبل در گلستان خوار و زارم شور و شین
قصه از گل‌های پرپر در چمن آورده‌ام
من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام، زینب غم دیده را ...

اندوه لب تشنه‌کامی‌های طفلان حسین
خفته دل از خاک و خون جان فساران حسین
کاگل آغشته در خون جوانان حسین
از میان کربلا سوی وطن آورده‌ام
من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام، زینب غم دیده را ...

قصه‌ی جان بازی لب تشنگان کربلا
داستان جان نثاران دیار نینوا
خفتن در خاک و خون قاسم نو کدخدا
بر شهید زهر کین یعنی حسن آورده‌ام
من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام، زینب غم دیده را ...

ای مدینه خاک بر سر، خون بیار از دیده‌ها
بر شهید تشنه کامان، خسرو عالی لقا
چون حسینم کشته شد، با لعل عطشان نزد آب
ای خبر با آه و فغان و می‌خن آورده‌ام
من خبر از شه بی غسل و کفن آورده‌ام، زینب غم دیده را ...

فصل یازدهم

نوحه‌های شام غریبان امام حسین علیه‌السلام
و مجموعه‌ای از نوحه‌های ذوالجناح، قتلگاه و خیمه‌گاه حسینی

نوحه‌ی ۷۷ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

امشب سکینه پدر ندارد، شام غریبان سحر ندارد
حامی طفلان باب یتیمان، سوی اسیران نظر ندارد
امشب سکینه پدر ندارد، شام غریبان سحر ندارد

کلثوم و زینب امشب اسیرند، عابد به بستر یاور ندارد
حلقوم اصغر سیراب از تیر، پروا شیر مادر ندارد
امشب سکینه پدر ندارد، شام غریبان سحر ندارد

عبّاس و قاسم در خون خود غرق، کلثوم مظلوم یاور ندارد
امشب سکینه پدر ندارد، شام غریبان سحر ندارد

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۸ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سرائنده: ناشناس)

شب غریبان سحر ندارد، سکینه امشب پدر ندارد
غریب حسین جان، غریب حسین جان

بهار زینب خزان ز آه است، گهی دو چشمش به نور ماه است
گهی نگاهش به قتلگاه است
غریب حسین جان، غریب حسین جان

نسیم صحرا شده معطر، ز عطر روی علی اکبر
کجاست عمّه، کجاست مادر
غریب حسین جان، غریب حسین جان

بگو خلائق ز غم خروشدند، بگو به اطفال لبن ننوشتند
بگو به سادات کفن نپوشند
غریب حسین جان، غریب حسین جان

کبوتران را ز لانه بردند، ز وادی خون نشانه بردند
رباب دلخون پسر ندارد
غریب حسین جان، غریب حسین جان

التماس دعا

نوحه‌ی ۷۹ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

شمع شبستان من، لاله‌ی بستان من
بلبل نالان من، گم شده ای ساربان
غنچه‌ی نو رسته‌ام، بلبل پر بسته‌ام
دخترک خسته‌ام، گم شده ای ساربان
گمشده ای ساربان

گوهر والای من، لؤلؤ لالای من
مونس شب‌های من، گم شده ای ساربان
بلبل باغ دلم، روشنی محفلم
همسفر منزل، گم شده ای ساربان
گمشده ای ساربان

گوهر یکدانه‌ام، شاخه‌ی ریحانه‌ام
کودک دردانه‌ام، گم شده ای ساربان
تند مران راحله، مانده از این قافله
پای پر از آب، گم شده ای ساربان
گمشده ای ساربان

مرگ پدر دیده است، رنج سفر دیده است
دیده‌ی تر دیده است، گم شده ای ساربان
دامن این کوهسار، در دل این شام تار
قلب من داغدار، گم شده ای ساربان
گمشده ای ساربان

نوحه‌ی ۸۰ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

ز روی خاک و خاکستر بیا مادر تو بردارم
یقین دارم که می آبی سرشک افشان به دیدارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

ز نور خون خود روشن ره مهمانسرا کردم
بیا کنج تنور و بین که آتش گشته گلزارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

من ار اشک روان دارم خبر داری تو مادر جان
که در آتش کشید اعدا خيام بی علمدارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

مریزی اشک اگر بینی به خاک و خون سر و رویم
بیا مادر بیا مادر بیا از غم برون آرم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

سر شب تا کنون مادر کشیدم انتظارت را
بیا بردارم از خاک و به روی سینه بگذارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

برایت درد دل گویم چو در مهمانسرا آیی
حدیث عطش طفلان سرشک زینب زارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

بگو مادر که بعد از من چه دیده اهل و عیال من
خصوصا جان تب دار علیل زار و بیمارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

ستمگر خولی ظالم عجب مهمان به جا برده
بیا مهمانسرا بنگر که روشن کرده انوارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

خמוש ای ناصری دیگر که دیوان سوخت سراپا
قلم نقش شرر ریزد به تار و پود اشعارم
ز روی خاک و خاکستر، بیا مادر تو بردارم

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۱ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

فاطمه بیا امشب دشت کربلا بنگر
شافع قیامت را بی سر از جفا بنگر
فاطمه بیا امشب، دشت کربلا بنگر

خنجر که دایم بود بوسه‌گاه پیغمبر
جای خنجر شمر کافر دغا بنگر
فاطمه بیا امشب، دشت کربلا بنگر

شبه جدّ او اکبر آن جوان ماه پیکر
پاره پاره از خنجر سر ز تن جدا بنگر
فاطمه بیا امشب، دشت کربلا بنگر

یکدم از وفا زهرا کن نظر تو بر لیلا
بین سرش به خاک و خون جا گرفته بنگر
فاطمه بیا امشب، دشت کربلا بنگر

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۲ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

فاطمه بیا امشب، فوق کعبه را بنگر
تن شده چو گل پرپر، سر میان خاکستر
لحظه‌ای بیا مادر، سر به نیزه‌ها بنگر

امشب آن سر پر نور، در میان خاکستر
مادرش همی‌گوید، ای ز جان من بهتر
لحظه‌ای بیا مادر، سر به نیزه‌ها بنگر

مهدویه‌ها امشب، دختر رسول‌الله
اشک خون همی‌بارد، بهر پیکر سقا
لحظه‌ای بیا مادر، سر به نیزه‌ها بنگر

امشب ای عزاداران، دختر رسول‌الله
بر سر تنور آید، یا حسین حسین گویان
لحظه‌ای بیا مادر، سر به نیزه‌ها بنگر

این سر حسین اوست، بر سر سنان دون
آیه می‌خواند، بهر خواهر محزون
لحظه‌ای بیا مادر، سر به نیزه‌ها بنگر

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۳ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

در کربلا شام غریبان بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب
شام غم و غمخانه طفلان بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب

افتاده به صحرا بدن پاک شهیدان
بی سر همگی در یم خون با تن عریان
زینب به فغان موی پریشان بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب

جن و ملک امشب همه در سینه زنان اند
در ناله و زاری همه عشاق جنان اند
آه همگی تا سر کیوان بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب

اموال حسین بن علی رفته به غارت
شد عفت وی جمله مهبّای اسارت
ماتم به سر خیل اسیران بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب

زهرها به سر نعش حسین سینه زنان است
افسرده در این شیون و شین مویه‌کنان است
اشک غمش از دیده به دامن بود امشب
در کربلا شام غریبان بود امشب

نوحه‌ی ۸۴ قتلگاه امام حسین علیه السلام
(سراینده: حبیب الله چای‌چیان)

آیم به قتلگاه که پیدا کنم تو را
آیم به قتلگاه که پیدا کنم تو را
آیم به قتلگاه که پیدا کنم تو را

آیم به قتلگاه که پیدا کنم تو را
امشب وداع هجرت فردا کنم تو را
جویم تو را قدم به قدم بین کشتگان
با شوق و اضطراب تمنا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

در حیرتم که از چه جویم نشان تو را
نی سر نه پیرهن ز چه پیدا کنم تو را
بر گیرمت ز خاک و بیوسم گلوی تو
خود نوحه مادرانه چو زهرا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

ریزم به حلق تشنه‌ی تو اشک چشم خویش
سیراب تا که ای گل حمرا کنم تو را
دشمن نداد آبت غم مخور حسین
صحرا از آب دیده چو دریا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

ای آن که داغ‌های جگر سوز دیده‌ای
اکنون به اشک دیده مداوا کنم تو را
خواهم که سیر بینمت اما حسین من
کو صبر و طاقتی که تماشا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

شمع تو گشته‌ام که بسوزم برای تو
از عشق خویش قبله‌ی دل‌ها کنم تو را
هر جا روم لوای عزایت کنم
ماتم سرا سراسر دنیا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

خون خداست خون تو پامال کی شود؟
در شام و کوفه محکمه برپا کنم تو را
گویی «حسان» که می‌شنوم از گلوی او
هر چیز خواهی از کرم اعطا کنم تو را
آیم به قتلگاه، که پیدا کنم تو را

مختصر آشنایی با سراینده؛
مرحوم حبیب‌الله چای‌چیان فرزند حسین متخلص به «حسان» سراینده و
مرثیه‌سرای اهل بیت علیهم‌السلام در سال ۱۳۰۲ هجری خورشیدی در تبریز زاده شد.
شش ساله بود که همراه خانواده‌اش به تهران مهاجرت و تحصیلات خود را در
مدرسه‌ی ایران و آلمان سپری و سپس به استخدام بانک ملی ایران در آمد.
او در روز پنج‌شنبه ۲۹ آذر سال ۱۳۹۶ هجری خورشیدی در گذشت و در بهشت
زهرای تهران به خاک سپرده شد.
او از علامه امینی و عسکری تاثیر پذیرفته است، دیوان اشعار او در سه جلد به
چاپ رسیده است.

شعر و نوحه‌ی بسیار زیبایی «امشب شهادت نامه‌ی عشاق امضا می‌شود» و
همچنین شعر و نوحه‌ی «آدمد ای شاه پناهم بده» از سروده‌های معروف اوست.
گل‌های پرپر، خزان گل ریز، باغستان عشق، سایه‌های غم، ای اشک‌ها بریزید
(جلد اول دیوان اشعار) خلوتگاه را از (جلد دوم دیوان اشعار) چهل حدیث جالب از
علی ابن ابی طالب علیه‌السلام و جلد سوم دیوان اشعار از جمله‌ی آثار او است.
وی کتاب بطله کربلا، اثر دکتر بنت‌الشاطی را با نام زینب علیهاسلام بانوی قهرمان
کربلا به فارسی ترجمه نمود.
فاطمه‌ی زهرا ام ابیها، مجموعه‌ای از مطالب علامه امینی درباره‌ی حضرت زهرا
علیهاسلام است که توسط وی گردآوری شده است.

نوحه‌ی ۸۵ در باب شب شام غریبان شهادت امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

السَّابِقُونَ، السَّابِقُونَ، صحرا، عطش، دریای خون
نی، نینوا، لایلا جنون، نون و القلم، ما یسطرون
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

شمشیر در شمشیر شد، دستان حق زنجیر شد
طفل سه ساله پیر شد، آمَنْتُ رَبِّي فَاسْمَعُونَ
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

طفلی به روی دست شد، تیر سه شعبه مست شد
آن لحظه عالم پست شد، یا قَوْمُ مَاذَا تَعْبُدُونَ
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

اشْبَحَ به ذات مصطفی، مَنْ قَرِطُ نورهِ اخْتَفَى
بَعَذَكَ عَلَى الدُّنْيَا عَفَى، ما هَا اَوْلَاءٌ يَنْطِقُونَ
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

فانی باقی دیده‌ای؟! بی‌چشم و راوی دیده‌ای؟!
بی دست و ساقی دیده‌ای؟! اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

تا بی‌رمق شد پیکرت، دعواست بالای سرت
پیراهنت، انگشترت، مِمَّا رَزَقْنَا يُنْفِقُونَ
السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، کربلا دریای خون

نوحه‌ی ۸۶ ذوالجناح (سراینده: ناشناس)

بنگر به چشمان ترم، آخر من او را خواهرم
باشد حسین تاج سرم، نطق از لبانم می‌رود
ای ذوالجناح آهسته‌تر، سرو روانم می‌رود

آهسته‌تر تا سوی، آیم و بینم روی او
بوسم رخ نیکوی او، مهمان ز خوانم می‌رود
ای ذوالجناح آهسته‌تر، سرو روانم می‌رود

بنگر به چشمان ترم، آخر من او را خواهرم
باشد حسین تاج سرم نطق از لبانم می‌رود
ای ذوالجناح آهسته‌تر، سرو روانم می‌رود

مطالبی درباره‌ی ذوالجناح؛
ذوالجناح یعنی صاحب دو بال و پر که در فرهنگ عزاداری شیعیان نام اسب امام حسین علیه‌السلام است و ایشان در روز عاشورا بر آن سوار بودند.
ذوالجناح در تعزیه و دسته‌های سوگواری امام حسین علیه‌السلام، از اهمیت و احترام خاصی برخوردار است.
ذوالجناح را در ضمن به عنوان عقل فعال به حساب آورده و آن را به عراق تشبیه می‌کنند.
ذوالجناح بسیار چابک بود و در میدان نبرد سرعت عمل از خود نشان می‌داد و به واسطه‌ی شباهتش در تیزی با پرندگان به این نام خوانده می‌شد.
به گفته‌ی برخی ذوالجناح از اسب‌های پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله بود که امام حسین علیه‌السلام به ارث برده بودند.
از آن در زیارت ناحیه مقدسه به نام الجواد یاد شده است.
نویسندگان مقاتل و روایان در وفاداری، هوشمندی و صمیمیت ذوالجناح، روایات بسیار ذکر کرده‌اند و در آثار خود، با عظمت از آن نام برده‌اند، به ویژه هنگامی که امام حسین علیه‌السلام بر اثر عطش، جراحات و خونریزی بی حال شده بودند.

او با مهارت، چابکی و زیرکی خاصّی صاحبش امام حسین علیه السلام را از میدان نبرد خارج نمود که به خیمه‌گاه برساند ولی حضرت پیش از رسیدن به خیمه‌گاه از اسب به زمین افتادند.

ابن سعد فریاد زد، آن اسب را بگیرید به خدا سوگند از گرانبهاترین اسب‌های محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

هنگامی که سپاه عمر بن سعد خواستند اسب را بگیرند، ذوالجناح به آنان حمله کرد و با لگد آنان را به هلاکت رساند.

ابن شهر آشوب، آمار کشتگان توسط ذوالجناح را چهل جنگجو نقل کرده و تعدادی دیگر از راویان نیز، بیش از این تعداد یاد کرده‌اند.

ابن سعد فریاد زد، او را رها کنید وگرنه همه را به قتل می‌رساند.

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۷ درد دل با ذوالجناح امام حسین علیه السلام (سراینده: ناشناس)

ای اسب بابا آمدی، غمگین و خسته
باید بریزم بر سرت، گل دسته دسته
پناه ما کو، خون خدا کو

ای اسب بی صاحب، که زینات واژگون است
چشمت چرا پر اشک و یالت غرق خون است
پناه ما کو، خون خدا کو

شیهه مزن گر مانده‌ای تنهای تنها
بشنو صدای شیون از خیمه‌ی زنها
پناه ما کو، خون خدا کو

تا آسمان پرپر بزن ای اسب عاشق
سر بر زمین بزن، ای اسب عاشق
پناه ما کو، خون خدا کو

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۸ نوحه‌ی قتلگاه
(سراینده: ناشناس)

بوی خون آید، بوی خون آید
جانب مقتل، شمر دون آید
آه و واویلا

یک طرف قاتل، می‌کشد خنجر
یک طرف زهرا، می‌زند بر سر
آه و واویلا

یک نفر تیغ از، شمر دون گیرد
چشم زهرا را، اشک و خون گیرد
آه و واویلا

التماس دعا

نوحه‌ی ۸۹ نوحه‌ی خیمه‌گاه

(سراینده: ناشناس)

آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی
از ظلم خود کم کن یزید عابد به بی‌تابی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

در آن دل شب از ستم زینب پریشان بود، زینب پریشان بود
اشکش ز دیده‌ها روان چون ابر بارانی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

داخل درون شعله شد تا پر کشد بیمار، تا پر کشد بیمار
پژمرده گل اندر بغل نصف شبانگاهی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

از خیمه‌گاه بیرون شدند، طفلان پراکنده، طفلان پراکنده
یک باره ظالمان زدند، دست به تاراجی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

یکسو به روی ریگ‌ها جسم حسین پر خون، جسم حسین پر خون
دیگر طرف آن کودکان محزون صحرایی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

طفلی به نام سکینه دامن پر از آتش، دامن پر از آتش
پای برهنه شب بود خار مگیلانی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

یک سو به خاک و خون بود، جسم علی اکبر، جسم علی اکبر
دیگر طرف خم قامتی، مادر چو لیلایی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

قاسم تنش پاره پاره از خون حنا دستش، از خون حنا دستش
غم حلقه گل در گردن، عروس زیبایی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

امشب چه شب ای خالقا کنار شط، کاندرا کنار شط
افتاده بر روی زمین بازوی سقایی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

دست ظلم کوتاه شود، اصغر چرا کشتند، اصغر چرا کشتند
ای ناخرد این قربانی عشق است معراجی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

گفتا به زن‌های حرم از سوز دل زینب، از سوز دل زینب
فردا اسیری می‌رویم، تا شام ویرانی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

سرها به نوک نی شود ما بسته زنجیر، ما بسته زنجیر
عریان بود آن ناکه‌ها صحرای سوزانی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

وصف تو را صد ناصری نتوان کند مرقوم، نتوان کند مرقوم
از خطبه‌های تو بلند پرچم آزادی، طفلان مسوزانی
آتش مزن به خیمه‌گاه طفلان مسوزانی، طفلان مسوزانی

التماس دعا

فصل دوازدهم

نوحه‌های امام سجاد و حضرت زینب کبری علیهما السلام
معمولا برای شب دوازدهم محرم، شب شهادت امام سجاد علیه السلام
و همچنین ایام اسارت اهل بیت امام حسین علیهم السلام

نوحه‌ی ۹۰ در رثای حضرت آقا امام سجاد علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

من باغبان، باغ خزان، خون خدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

من جانشینم، بر باغبانی، در خون طپیده
جای تسلا، زخم زبان از، گلچین شنیده
داغی که دیدم، جز من کسی، در عالم ندیده
غم‌دیده هم از، داغ پدر هم، زهر جفایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

با دیده‌ی خود، دیدم که شمع و، پروانه می‌سوخت
افتاده در خون، خود باغبان و، گلخانه می‌سوخت
مرغ اسیری، با جوجه‌هایش، در لانه می‌سوخت
در آتش تب، مظلومه زینب، می‌زد صدایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

بابا رسیدم، تا با تو گویم، در این چهل سال
هر روز و هر شب، با گریه کردم، راه تو دنبال
از جای زنجیر، بر گردن من، کن پرسش و حال
هم جای آن غل، کز زیر ناقه، مانده به پایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

بابا تو دانی، من از فراق، افسرده بودم
در دست گلچین، از آتش تب، پژمرده بودم
گر عمه زینب، یاری نمی‌کرد، من مرده بودم
از ام ایمن، گفت آن حدیث، زیبا برایم
سجاد مظلوم، شاهد به باغ، آلاله‌هایم

نوحه‌ی ۹۱ در رثای حضرت آقا امام سجاد علیه السلام (سراینده: علی اکبر لطیفیان)

یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی
از صبح زود تا به سحر گریه می‌کنی
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی

یعقوب را که غصه‌ی یوسف شکسته کرد
داری برای چند نفر گریه می‌کنی
وقتی که چشمهات می‌افتد به معجری
حق داری این عزیز اگر گریه می‌کنی
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی

این طفل را به جان خودت آب داده‌اند
دیگر چرا میان گذر گریه می‌کنی
از صبح تا غروب فقط نیزه می‌زدند
داری به قتل صبر پدر گریه می‌کنی
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی

چشم‌ت چرا ضعیف شده بی رمق شده
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی
با دیدن اسیر کجا می‌رود دلت
با دیدن فقیر کجا می‌رود دلت
یعقوب کربلا چقدر گریه می‌کنی

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۲ در رثای حضرت زینب کبری علیه‌السلام
(سراینده: ناشناس)

میان همه دل‌ها، امان از دل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم کوچه و سیلی، غم صورت نیلی
غم قدّ کمانی، غم یاس خزانی
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم حیدر خسته، غم فرق شکسته
غم سینه‌ی گل‌گون، غم طشت پر از خون
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم غربت حاکی، غم چادر حاکی
غم غسل شبانه، غم بازو و شانه
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم شبه پیمبر، موی خونی اکبر
غم محسن دیگر، غم غربت اصغر
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم دست بریده، غم فرق دریده
غم قدّ خمیده، غم رأس بریده
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم موی پریشان، غم پیکر عربان
غم ناله و زاری، غم ناقه سواری
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

غم طعنه و دشنام، غم سنگ لب بام
غم محنت و ناله، غم طفل سه ساله
شده قاتل زینب، شده قاتل زینب
میان همه دل‌ها، امان از دل زینب

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۳ زبان حال حضرت زینب علیها سلام (سراینده: محمد نعیمی)

ای گل برایم، بی تو نمانده، برگ و نوایی
وای از اسیری، وای از غریبی، آه از جدایی
ای ماه زهرا، ای عشق زینب، شد وقت هجران
خواهر بمیرد، بر زخم‌هایت، مظلوم حسین جان
جانان خواهر، مظلوم حسینم، مظلوم حسینم

کی باورم بود، تیغ از گلویت، بوسه بگیرد
ای نازنینم، بعد از تو ای کاش، زینب بمیرد
مثل دل من، جسم تو ای گل، شد پاره پاره
هفت آسمان، قلب مرا نیست، دیگر ستاره
جانان خواهر، مظلوم حسینم، مظلوم حسینم

خواهم که آید، بعد از فراق عمرم به پایان
تو سر نداری تا من بگیرم به روی دامن
ای باغبان بی سر گلی در گلشن نداری
جایی برای یک بوسه‌ی من بر تن نداری
جانان خواهر، مظلوم حسینم، مظلوم حسینم

ای یوسف من کی برده از تن پیراهنت را
از اشک دیده مرهم گذارم زخم تنت را
بنگر سکینه از تو جدا شد با تازیانه
ترسم که مرغ روحش پر زند پر از آشیانه
جانان خواهر، مظلوم حسینم، مظلوم حسینم

نوحه‌ی ۹۴ زبان حال حضرت زینب علیهاسلام با امام حسین علیه‌السلام (سراینده: ناشناس)

مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

صبری نما یکدم کنون ببینم روی نکویت
آهسته رو ای غم‌خوار یتیمان بوسم گلویت
ده مهلتی چشم امید طفلان باشد به سویت
اندر قفایت سینه زن سراسر ای یار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

جان اخوا از بعد تو به عالم از عمر سیرم
ای کاش با این‌گونه رنج و ماتم شاها بمیرم
صبری نما تا بر سر تو از غم قرآن بگیرم
آخر خزان شد ای حبیب داور گلزار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

امشب چه سازم ای عزیز باری با این یتیمان
با این دل پر خون و اشک جاری در این بیابان
آخر نه این طفلان به آه و زاری گردیده لرزان
هجر تو باشد ای عزیز خواهر آزار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

شاهها اگر نبود برایت اکنون میر و علمدار
 گیرم علم بر کف به قلب پرخون گردم جلودار
 گیرد رکابت را خمیده خواهر با اشک جاری
 آخر نما رحمی تو ای شاهها بر بیمار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

رفتی چو جان از پیکر من زار ای بی قرینه
 بی ت وروم چون با دو چشم خونبار اندر مدینه
 دنبال تو سینه زنان دل افکار باشد سکینه
 بر کربلا خاشع تو ای برادر سالار زینب
مهلا مهلا یابن الزهرا برادر سالار زینب
آهسته رو ای یادگار مادر سالار زینب

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۵ زبان حال حضرت زینب علیهاسلام
(سراینده: محمد مبشری)

هر آن‌چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
اگر رنج و بلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
هر آن‌چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی

اگر جور و جفا دیدم، اگر رأس جدا دیدم
تمامش از خدا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
تو را غرق بلا دیدم، میان کشته‌ها دیدم
تو را ای دلربا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
هر آن‌چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی

به تل نیزه‌ها و تیر، میان خنجر و شمشیر
تنت ای آشنا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
جدا گردیده از پیکر، میان خون و خاکستر
سرت ای مهلقا دیدم، ندیدم غیر زیبایی
هر آن‌چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی

میان محملی از خون، نشستم با دلی مجنون
سرت بر نیزه‌ها دیدم، ندیدم غیر زیبایی
کجا غیر خدا دیدم، خدا را هر کجا دیدم
چو من هر جا تو را دیدم، ندیدم غیر زیبایی
هر آن‌چه کربلا دیدم، ندیدم غیر زیبایی

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۶ زبان حال حضرت زینب علیهاسلام (سراینده: ناشناس)

من غریبی بی‌معینم، تشنه در این سرزمینم
من یگانه یادگاری از امیرالمؤمنینم
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

کوفه با من عهد بسته، عهد و پیمان‌ش گسسته
بسته راه آب بر من، قلب طفلانم شکسته
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

کوفی بی‌دین دشمن، کرده است نیرنگ با من
بر سر عباس من زد، از جفا عمود آهن
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

افسرم شیر خدا بود، اسوه‌ی صبر و وفا بود
او به میدان شجاعت، چون علی مرتضی بود
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

داغ او شد حاصل من، ماتمش شد قاتل من
آه بنموده غروب آن، ماه بدر کامل من
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

اکبرم را تشنه کشتند، اصغرم را تشنه کشتند
از جفا نزد شریعه، افسرم را تشنه شکتند
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

خیمه‌گاهم بی‌پناه است، تشنه کام و بی‌گناه است
ای خدا بنگر حسینت، بی‌علمدار و سپاه است
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

خواهرم یاور ندارد، غریتم باور ندارد
یار زینب باش یا رب، چون کسی در بر ندارد
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

در وداعم بود گریان، می کشید از سینه افغان
کرد گریان کنج خیمه، از وداعم مو پریشان
کلمینی ای برادر، خواهر تو زینبم من

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۷ در رثای حضرت زینب علیها سلام
(سرائنده: ناشناس)

زینبا خواهر من، نور چشم تر من
مهربان خواهر من، نور چشم تر من
مهربان خواهر من، نور چشم تر من

اسرا را تو بیر شهدا در بر من
سرمن برسر نی نیزه جای سر
تو برو شام خراب سایه‌بانت سر من
مهربان خواهر من، نور چشم تر من

اصغرم غرقه به خون گل نیلوفر من
قاسم وعون چی شد اکبر نام‌آور من
دست عباس جدا علمش روی زمین
عابدین با تو بود همسفر ای خواهر من
مهربان خواهر من، نور چشم تر من

چو رسیدی به خرابه گمکی حوصله کن
نشود سیلی کین زیب رخ دختر من
چو رسیدی دمی با مادرم ام‌البین
گو ز عباس من و ساقی آب‌آور من
مهربان خواهر من، نور چشم تر من

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۸ در رثای شهدای کربلا

(سراینده: ناشناس)

جسم حسین نازنین، مانده چو گل روی زمین
رأسش به نوک نی ببین، کاخ ستم سازد نگون
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

برپاست شور و همهمه، دل ها پریشان‌اند همه
بهر عزیز فاطمه، گردد جهان سرخ گون
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

در کربلا باران خون، بریده سرها لاله‌گون
خون خدا غلطان به خون، انا الیه راجعون
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

مادر شده بی تاب تو، خواهر شده قدکمان
اصغر شده بی تاب تو، اکبر شده قدکمان
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

اصغر در آغوش پدر، جان می‌سپارد بی خبر
آن‌گاه شود پایان غم، انا الیه راجعون
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

بوی بهشت از کربلا، آید چنان در قلب‌ها
گل‌ها شده غلطان به خون، انا الیه راجعون
آید صدا از موج خون، انا الیه راجعون

التماس دعا

نوحه‌ی ۹۹ کاروان حسینی (سراینده: ناشناس)

کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته
 طفل‌ها می‌رود زار و حیران، ذکر لب‌های‌شان یا حسین جان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

کودکان مو پریشان سوارند، داغدارند و بی غمگسارند
 می‌روند از کنار شهیدان، می‌زنند بر سر و سینه نالان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

رو به شام دل به دنبال دارند، یک جهان گل به گودال دارند
 کربلا گشته از خون گلستان، بین خون لاله‌هایند و غلطان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

می‌کنند قتلگاه را نظاره، جسم‌ها بی سرند پاره پاره
 پریبرد همچون اوراق قرآن، کرده از خون زمین را گلستان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

رو سوی شام ویران روان‌اند، ناقه‌ها را عدو می‌دوانند
 طفلی افتاده و شب در بیابان، می‌دوید هر طرف اشک ریزان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

در ره دین مو پریشان، طفل تو می‌دوید در بیابان
 روی خاشاک و خار مغیلاں، ناله می‌زد کجایی پدر جان
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

کودکان بس که خوردند سیلی، کعب نی بس زدند شمر و خولی
 داغدارند از ضرب و نالان، در ره دین شدند خوار دوران
کاروان می‌رود خسته خسته، یا حسین این دل من شکسته

نوحه‌ی ۱۰۰ در رثای حضرت زینب علیهاسلام
(سراینده: سید محمدطاهر مدرسی)

ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب
فلک آتش غم افروخت، به دل فگار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

ز چه محشری نمودار، به زمین کربلا شد
که ز صدر زین فتاده، شه تاجدار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

ز فراق نوجوانان، ز غم حسین مظلوم
عجب این همه مصیبت، دل داغدار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

گهی در غم یتیمان، گهی فکر عابدین داشت
دل کهکشان بسوزد، غم پر شرار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

همه بلبلان محزون، به جوار عابدین شد
که آیا عزیز زهرا، تویی راهدار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

تو بگو چه چاره سازم، به میان آتش و خون
که ز بعد باب زارت، تویی یادگار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب
ز پیام عابدین شد، همه جانب بیابان
به میان خیمه مانده، همه افتخار زینب
ز شرار خیمه می‌سوخت، دل بی قرار زینب

چو خلیل به قلب آذر، به کنار حجت حق
او به فکر عابدین است، همه غم شعار زینب
ز شرار خیمه می سوخت، دل بی قرار زینب

برون از شرار آتش، بنموده عابدین را
عجب از شهادت و صبر، عجب از وقار زینب
ز شرار خیمه می سوخت، دل بی قرار زینب

تو مدرسی دعا کن، به امام عصر غائب
که برون ز پرده آید، مه غمگسار زینب
ز شرار خیمه می سوخت، دل بی قرار زینب

تو مجاهد و مهاجر، غم دل بگو به زهرا
شده میهن به آتش، چو خیام و دار زینب
ز شرار خیمه می سوخت، دل بی قرار زینب

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۱ زبان حال حضرت زینب علیها سلام با قافله‌ی اسیران (سراینده: ناشناس)

ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله آهسته، سر قافله جا مانده
جان از تن ما گویی، در دشت بلا مانده
هنگام سفر آمد، سر قافله‌ی ما کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله با زینب، یک لحظه مدارا کن
در روز پریشانی، رحمی به دل ما کن
از اشک یتیمان این سلسله پروا کن
این قافله را میر است، آن میر توانا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله زینب را، تنها میر از این جا
همراه حسین آمد، بی او نرود تنها
ای گل نکند بلبل، در دشت و دَمَن مأوا
آرام دل زینب، دُرْدانه‌ی زهرا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

عباس علمدارم، از قافله پس مانده
آن شیر ستم برکن، در بند قفس مانده
بی‌کس شدگان را در، این وادیه کس مانده
طفلان پریشان را، در قافله سقا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله اکبر کو، آن شبه پیمبر کو
در قافله قاسم نیست، آن غنچه‌ی پرپر کو
از عون خبر نامد، عبدالله و جعفر کو
در باغ گل زهرا، گل‌های دل‌آرا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

ای قافله اصغر در گهواره نمی‌بینم
گلبوسه از آن غنچه در خواب نمی‌چینم
گویا که به خون خفته آن لعبت شیرینم
شیر آمده بهر او آن غرق تمنا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

آهسته شتربانان طفلان همه بی‌تابند
در دشت بلا دیده چون غنچه‌ی بی‌آبند
دل سوخته از داغ هجران رخ بابند
از این همه بی‌مهری با غمزه‌ی پروا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

یک مشت زن و کودک بی‌محرم و بی‌معجز
چون برگ گل لاله در دشت بلا پرپر
یک سلسله غم‌دیده در معرض غارت‌گر
بی‌پشت و پناهان را آن یار هم‌آوا کو
ای قافله آهسته، سر قافله‌ی ما کو

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۲ زبان حال حضرت زینب علیها سلام با شامیان ظالم
(سراینده: غلامرضا سازگار قمی)

شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید
ساز با ناله‌ی ذریه‌ی زهرا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

سر مردان خدا را به سر نیزه زدید
مرد باشید دگر سنگ به زن‌ها نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

به زنان بر سر بازار اگر سنگ زدید
دختران را به کنار سر بابا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

علی و فاطمه در جمع شما استادند
پیش چشم علی و فاطمه ما را نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

به اسیری که بود در غل و زنجیر زدید
به یتیمی که دویده است به صحرا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

رقص شادی جلو محمل زینب نکنید
پای سر بریده به زمین پا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

بگذارید برای شهدا گریه کنیم
خنده بر داغ دل سوخته‌ی ما نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

کشتن فاطمه بین در و دیوار بس است
تازیانه به تن زینب کبری نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

به تماشای سر پاک حسین آمده‌اید
این قدر دست به هنگام تماشا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

سخن «میثم» دل سوخته را گوش کنید
دوستان غیر در خانه‌ی مولا نزنید
شامیان خنده به زخم جگر ما نزنید

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۳ زبان حال راهب مسیحی با سر بریده‌ی امام حسین علیه السلام
(سراینده: حسینعلی ساعی خوانساری)

ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم
از روی به خون آلودت، من نور خدا می‌جویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

ای سر تو که‌ای با من گو، بهر چه پریشان استی
با مشک و گلاب ای شاه‌ا، خون از رخ تو می‌شویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

کردی تو مرا سرگردان، از جلوه‌ی نور رویت
پس راز نهانی امشب، با حضرت تو می‌گویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

موسای کلیم الهی، یا یوسف کنعان استی
دانم که تو مظلوم استی، بر حال فگارت مویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

گویا که تو عطشان استی، ای مظهر حی یکتا
بر ساحت قدست هر دم، با اشک روان می‌بویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

نام و نسبت بر من گو، کن با خبرم از این راز
در صحنه‌ی میدان فکر، شاهنشہ دین چون گویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

بر بی‌کسی‌ات می‌نالم، بر غربت تو می‌گیریم
این اشک روان می‌باشد، بر زخم سرت دارویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

بر این سر پر خون ساعی، آهنگ غم افزا داری
با راس حسینی می‌گفت، راهب چو گلت می‌بویم
ای سر تو مگر عیسایی، مانند گلت می‌بویم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۴ زبان حال راهب مسیحی با سر بریده‌ی امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی

چون داد زدی بگرفت سری، چون داد زدی بگرفت سری
آن راهب عیسی فطرت، آن مرد مسیحا سیرت
بس گفت به سر با دیده‌ی تر، بس گفت به سر با دیده‌ی تر
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی

ای سر ملکی اوج فلکی، ای سر ملکی اوج فلکی
یا مهری و تابان گشتی، از شرق نمایان گشتی
ای صدره نشین از عرش برین، ای صدره نشین از عرش برین
آیا تو کلیم‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی

ای نور تو مهر و مهر تو مهر، ای نور تو مهر و مهر تو مهر
ای غرقه به خون ایوبی، یا یوسف و یا یعقوبی
شایسته تویی وارسته تویی، شایسته تویی وارسته تویی
البتّه ذبیح‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی

لب را بگشا سر را بنما، لب را بگشا سر را بنما
اسرار ره یکتایی، بی شک که تو بی همتایی
بر من بنگر ای شه تو مگر، بر من بنگر ای شه تو مگر
یا معنی الالّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی
ای سر تو صفی‌اللّٰهی، یا نوح نبی‌اللّٰهی

کردی تو وطن در منزل من، کردی تو وطن در منزل من
 ای شخص سلیمان حشمت، ای چشم مسیحا چشمت
 کان‌گونه سری با من نظری، کان‌گونه سری با من نظری
 ای سر تو حبیب‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی
ای سر تو صفی‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی

با هم‌چو منی اندر چمنی، با هم‌چو منی اندر چمنی
 آخر سخنی باید گفت، اسرار نهان را ننهفت
 آخر نظری برگو اثری، آخر نظری برگو اثری
 آیا تو ذبیح‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی
ای سر تو صفی‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی

افسر به سرت با چشم ترت، افسر به سرت با چشم ترت
 شور عجبی می‌آید، عشق ادبی می‌آید
 دلخون شده‌ای مجنون شده‌ای، دلخون شده‌ای مجنون شده‌ای
 ای مستغرق سُرُ‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی
ای سر تو صفی‌اللهی، یا نوح نبی‌اللهی

التماس دعا

فصل سیزدهم

نوحه‌های مناجاتی و حرف دل عاشقان حسینی
و همچنین نوحه‌های زبان حال زائران بین‌الحرمین و عتبات عالیات عراق

نوحه‌ی ۱۰۵ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: حاج سید رضا مؤید خراسانی)

عشق او مایه‌ی سوز و سازم، روی او قبله‌گاه نمازم
از غلامی او سرفرازم، نوکری بر سرای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

دل ز مهر رخس بر نگیرم، هر غمش را به جان می پذیرم
این مرامم بود تا بمیرم زنده چون با ولای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

گر چه از حد فزون شد گناهم، پور زهرا بود عذر خواهم
روز محشر مگو بی پناهم، در پناه لوی حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

او کریم است و از خود نراند، هر گدایی که او را بخواند
فاش گویم که هر کس بداند، من غریق عطای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

بر سر کوی او من بیاسم، هست بر او امید و هراسم
صاحبم را نکو می‌شناسم، من سگ باوفای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

نور صدق و صفا دارد این دل، مهر آل عبا دارد این دل
عقده‌ی کربلا دارد این دل، عاشق کربلای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

از جوانی به پیری رسیدم، عاقبت کربلا را ندیدم
بارالها مکن نا امیدم، من که مدحت سرای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

تا غمش در دلم خانه دارد، چشمم از اشک پیمانه دارد
روز و شب در هوای حسینم، من گدایم گدای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

گریم از ماتم اکبر او، بر لب تشنه‌ی اصغر او
بی تن و بی سر و بر سر او، خون جگر در عزای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

دردمندم دوا خواهم از او، حال اهل دعا خواهم از او
سینه‌ای با صفا خواهم از او، چون مؤید گدای حسینم
من گدایم گدای حسینم، عاشق کربلای حسینم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۶ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

کی پیکرت را به خون کشیده، عزیز زهرا حسین مظلوم
کی حنجرت را چنین بریده، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

ز تیر و نیزه تن تو صد چاک، فتاده جسمت به دامن خاک
ز کودکانت فغان بر افلاک، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

تن تو عریان در این بیابان، کنار اجساد این شهیدان
تویی گل من در این گلستان، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

منم که عمری ز بینوایی، به درگه تو کنم گدایی
نما ز کارم گره‌گشایی، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

منم که ماندم در آرزویت، جوانی‌ام رفت به عشق کویت
که بلکه بینم جمال رویت، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

مریض عشقت شفا ندارد، به غیر وصلت دوا ندارد
بزن که تیرت خطا ندارد، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

در انتظارم به وقت مردن، دمی بیایی به دیدن من
سرم گذاری به روی دامن، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

ز درگه خود مراشم آقا، ز لطف و احسان بخوانم آقا
که رفته از کف توانم آقا، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

غمم فزون است بگیر تو دستم، که ناتوان و فتاده هستم
به درگهت چون گدا نشستم، عزیز زهرا حسین مظلوم
عزیز زهرا حسین مظلوم، عزیز زهرا حسین مظلوم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۷ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: حاج علی انسانی)

من دست خالی آمدم، دست من و دامن تو
سر تا به پا درد و غم، درد من و درمان تو
تو هر چه خوبی من بدم، بیهوده بر هر در زدم
آخر به این در آمدم، باشم کنار خوان تو
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

من راز هر در رانده‌ام، من رانده‌ای وامانده‌ام
یا خوانده یا ناخوانده‌ام، اکنون منم مهمان تو
پای من از ره خسته شد، بال و پریم بشکسته شد
هر در به رویم بسته شد، جز درگه احسان تو
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

گفتم منم در می‌زنم، گفتمی به تو سر می‌زنم
من هم مکرر می‌زنم، کو عهد و کو پیمان تو
سوی تو رو آورده‌ام، ای خم سبو آورده‌ام
من آبرو آورده‌ام، کو لطف بی پایان تو
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

حال من گوشه نشین، با گوشه‌ی چشمی ببین
جز سایه‌ی پر مهرتان، جایی ندارم جان تو
من خدمتی ننموده‌ام، دانم بسی آلوده‌ام
اما به عمری بوده‌ام، چون خار در بستان تو
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

نوحه‌ی ۱۰۸ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید محمدتقی مقدم‌زاده)

یا حسین دلم خون شد، در هوای کوی تو
دم به دم حسین گویم، قاصدم به سوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

هر کسی به سر دارد، آرزوی دنیا را
در دلم نمی باشد، غیر آرزوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

یا حسین اگر پستم، خوارم و تهی دستم
دل ز هر جهت بستم، تا رسم به کوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

خسرو کریمانی، پادشاه ایمانی
سرور شهیدانی، عاشقم به روی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

تشنه جان سپردی تو، تشنه‌ی فراتم من
کی شود کنم مأوی، در کنار جوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

یا حسین گرفتارم، از غم تو بیمارم
جان من به لب آمد، زنده‌ام به بوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

تو شفیع یزدانی، ما گدای سبحانی
آبروی ما نثود، جز به آبروی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

شیون و نوا دارند، جمله آرزومندان
ای خوش آن زمان آید، مژده‌ای ز سوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

ذاکرین تو گویند، هر شبی ز سوز دل
کی شود به بر گیریم، مرقد نکوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

شد مقدّم ار خسته، کنج عزلتی جسته
دیده از جهان بسته، جز ز گفتگوی تو
یا حسین حسین جانم، سیدی حسین جانم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۰۹ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید محمدتقی مقدم‌زاده)

مرغ دلم پر می‌زند، اندر هوایت یا حسین
دارد دل بشکسته‌ام، شوق لقاییت یا حسین
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

من عاشق دل خسته‌ام، بر مهر تو دل بسته‌ام
از قید دنیا رسته‌ام، گریم برایت یا حسین
طی شد بهار عمر من، در آرزوی کوی تو
خواهم ز حق گیرم مکان، در کربلایت یا حسین
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

هر گه کنم یاد غمت، گریم برای ماتمت
دارم به سر شور و نوا، در ماجرایت یا حسین
زان حالت جانسوز تو، آتش زده بر جان من
آه و فغان زان تشنگی، جانم فدایت یا حسین
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

اکنون ز پا افتاده‌ام، بیمار و زار و خسته‌ام
یک دم قدم نه بر سرم، دارم هوایت یا حسین
آن دم که جان گردد روان، از پیکر ای آرام جان
گوید مقدّم با فغان، دارم عزایت یا حسین
جانم حسین جانم حسین، ای جان و جانانم حسین

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۰ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

مولا حسین حسین، مولا حسین حسین
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

ای کعبه‌ی دلم، بیت الحرام تو
به لوح سینه‌ام، همواره نام تو
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

پیوسته نام توست، ذکر زبان من
شش‌گوشه قبر توست، محراب جان من
من دل شکسته‌ام، بیمار و خسته‌ام، دل بر تو بسته‌ام
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

با جامه‌ی سیاه، با شوق روی تو
کعبه کند طواف، بر گرد کوی تو
دین زنده‌ی تو شد، پاینده‌ی تو شد، دل بنده‌ی تو شد
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

هر صبح و ظهر و شام، با گردش فلک
ماییم و نغمه‌ی یا لیتنا معک
ای دلنواز ما، ای چاره‌ساز ما، سوز و گداز ما
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

هر دل اسیر توست، حاجت روا شود
وای آن دلی که از، کویت جدا شود
ای کشتی نجات، ای چشمه‌ی حیات، ما را بده برات
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

هفتاد و دو گل از، باغ تو چیده شد، هل من معینت از، میدان شنیده شد
از بعد اکبرت، شش ماهه اصغرت، گردیده یاورت
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

مجنون و این دل شیدایی من است
یاد تو مونس تنهایی من است
ای نازنین من، آیین و دین من، حبل‌المتین من
ای سرنوشت من، کویت بهشت من، مهرت سرشت من
مولا حسین حسین، مولا حسین حسین

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۱ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: سید محمدتقی رضوانی بهسودی)

ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم
مهمان ابوالفضل و مهمان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

یا رب تو بده توفیق، تا یک شبی در عمرم
دربان ابوالفضل و دربان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

بوسم درشان یک بار، در باقی عمر خود
گریان ابوالفضل و گریان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

می‌سوزم و می‌نالَم، بر من غم دیگر نیست
نالان ابوالفضل و نالان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

فخرم بود این دفتر، با شعر همایونی
برخوان ابوالفضل و برخوان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

از غصّه اگر مُردم، گویند که خود می‌گفت
قربان ابوالفضل و قربان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

در تلخی جان‌کندن، از ذات خداوندی
خواهان ابوالفضل و خواهان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین‌الحرمین باشم

از بس که کرم دارند، در بخشش و آقایی
حیران ابوالفضل و حیران حسین باشم
ای کاش شبی را من بین الحرمین باشم

در قبرم اگر پرسند، تو کیستی می‌گویم
مهمان ابوالفضل و مهمان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین الحرمین باشم

رضوانی همی‌گوید، در زندگی و مرگم
تاوان ابوالفضل و تاوان حسین باشم
ای کاش شبی را من بین الحرمین باشم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۲ زبان حال دلدادگان سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال
که با خُر صفت زائرانت، مولا هم قدم باشم امسال
کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال

حسین جان و بر من نظر کن، مرا لایق این سفر کن
که بین هزاران عاشق، در بین الحرم باشم امسال
کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال

نشسته کنار سر تو، به مثل حزین خواهر تو
حسین جان در اربعینت، به شیون و غم باشم امسال
کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال

می‌آیم کنی یادم آقا، خلاصم تو از تیرگی‌ها
ز زنجیر عصیان رها بخش، که برگشتم باشم امسال
کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال

بود لحظه آن بهترینم، لحظه‌ای عمر در دیارت
که سینه زن و اجرات، با چشمانم باشم امسال
کرم کن حسین جان و بر من، زوار حرم باشم امسال

التماس دعا

فصل چهاردهم

نوحه‌های مناسبتی شب و روز اربعین حسینی

گرامیداشت اربعین شهادت سرور و سالار شهیدان سیدالشهدا علیه‌السلام

نوحه‌ی ۱۱۳ به مناسبت اربعین سرور و سالار شهیدان سیدالشهداء علیه السلام
(سراینده: ابوالفضل آسمانی)

صدای کاروان غم به گوش جان ما آید
نوايي چون نوای نی ز دشت نینوا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

پس از یک اربعین اشک و فراق و ناله و ماتم
دوباره زینب کبری به ارض کربلا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

پرستوهای خونین بال باغ عشق برگشتند
به گلزاری کز آن بوی خزان لاله‌ها آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

ز اشک دیده‌اش غسل زیارت می‌کند زینب
که از بهر زیارت با نوای یا اخا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

هنوز از آه قلب عمّهی سادات خون ریزد
که با قدّ کمان از کوفه و شام بلا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

روی قبر حسین از اشک شمع و لاله می‌چیند
به لب‌هایش حسینم و شهید و غربتا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

چنین بلبل به پیش گل سرود از شرح هجرانش
که هر پروانه و شمعی از این غم در نوا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

اگر دور از تو بودم سایه‌ی عشق تو بر سر بود
خودم دیدم به دنبالم سر تو از قفا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

به شهر شام و کوفه نزد مردم میهمان بودم
به جای دسته گل دیدم سویم سنگ از جفا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

رقیّه دخترت بر دور شمع رأس تو جان داد
نشد پروانه‌ات با ما در این بزم وفا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

به شام و کوفه پیغام «سماوی» تو را بردم
نگون تا پرچم تزویر و نیرنگ و ریا آید
صدای کاروان غم به گوش جان ما آید

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۴ به مناسبت اربعین سرور و سالار شهیدان سیدالشهداء علیه السلام
(سراینده: سید محمدعارف موسوی نژاد)

شد برون از شام، کاروان غم، سینه‌ی پر خون دیده‌ی پر نم
همره افغان، همدم ماتم، ناله تا کیوان، از زمین آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

پس سگینه گفت با دل بریان، عمّه جان کردم من تو را قربان
می‌رسد این دم بر مشام جان، بوی خون اقا دلنشین آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

کاین زمین گویا کربلا گشته، کز هوایش دل در نوا گشته
منزل رنج و ابتلا گشته، وادی قتل شاه دین آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

عمّه جان منما این زمین منزل، ترسم آید باز شمر سنگین دل
می‌شود بر من زندگی مشکل، گه که چشمم بر آن لعین آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

عمّه در این جا آب نایاب است، یا در این وادی تشنگی باب است
از هراسم جان بر تب و تاب است، خوفم از قوم مشرکین آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

گفت پس زینب ای عزیز جان، در ره امت شد حسین قربان
شیعیان را شد سینه‌ها بریان، ناله‌ی عارف آتش آمد
ای عزاداران اربعین آمد، در جنان زهرا دل غمین آمد

نوحه‌ی ۱۱۵ به مناسبت اربعین سرور و سالار شهیدان سیدالشهداء علیه السلام
(سراینده: اکبر عابدی)

آمدم در کربلا بزم غم بر پا کنم، با سرشک دیده‌ام دعوت از زهرا کنم
تو بیا کربلا مادر ای مادر، گریه کن بر حسین آن گل پرپر
سیدی سیدی ای حسین جانم

از غم جانسوز تو بگذرد یک اربعین، دیده بگشا یا ابا حال زینب را ببین
من که از هجر تو در تب و تابم، همسفر کن نظر چشم پر آبم
سیدی سیدی ای حسین جانم

سوگواری می‌کنم اشک و آه و زمزمه، گه کنار قتلگه گه کنار علقمه
می‌چکد اشک غم از برای تو، آمده مادرم در عزای تو
سیدی سیدی ای حسین جانم

زائر کوی توأم زینبم من زینبم، از غم هجران تو آمده جان بر لبم
کربلا لب گشا کو حسین من، تشنه لب سر جدا نور عین من
سیدی سیدی ای حسین جانم

کربلا با من بگو کو گل باغ دلم، باغبان عشقم و تازه شد داغ دلم
کربلا کو گل پرپر یاسم، اکبرم قاسم عون و عبّاسم
سیدی سیدی ای حسین جانم

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۶ به مناسبت اربعین سرور و سالار شهیدان سیدالشهداء علیه السلام
(سراینده: حاج جعفر رسولزاده)

سلام ای جان من، خاک شهیدان من، سلام ای کربلا، روضه‌ی رضوان من
نسیم صحرا بگو، تربت جانانه کو
حسین حسین یا حسین

به کویت ای آشنا، مرا رسانده خدا، وگرنه یک اربعین، غم تو کشته مرا
شمع وجود منی، بود و نبود منی
حسین حسین یا حسین

خیز و مپرس این سفر، چه کرده با ما دگر، ز تازیانه ببین، به پیکر ما اثر
چوب ستم زد یزید، ز چشم من خون چکید
حسین حسین یا حسین

حسین مظلوم من با تو چه گویم سخن، چه روضه‌ای خوانمت ز شام و رنج و محن
شمع دلم آب شد، رقیه بی‌تاب شد
حسین حسین یا حسین

نبوده این باورم، ای تو ز جان بهترم، که بی تو این قافله، سوی مدینه برم
حسین من یاس من، کجاست عباس من
حسین حسین یا حسین

التماس دعا

فصل پانزدهم

نوحه‌های مناسبتی پایان ماه صفر

به مناسب شهادت جانشوز پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

نوحه‌ی ۱۱۷ در رثای پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله
(سراینده: حاج سید رضا مؤید خراسانی)

خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

از رحلت جهان را، ماتم فرا گرفته
از داغ جان‌گدازت، قرآن عزا گرفته
جان‌ها ز غم گسسته، دل‌ها به غم نشسته، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

ای آفتاب هستی، از ما نظر گرفتی
چون شد که از سر ما، تو سایه بر گرفتی
با رفتن تو عالم، روزش شده شب غم، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

رسالت تو آخر، با خون دل سر آمد
هر دم تو را ز امت، ملال دیگر آمد
فریاد و انبیا، پر کرده هر کجا را، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

بر جسم و جان علی را، زین غم شرر فتاده
بیش از همه به زهرا، داغت اثر نهاده
ناموس حق تعالی، بعد تو مانده تنها، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

با فاطمه پس از تو، دشمن چه روبرو شد
با شعله‌های آتش، تسکین قلب او شد
محسن او فدا شد، حقت عجب ادا شد، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

مزد رسالت را، بس خائنه دادند
جواب دخترت را، با تازیانه دادند
مسمار در بگوید، که بر سرش چه آمد، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

بر روی اهل بیت، باب ستم گشودند
حق سلالهات را، از دستشان ربودند
تا آن که از جنایت، شد کشته بی نهایت، یا خاتم النبیین
خون ز رحلت تو، شد قلب امت تو، یا خاتم النبیین

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۸ در رثای پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله
(سراینده: محمود شریفی کاشانی)

دیگر از نفس افتاد، قاری کتاب وحی
جبرئیل عزادار است، بسته گشته باب وحی
می‌زند علی بر سر، در عزای پیغمبر

تا در این غم سنگین، قامت علی خم شد
وسعت دل زهرا، نینوای ماتم شد
بسته چشم حق آگاه، زین جهان رسول الله
می‌زند علی بر سر، در عزای پیغمبر

شد مدینه ماتم‌خیز، کوچه‌ها سیاه پوش است
مسجد رسول الله، خسته است و خاموش است
گشته منبر و محراب، در فراق او بی‌تاب
می‌زند علی بر سر، در عزای پیغمبر

بعد از این تو و غربت، ای مدینه شهر درد
در هجوم و جولان قوم فتنه و نامرد
فاطمه خورد سیلی، روی او شود نیلی
می‌زند علی بر سر، در عزای پیغمبر

بهر تسلیت دادن، شیعه‌ها برافروزند
درب خانه‌ی زهرا، با دل علی سوزند
اجر و مزد پیغمبر، محسنش شده پیر
می‌زند علی بر سر، در عزای پیغمبر

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۱۹ در رثای پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله
(سراینده: حاج جعفر رسول زاده)

جان عالم به فدای تو رسول مدنی
غم ما داغ عزای تو رسول مدنی
جان عالم به فدای تو رسول مدنی

ای عزادار تو حلّ و حرم و رکن و مقام
دین حق حاصل رنج و غمت ای خیر انام
حق برافراشت لوای تو رسول مدنی
جان عالم به فدای تو رسول مدنی

آخر ماه صفر، اوّل اشک و محن است
روضه‌ی رحلت تو بر لب هر مرد و زن است
شده جانسوز رثای تو رسول مدنی
جان عالم به فدای تو رسول مدنی

بعد تو آه که ظلم و ستم امت تو
رنج و اندوه گذارد به دل عترت تو
اجر آن مهر و وفای تو رسول مدنی
جان عالم به فدای تو رسول مدنی

مهبط وحی که حسرت زده خاموش شده
آه این خانه که با دود سیه‌پوش شده
ظلم بر آل عبا‌ی تو رسول مدنی
جان عالم به فدای تو رسول مدنی

نوحه‌ی ۱۲۰ در رثای پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله
(سراینده: حاج جعفر رسول زاده)

نور تمام انبیا رفته ز دنیا، رسول رحمت خدا رفته ز دنیا
مدینه گریه می‌کند بر آل طاهّا، واویلتا واویلتا آه و واویلا
واویلتا واویلتا آه و واویلا

مصیبت ماه صفر حزن است و ماتم، عزای سیدالبشر بعد از محرم
فرشته ناله می‌زند در آسمان‌ها، واویلتا واویلتا آه و واویلا
واویلتا واویلتا آه و واویلا

شکسته قامت علی داغ حبیبش، چکد به تربت نبی اشک غریبش
فاطمه می‌رود ز هوش بر خاک بابا، واویلتا واویلتا آه و واویلا
واویلتا واویلتا آه و واویلا

مدینه بعد مصطفی شد غم نشانش، رسیده ابر فتنه‌ها بر آسمانش
امیر مؤمنان شده تنهای تنها، واویلتا واویلتا آه و واویلا
واویلتا واویلتا آه و واویلا

سقیفه حکم غصب حق ز آن ماجرا زد، چه آتشی که بر در بیت‌الولا زد
به تازیانه‌ها شکست بازوی زهرا، واویلتا واویلتا آه و واویلا
واویلتا واویلتا آه و واویلا

التماس دعا

فصل شانزدهم

نوحه‌های مناسبتی پایان ماه صفر

به مناسبت شهادت جانسوز حضرت آقا امام حسن مجتبی علیه السلام

نوحه‌ی ۱۲۱ در رثای امام حسن مجتبی علیه السلام
(سراینده: غلامرضا سازگار قمی)

ای وطن شاهد غربت تو، پرد غم زائر تربت تو
غصه‌هایت ز قبرت نمایان، یا حسن یا حسن یا حسن جان
یا حسن یا حسن یا حسن جان

ای که بر درد جان‌ها طبعی، از چه در خانه‌ی خود غریبی
یار جانی تو را قاتل جان، یا حسن یا حسن یا حسن جان
یا حسن یا حسن یا حسن جان

در خلافت ستم‌ها کشیدی، بس که زخم زبان‌ها شنیدی
در دلت غصه‌ها بوده پنهان، یا حسن یا حسن یا حسن جان
یا حسن یا حسن یا حسن جان

ای ستم‌دیده‌ی روزگاران، پیکرت بر سر دوش یاران
گشته از تیر کین لاله‌باران، یا حسن یا حسن یا حسن جان
یا حسن یا حسن یا حسن جان

با وجودی که زائر نداری، خادم و صحن و حائر نداری
می‌کنی دردها را تو درمان، یا حسن یا حسن یا حسن جان
یا حسن یا حسن یا حسن جان

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۲۲ در رثای امام حسن مجتبی علیه السلام
(سراینده: مرحوم محمود ژولیده نیشابوری)

ای نور چشم زهرا، ای لاله‌ی مدینه
ای گشته در ره کین، مسموم زهر کینه
دارد مدینه هر دم، بر لوح سینه داغی
قبر تو را نباشد، نه شمع و نه چراغی
من عاشق تو هستم، مولا بگیر تو دستم

در آستانه‌ی در، پهلوی شکسته دیدی
فریاد مادرت را، از پشت در شنیدی
ای شاهد شقایق، در غم‌سرای کوچه
برگو به شیعیانت، از ماجرای کوفه
من عاشق تو هستم، مولا بگیر تو دستم

ای مظهر صبوری، دارد به تن نشانه
مظلومه مادر تو، از ضرب تازیانه
عمری به پای منبر، زخم زبان شنیدی
جز درد و رنج و محنت، در این جهان ندیدی
من عاشق تو هستم، مولا بگیر تو دستم

ای آن‌که لطف و جود و کرامت عمیم است
کریم اهل‌بیتی و شهرت کریم است
آه از دمی که گفتی، زینب برس به دادم
کز سوز زهر کینه، آخر ز پا فتادم
من عاشق تو هستم، مولا بگیر تو دستم

نوحه‌ی ۱۲۳ در رثای حضرت آقا امام حسن مجتبی علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

من امام مجتبی ریحانه‌ی پیغمبرم، از چراغ انجمن در انجمن تنهاترم
من غریب خانام، در وطن بیگانه‌ام
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

در سنین کودکی زهرا برایم گریه کرد، از غریبی ماهی دریا برایم گریه کرد
تا قیامت تربتم، شد گواه غربتم
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

بود خالی جای بابایم امیرالمؤمنین، پیش چشمم مادرم در کوچه شد نقش زمین
پاره شد آن جا دلم، گشته ثانی قاتلم
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

طعنه و زخم زبان و طهر بی‌تابم نکرد، قضه‌ای مانند داغ فاطمه آبم نکرد
می‌رود روح از تنم، با مغیره دیدنم
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

من که عمری عزت اسلام و دینم گفته‌اند، دشمنانم یا مذل المؤمنینم گفته‌اند
شد غذا خون دلم، گشته یارم قاتلم
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

از غم بی‌یاری‌ام خون بر دل یاران شده، جسم از گل بهترم با تیری گلباران شده
تا قیامت صبر من، شد عیان از قبر من
وا شهیدا وا حسن، وا اماما وا حسن

نوحه‌ی ۱۲۴ در رثای حضرت آقا امام حسن مجتبی علیه السلام (سراینده: حاج محمد نعیمی)

ای حسن جان، ای حسن جان
ای حسن جان، ای حسن جان
ای حسن جان، ای حسن جان

ای کریم آل طاهّا، ای غریب شهر غم‌ها
شمع شب‌های مزارت، چلچراغ اشک زهرا
قلب زینب را غم عالم گرفته
بر تو امشب فاطمه ماتم گرفته
ای حسن جان، ای حسن جان

در مدینه بوی غربت، می‌رسد از خاک قبرت
آیه آیه غم نوشته، بر کتاب صلح و صبرت
در مدینه بوده‌ای تنهای تنها
ای که خوردی خون دل از بعد بابا
ای حسن جان، ای حسن جان

جمله را غم شد به پا در کوچه‌های آل هاشم
مثل شمعی می‌شود آب، قطره قطره جان قاسم
در خزان بنشسته باغ آل کوثر
شد سیه‌پوش حسن شهر پیمبر
ای حسن جان، ای حسن جان

در کنار قبر مادر، خون چکید از چشم باران
شد به جای لاله و گل، جسم پاکت تیرباران
یا بنی‌الزهرای نوای غم بگیرد
بر امام مجتبی ماتم بگیرد
ای حسن جان، ای حسن جان

هم شد از زخم زبان دشمنان خون بر دل تو
هم غریب خانه بودی، همسرت شد قاتل تو
هم ملک بر غربتت خون گریه کرده
هم برایت چشم گردون گریه کرده
ای حسن جان، ای حسن جان

التماس دعا

فصل هفدهم

نوحه‌های مناسبتی پایان ماه صفر

به مناسبت شهادت جانشوز حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

نوحه‌ی ۱۲۵ در رثای حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام
(سراینده: عباس حسینی جوهری)

ای صبا باغم و آه و زاری، گر کنی در مدینه گذاری
گو به فرزندم از راه یاری، ای پسر الامان از جدایی
ای پسر الامان از جدایی

ای تقی ای مه بی قرینه، دیدی آخر ز بیداد و کینه
بی پدر ماندی اندر مدینه، ای پسر الامان از جدایی
ای پسر الامان از جدایی

آرزو دارم از راه احسان، ساعتی در دم دادن جان
از مدینه بیایی خراسان، ای پسر الامان از جدایی
ای پسر الامان از جدایی

گر بمیرد شهی از وطن دور، در غریبی شود خوار و مهجور
میرندش به خواری به گوری، ای پسر الامان از جدایی
ای پسر الامان از جدایی

من در این شهر یاور ندارم، جز خدا یار دیگر ندارم
در دم مرگ مادر ندارم، ای پسر الامان از جدایی
ای پسر الامان از جدایی

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۲۶ در رثای حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام (سراینده: ناشناس)

از خراسان رسد ناله‌ی یا رضا
حضرت فاطمه گشته صاحب عزا
یا رضا یا رضا، یا رضا یا رضا

عالم اهل بیت مانده از زمزمه
کشته بی‌گناه یوسف فاطمه
ناله‌ی یا نبی از نهادش رسد
ای اجل مهلتی تا جوادش رسد
یا رضا یا رضا، یا رضا یا رضا

ای فدای تو و قلب مسموم تو
از مدینه رسد طفل معصوم تو
از در خانه‌ات تا سر تربت
می‌کند قاتلت گریه بر غربت
یا رضا یا رضا، یا رضا یا رضا

خیز و بار دگر ای شه عالمین
گریه کن گریه کن بهر جدت حسین
جسم تو محترم چون کتاب مبین
جسم جدت حسین بی کفن بر زمین
یا رضا یا رضا، یا رضا یا رضا

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۲۷ در رثای حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام
(سراینده: ناشناس)

ای جانشین مصطفی، نور دو چشم مرتضی
ای زاده‌ی خیرالنساء، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

من عاشق و تو دلربا، من بینوا تو پادشا
شاهان نظر کن بر گدا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

جانم فدای روی تو، دل شد اسیر کوی تو
باشم گدای کوی تو، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

راز و نیاز من تویی، سوز گداز من تویی
آگه به راز من تویی، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

ما جمله مهمان توایم، ریزه‌خور خوان توایم
ای منبع جود و سخا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

رفتم گر از دار فنا، دارم تمنا ای شها
آیی به دیدارم سه جا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

جان جوادت ای شها، ما را رسان در کربلا
ای معنی شمس‌الصّحی، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

دست من و دامن تو، درد من و دامن تو
مولا علی موسی الرضا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

ای گشته مسموم از جفا، ای هشتمین نور خدا
بر ما نظر کن ای سخا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

ای هشتمین شمس ولا، ای قبله‌ی حاجات ما
حاجات ما را کن روا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

تو هر چه خوبی من بدم، اکنون به این در آمدم
از در مرانم ای شها، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

مولا رضا آقا رضا، شاها رضا والا رضا
طاها رضا جانا رضا، ای جان و جانانم رضا
جانم رضا جانم رضا، ای جان و جانانم رضا

التماس دعا

نوحه‌ی ۱۲۸ در رثای حضرت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام
(سراینده: سید محسن حسینی)

دیگر ز پیکرم، رفته توان و تاب
شمع وجود من، شد قطره قطره آب
سوزد نهاد من، باشد به یاد من، آمد جواد من
جانم رضا رضا، جانم رضا رضا

شد آسمان کبود، از آه سینه‌ام
من یاد کوچه‌ی تنگ مدینه‌ام
چون لاله پرپر، از یاد مادرم، آتش به پیکرم
جانم رضا رضا، جانم رضا رضا

ای نور چشم من، بابا ز پا فتاد
بر من تو سوره‌ی کوثر بخوان جواد
بر خون دل رضاست، این آخرین نواست، معصومه‌ام کجاست
جانم رضا رضا، جانم رضا رضا

ای کاش با دل در خون شناورم
بودم به پشت در، من جای مادرم
ای مادر جوان، شد لاله‌ات خزان، شد بر تو میهمان
جانم رضا رضا، جانم رضا رضا

التماس دعا

فصل هجدهم

صدا درمانی به روش‌های طبیعی، سنتی و گیاهی
آشنایی با عوامل مهم گرفتگی صدا و تارهای صوتی و راه‌های درمان آن
همراه با معرفی خوراکی‌های مفید و مضر برای صدا و حنجره

عوامل مهم گرفتگی صدا و تارهای صوتی:

جابجایی و تغییرات دمایی هوا و نوع هوا، یکنواخت نگهداشتن دمای بدن در داخل و خارج از منزل، استشمام بوهای خوش از جمله عطر و ادکلن، البته برای برخی از مداحانی که حساسیت خاصی دارند.

داشتن بیماری تا هفتاد درصد از راندمان کاری سخنرانان، قاریان، مداحان و نوحه‌خوانان را پایین می‌آورد و بهترین درمان نیز استراحت، استفاده از مایعات مناسب و بخور سنگین است.

تغذیه‌ی مناسب، پرهیز از آب یخ، غذاهای سرخ‌کردنی، انواع شیرینی‌جات غیر طبیعی، انواع ترشی‌جات و غیره و همچنین برای درمان باید حساسیت‌های خود را نسبت به غذاهای مختلف بسنجید و از آن غذایی که حساسیت دارید اجتناب نموده و حتی بهتر است، حدود یکی دو ساعت قبل از اجرای برنامه چیزی نخورید.

احتلام! بدن و تارهای صوتی را خیلی ضعیف می‌کند، و بهترین درمان نیز غسل و آب لیموترش تازه است.

ادویه‌جات و فلفل برای صدای شما بسیار مضر است و به مرور زمان تارهای صوتی را خراب می‌کنند.

عدم استراحت و کم‌خوابی برای صدا مضر است و خوب نیست، حداقل ۶ الی حداکثر ۸ ساعت خواب مناسب لازم است، هم کم‌خوابی و هم پرخوابی هر دو مضرند و اگر بتوانید ۳۰ دقیقه الی یک ساعت تا ۲ ساعت قبل از جلسه خواب داشته باشید، خیلی خوب است.

صحیح نخواندن و فشار زیاد آوردن به حنجره و در نتیجه صدمه زدن به تارهای صوتی که باید از این رفتار اجتناب نمود و بایستی توجه داشت که بهتر آن است که با صدای طبیعی خودتان بخوانید.

چنانچه اگر مستلزم تقلید بودید هم باید از کسی تقلید کنید که درجات و پرده‌های صوتی او به درجات و پرده‌های صوتی شما نزدیک باشد و لازم نیست که حتما صدای‌تان به صدای او بخورد و برداشت سبک کفایت می‌کند این‌که خوب است هماهنگی نسبی داشته باشد وگرنه صدای‌تان لطمه خواهد دید.

در هنگام استرس نیز، ضربان قلب شما تند شده و صدای شما تقریباً به سختی خارج می‌شود، خصوصاً در ابتدای اجرای برنامه باید توجه داشت که با گام‌های پایین و مناسب شروع کنید، تا بتوانید کنترل‌شده اجرا نمایید.

عوامل و عوارض استرس و راههای درمان آن:

- فراموشی مطلب و یا شعر
- عدم توانایی کنترل اداره‌ی مجلس
- زیاد شدن آب دهان و یا خشک شدن آن
- گرفته شدن صدای‌تان
- لرزش صدا و دست و پاهای‌تان
- عدم تعادل روانی هنگام نزدیک شدن به اجرا
- دیدن مکان خالی قبل از جلسه
- دیدن شخصی که دچار استرس‌تان شده
- صحبت کردن با شخصی که دچار استرس‌تان شده
- استفاده از ابزار مناسب جهت رفع استرس
- استفاده از ذکر لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
- استفاده از آیهی شریفه‌ی الا بذکرالله تطمئن القلوب
- استفاده از خواندن دعای فرج
- چندتا صلوات گرفتن و شروع با گام پایین
- با دست خالی وارد مجلس نشدن
- با دست پر وارد شدن و آمادگی کامل داشتن
- آب خوردن و نفس‌های عمیق کشیدن
- حفظ کردن شعر همراه با آمادگی کامل و متناسب
- توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام
- مدد جستن از خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام
- بهره‌گیری از دعای والیدن به خصوص دعای مادر
- ذکر السطان به عدد ابجدش
- سپردن تمام مجلس به خود ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام
- و موارد دیگر

لازم به ذکر است که یکی از بهترین راه‌های رفع استرس در هنگام خواندن می‌تواند اجراهای کوتاه در مجالس و محافل کوچک و دارای جمعیت کم باشد و به مرور از میزان استرس شما کم خواهد شد و چنانچه این امر برای‌تان میسر نشد می‌توانید خودتان با دوستان‌تان مجالس کوچک و تمرینی تشکیل دهید.

عوامل سرماخوردگی و راه‌های جلوگیری از آن:

مراقب خشک شدن مجاری تنفسی از جمله بینی و حنجره باشید و در صورت لزوم قبل از بیرون رفتن از منزل، داخل بینی و روی حنجره را با پماد نرم‌کننده (ویتامین‌های A و D) چرب نمایید.

حداقل روزی ۳ مرتبه استنشاق و قرقره با آب نمک (ولرم) و سرم‌های آماده نمکی برای جلوگیری از سرماخوردگی خوب است.

صبح‌ها هنگام بیدار شدن از خواب و شب‌ها هم هنگام خوابیدن، یک قاشق عسل و آب‌لیموی تازه (خود لیمو) را در یک لیوان با آب ولرم مخلوط نموده و مصرف نمایید که بسیار خوب است.

استفاده از قرص‌های گیاهی آلتادین، که هم برای صدای‌تان خوب است و هم توژم تارهای صوتی را خوب می‌کند و هم برای سرماخوردگی مفید است و همچنین مصرف قرص‌های لیکوفار که بهتر است بعد از خواندن یک عدد مکیده شود و در طول روز نیز هر سه تا چهار ساعت یک عدد مکیده شود.

بعد از استحمام زیر زانو‌ها را کمی با آب سرد بشویید، دوش آب سرد نیز سرماخوردگی را به حداقل می‌رساند.

راههای تقویت شش یا همان قوای تنفسی:

تمرینهای تنفسی مانند ورزشهای کوهنوردی، شنا و پیادهروی و نرمشهای پی‌درپی در راستای تقویت تنفسی بسیار مناسب است.

با خودتان مسابقه‌ی نفس بگذارید، آنقدر بخوانید و بخوانید تا این‌که صدای‌تان گرم شود ولی آرام بخوانید، تا آنجایی که میزان نفس‌تان از قبل بهتر و بیشتر تقویت گردد، برای شما کافی است.

اساتید و بزرگان علم قرائت قرآن کریم نیز برای کسانی که در مداحی مشکل نفس دارند، توصیه می‌کنند به تمرین تلاوت و بر این باورند که تلاوت قرآن نفس را تقویت می‌کند.

خصوصاً خواندن مداوم قرآن کریم به صورت ترتیل، همراه با نفس‌گیری‌های مناسب، تاثیر خوبی در تقویت نفس خواهد داشت.

بینی‌تان را هم مرتب با آب ولرم شستشو دهید و سعی نمایید، از بروز حساسیت‌های ناگهانی بویژه در فصول سرد سال در امان بمانید.

البته تغییرات آب و هوایی نیز در سلامت ریه و تنفس تاثیرگذار است و از این رو به هنگام مسافرت‌های بین شهری باید مراقب بود، و توصیه شده که وارد هر شهری شدید، از پیاز همان شهر بهره بگیرید.

راه‌های مراقبت از تارهای صوتی و حنجره:

مواظبت‌های غذایی و پرهیز از کاکائو و چیزهای ترش را فراموش نکنید، همچنین تا حد امکان از خوردن غذاهای چرب طی دهه و همچنین قبل از اجرای برنامه، پرهیز نمایید و بیشتر سعی کنید از غذاهای غیر چرب و مقوی استفاده کنید، که برای تان خوب باشد.

مواظبت‌های آب و هوایی هم خیلی مهم است، همان‌طور که در مطلب قبل هم اشاره شد، در صورت مسافرت به هر شهری حتماً به هنگام خوردن آب و غذای آن شهر از پیاز همان شهر نیز در برنامه‌ی غذایی خود استفاده کنید.

مواظبت‌های صدایی و این‌که کم بخوانید تا همیشه بخوانید و بهتر است هر روز ۲۰ دقیقه تمرین خواندن داشته باشید، با اصول بخوانید و بهتر است که همیشه با صدای بم شروع کنید.

اوج‌های غیر قابل کنترل نگیرید، بعد از اجرای برنامه آب سرد ننوشید که حکم سم را برای شما دارد.

شاید در کوتاه مدت خیلی متوجه ضرر و زیان خوردن آب سرد نشوید اما به مرور تاثیراتش را خواهد گذاشت.

تارهای صوتی انسان تارهای بسیار ریزی هستند که با کوچکترین حساسیت آسیب‌پذیرند، پس همیشه آن‌ها را گرم نگه‌دارید.

جدول خوراکی‌های مفید و مضر:

خوراکی‌ها	(مفید)	(مضر)
سبزیجات:	کاهو، کرفس با ریشه همراه با روغن زیتون، شنبلیله	آش، سرخ‌کردنی‌ها
گوشتی‌ها:	گوشت سفید از جمله ماهی، مرغ، شترمرغ، عصاره‌ی گوشت، سوپ، غذاهای کم چرب، غذاهای آب پز، باقالی پلو، آبگوشت بدون چربی، آبگوشت آب پز	گوشت قرمز به جز عصاره‌اش که خوب است، غذاهای سرخ شده در روغن، غذاهای بسیار شیرین یا شور و همچنین غذاهای بسیار داغ که بایستی از آن پرهیز کرد.
میوه‌جات:	سیب، گلابی، پرتقال، آناناس، انجیر خشک به خصوص انجیر خشکی که در شیر جوشیده ریخته شده باشد و برای گرفتگی صدا خوب است کشمش، شلغم و ... دوستان توجه داشته باشید که آب شلغم نیز برای گرفتگی صدا خوب است، بویژه در فصل سرما و ...	کیوی، موز، انگور، خرمالو، خربزه و ...
لبنیات:	شیر، شیرعسل، زرده تخم مرغ و مخلوط هرسه، شیر و هفت عدد خرما، البته اگر شیر داغ باشد بهتر است، شریت عسل	خامه، انواع سس، دوغ ترش، ماست ترش

جدول خوراکی‌های مفید و مضر:

خوراکی‌ها	(مفید)	(مضر)
حبوبات:	بادام خام به ویژه بادام تلخ	-
ادویه‌جات:	آرد با دارچین، هر دو را در آب ریخته به هم بزنید و بخورید، برای گرفتگی صدا خوب است	ادویه، فلفل، زردچوبه
خشکبار:	بادام خام، انجیر خشک، آلوبخارا، کنجد خام و ...	آجیل، تخمه، چیپس، پفک
مایعات:	شیر، آب ولرم، چای سبز	سرکه، آب سرد، آب داغ، چای سیاه پررنگ و سایر نوشیدنی‌های مضر
عرقیات:	آویشن، اسفرزه	-
گیاهان:	آویشن، گل‌گاوزبان، اسفرزه، چهار تخم، خاکشیر، شش تخم، برگ ژلاتین، دانه صنوبر، مویز، ریشه شیرین بیان، نیشکر، سپستان، تخم خیار چنبر، تخم کدو حلوایی، نشاسته به خصوص ژله نشاسته، کتیرا، گلاب قند، بذر کتان، پودر گیاهی روتارین، چای زوفا، چای گل ختمی، چای گل بنفشه، چای گلپر، چای سبز و دمنوش‌های گیاهی	هر کسی با توجه به حنجره خود یک نسخه را پیدا کند.

نکات پایانی:

عصاره‌ی گوشت: در روش تهیه عصاره گوشت، ۲۰۰ تا ۲۵۰ گرم گوشت را خرد کرده و در درون یک ظرف شیشه‌ای درب آهنی که ۷۰ درصد آن را پر کند آب جوش انداخته و پس از ۲ تا ۳ ساعت جوشیدن آب سیاه داخل شیشه را با کمی نمک و لیمو خشک مخلوط نموده، میل نمایید.

سیب پخته: سیب را ۲ ساعت قبل از مجلس در داخل یک لیوان چای داغ کمرنگ با پوست خرد کنید و روی آن را با نعلبکی یا پلاستیک بپوشانید و بعد از ۳۰ دقیقه و یا نیم ساعت قبل از مجلس سیب را بدون پوست بخورید و سپس چای را بخورید، که البته برای حنجره بسیار مفید است.

کشمش: برای صدای خوب است، اما انگور مضر است.

انجیر خشک: برای صدا محشر است، طی دهه زیاد میل نمایید، هم خیلی مقوی است و هم برای صدا بسیار مفید می‌باشد.

برای بهتر استفاده کردن از انجیر خشک، بهتر است یک شبانه روز، انجیر خشک را خیسانده و در یخچال گذاشته و یکی دو ساعت قبل از اجرای برنامه نیز بیرون آورده و میل نمایید.

سیب: برای یک خواننده لازم است، میوه‌ی سلامتی است و فرقی نمی‌کند، که خام یا پخته باشد و هر روز صبح، ظهر و شب زیاد میل نمایید.

عسل: معجزه‌گر است برای صدا و حنجره و بهتر است که هر صبح و شب قبل از خواب با آب جوش ولرم و لیموی تازه میل نمایید.

گل‌گاوزبان: برای حنجره مفید است و به شکل دمنوش قبل و بعد از جلسه به اندازه‌ی یک لیوان از آن میل کنید.

کاهو: هم ریه‌ها را شستشو می‌دهد و هم خش صدا را می‌برد و با کمی روغن زیتون هم خیلی خوب است.

روغن زیتون: همراه با کاهو خیلی خوب است.

خاکشیر و اسفرزه: برای خواننده خیلی خوب و مفید است و همچنین سیستم گوارش را تنظیم می‌کند.

عرق آویشن: بسیار خوب است، یا چهار تخمه.

چای سبز: قبل از خواندن سعی کنید به جای چای سیاه، چای سبز یا گل‌گاوزبان و یا دمنوش‌های گیاهی میل کنید، زیرا آب جوش زیادی هم خوب نیست و معده را اذیت می‌کند و گلو را نیز خشک می‌کند.

نکته: اکثر کسانی که روزانه از چای سبز و دمنوش‌های گیاهی استفاده می‌کنند، به طور معمول بدن سالم‌تری دارند.

کرفس: این گیاه برای تقویت صدا و حنجره مفید است، بویژه خورشت کرفس خیلی مفید است و بهتر است که ساقه‌های کرفس بلند باشد و زیاد هم سرخ نشود، اگر تفت داده شود که برای تقویت حنجره و بویژه تارهای صوتی نیز بسیار مفید است، اگر با روغن زیتون باشد هم محشر است.

چهارترخم: باید شب در گلو بماند و برای تقویت حنجره و تارهای صوتی بسیار مفید است و در همه‌ی عطاری‌ها موجود است

اگر می‌خواهید همیشه صدایی صاف داشته باشید، پیازی سالم را شسته و دور تا دور آن را با ورق‌ی آلومینیومی پوشانده و در مایکروفر یا داخل آتش یا درون قابلمه‌ای قرار داده، بعد از سرد شدن میل نمایید.

اگر هفته‌ای یک بار این کار را انجام دهید، بلاشک همیشه صدایی خوب، زلال و بدون خش خواهید داشت، البته باید صبور هم بود تا بتوان به هدف مورد نظر رسید.

آلبیمو، ترشی و سرکه در گرسنگی صافی صدا را از بین می‌برد، اما اگر در بین غذا خورده شود، چه بسا باعث تقویت صدا هم می‌شود.

جهت گرفتگی صدا به یکی از این چهار طریق عمل کنید:

(الف) شکر تیخال: پیله را بردارید، آسیاب کنید و یک قاشق از آن را بریزید در شیری که در حال جوشیدن است، سپس خاموش کنید تا دم بکشد و بعد مصرف کنید که بهترین دارو برای گرفتگی صداست.

(ب) جعفری: جعفری را خرد کنید، در شیر پخته و صاف کنید، سپس کم کم آن را میل نمایید.

(ج) نارنج: نارنج را از وسط نصف کرده و جای هسته‌ها پودر نبات بگذارید و با پوست بگذارید روی گاز، تا شربتی درست شود که یکی از بهترین داروها برای درمان و رفع گرفتگی صدا می‌باشد.

(د) قرقره کردن: هر شب هنگام خواب با آب و نمک خوب است.

جهت درمان و رفع گرفتگی صدا و همچنین پیشگیری از گرفتگی صدا برای خواندن‌های طولانی، قرص و یا آمپول بتامتازون نیز تجویز شده است، البته فقط با نظر پزشک اقدام به استفاده نمایید.

اگر چه در بسیاری از موارد سکوت بهترین راه حل برای بهبود گرفتگی صداست و توصیه می‌شود که از پچ پچ کردن و فریاد زدن نیز پرهیز گردد، چرا که پچ پچ کردن فشار زیادی بر تارهای صوتی وارد می‌کند و چنانچه اگر لازم است صحبتی صورت گیرد، با صدای آرام انجام شود.

با مرطوب نگه داشتن گلو، گرفتگی صدا را می‌توان درمان کرد و البته استنشاق بخار آب داغ از درمان‌های بسیار مؤثر است.

از دوش آب گرم یا دستگاه بخور نیز می‌توان کمک گرفت، گذاشتن دستگاه بخور در اتاق خواب از خشک شدن هوای آن جلوگیری می‌کند.

چنانچه اگر مشکل صدای شما به خاطر برگشت غذا از معده به مری است، شب‌ها موقع خواب سرتان را کمی بالاتر از بدن قرار دهید، سه الی چهار ساعت قبل از خواب، از خوردن خودداری نموده و با تجویز پزشک از داروهای آنتی اسید مثل شربت آلومینیوم ام جی استفاده کنید بلکه مشکل گرفتگی صدا هم برای‌تان پیش نیاید.

در درون بدن هم به آب کافی نیاز دارید، خوردن آب را به قدری زیاد کنید تا ادرار بی‌رنگ شود، خوردن روزانه ده تا دوازده لیوان آب برای سلامتی بدن و به خصوص مرطوب نگه داشتن حنجره خوب است.

اگر دچار گرفتگی صدا در اثر سرماخوردگی شدید، سوپ مرغ یا سیر بسیار مناسب است، زیرا گرمای آن گلو را مرطوب می‌کند.

سرفه کردن، گرفتگی گلو را معمولاً تشدید می‌کند و برای جلوگیری از سرفه کردن و آسیب بیشتر به تارهای صوتی، از داروهای ضد سرفه و خلط‌آور استفاده نمایید.

بر خلاف عقیده‌ی شایع، قرقره کردن با دهانشویه عملاً گرفتگی صدا را بیشتر می‌کند. بیشتر دهانشویه‌ها دارای الکل هستند و تارهای صوتی را بی‌آب می‌کنند، البته محلول‌های قرقره اصلاً به تارهای صوتی نزدیک هم نمی‌شوند بلکه خود عمل قرقره کردن به نوعی مضر است، چون تارهای صوتی را به هم زده و تورم آن‌ها را بیشتر می‌کند.

امید که همیشه سالم و تندرست باشید.

موفق و پیروز و تندرست باشید

پایان

آشنایی مختصر با کتابخانه مداحان افغانستان

کتابخانه مداحان افغانستان مشتمل بر ده‌ها کتابنوحه‌ی سینه‌زنی سنتی از مؤلفین و گردآورندگان افغانستانی در ۱۴ مهرماه ۱۳۹۶ هجری خورشیدی در شهر قم تشکیل و راه‌اندازی شده و هم‌اکنون از طریق فضای مجازی قابل دسترسی است.

این کتابخانه اکثر کتابنوحه‌های چاپ شده در افغانستان و همچنین کتابنوحه‌های مؤلفین و گردآورندگان افغانستانی در ایران را داراست.

از جمله فعالیت‌های همیشگی این کتابخانه، تهیه و نگهداری نسخه‌های قدیمی و اصلی کتابنوحه‌های افغانستانی چاپ شده در جهان و همچنین پخش و توزیع کتابنوحه‌های چاپ شده بین علاقمندان به نوحه‌خوانی است.

شایان ذکر است که فایل pdf تمامی کتابنوحه‌های سینه‌زنی چاپ شده از سوی جامعه مداحان افغانستان بعد از یک سال از گذشت زمان چاپ، در سایت و کانال رسمی کتابخانه مداحان افغانستان قابل بارگذاری است تا نوحه‌خوانان افغانستانی که در کشورهای دیگر ساکن هستند برای دسترسی آسان به متن نوحه‌ها به این کانال مراجعه و از فایل pdf کتاب‌های نوحه‌ی موجود به سهولت استفاده نمایند.

برای ورود به سایت کتابخانه مداحان افغانستان در صفحات مجازی اینترنت به آدرس اینترنتی www.afgjmbook.com و همچنین برای ورود به کانال رسمی کتابخانه مداحان افغانستان نیز در تلگرام به نشانی [@afgjmbook](https://t.me/afgjmbook) مراجعه نمایید.

سایت و کانال فوق‌الذکر، حاوی ده‌ها کتاب شعر و همچنین کتابنوحه‌هایی مفید در قالب فایل‌های فشرده‌ی pdf قابل دانلود به صورت کاملاً رایگان و بدون هیچ‌گونه رمز و پسورد در اختیار علاقمندان نوحه‌خوانی قرار گرفته است، امید که به کارتان آید.

از همه‌ی کسانی که کتابنوحه‌های pdf در اختیار و یا سراغ دارند منوط به اجازه‌ی ناشر اثر مورد اشاره، دعوت می‌شود تا فایل و یا فایل‌های مورد نظر را در اختیار مسئولین سایت و کانال قرار داده تا قابل بارگذاری در کانال گردد.

پیشنهاد می‌کنیم شما هم به عنوان یکی از اعضای خوب این سایت و کانال تلگرام یک رسانه باشید و به دوستان‌تان در فضای مجازی معرفی نمایید، خصوصاً برای دوستانی که در خارج از کشور ساکن هستند.

در تلاش هستیم تا هر چند وقت یک بار سایت و کانال فوق را بروزرسانی نماییم و کتاب‌های جدید و مطالب مفید را در سایت و کانال بارگذاری نماییم.

به امید موفقیت روزافزون شما دوستان گرامی.

موفق و پیروز و سربلند باشید، کتابخانه مداحان افغانستان

آشنایی با سنت و روش سوگواری و عزاداری افغانستانی‌ها:

همانطور که مستحضر هستید، هر جامعه‌ای یک سری نکات مثبت و یک سری نکات منفی دارد و بر طبق حکم عقل و دین، نکات منفی را باید در صدد از بین بردنش باشیم و نکات مثبت را نیز، سعی و کوشش بر حفظ و تداوم آن نماییم.

سنت و روش سوگواری و عزاداری مردم افغانستان و افغانستانی‌های مقیم کشورهای مختلف، خوشبختانه چند نکته‌ی بسیار خوب و مثبت دارد و اگر بر حفظ و تداوم آن‌ها تاکید و تلاش نکنیم، در واقع کوتاهی کرده‌ایم و برخی از آن نکات عبارتند از:

الف) روش‌ها و سنت‌های عزاداری شیعیان در افغانستان و همچنین در میان افغانستانی‌های خارج از کشور با ویژگی‌های خاصی که دارد، از خلوص قابل توجهی برخوردار است، و حتی بسیاری از علما و مجتهدین شیعه، بهترین سبک عزاداری و سوگواری حسینی را در روش‌های مرسوم عزاداری افغانستانی‌ها می‌دانند.

شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام در افغانستان و افغانستانی‌های خارج از کشور، نهایت چیزی که به دست می‌گیرند زنجیر است که از آن هم برای عرض ارادت بیشتر و بیان احساسات و عواطف معنوی استفاده می‌شود.

اگر چه در افغانستان، عزاداران معمولاً بدون واسطه‌ی اشیا و به صورت مستقیم با دست و سینه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ارتباط برقرار می‌کنند و سینه می‌زنند و نوای ماتم سر می‌دهند که نشان از حفظ اصول و سنت‌های دیرینه‌ی عزاداری و سوگواری شیعیان در افغانستان دارد و بایستی برای حفظ و تقویت آن تلاش بشود.

ب) مسئله‌ی دوم، مشارکت و حضور عمومی جوانان و نوجوانان در اجرای برنامه‌های عزاداری و نوحه‌خوانی می‌باشد.

همه می‌دانیم که در مجالس عزاداری شیعیان افغانستان، منبر و سکوی عرض ارادت به پیشگاه امام حسین علیه‌السلام و یاران باوفای‌شان در انحصار آخوند و نوحه‌خوان خاصی نیست، بلکه قبل از سخنران مجلس جوانان و نوجوانان آزادانه به دیباچه‌خوانی و پیش‌خوانی می‌پردازند و بعد از سخنرانی هم در سنت نوحه‌خوانی اشتراک می‌ورزند.

مداحان اهل بیت علیهم‌السلام و نوحه‌خوانان حسینی نیز همه آزاد هستند هر نوحه‌ای را که دوست داشتند بخوانند و بدون محدودیت و البته با آمادگی قبلی نسبت به اجرای نوحه‌ی مورد نظر همان شب، با رعایت صف و نوبت به اجرای برنامه می‌پردازند که این نکته از نکات بسیار مثبت و قوت عزاداری و سوگواری شیعیان افغانستان است.

یک رباعی و یک دو بیتی و یک غزل نوحه عاشورایی



عالم همه قطره‌اند و دریاست حسین
خوبان همه بنده‌اند و مولاست حسین
ترسم که شفاعت کند از قاتل خویش
از بس که کرم دارد و آقااست حسین



من به عشق روی تو جان می‌سپارم یا حسین
بهتر از جان در رخت چیزی ندارم یا حسین
وقت مردن آرزو دارم به بالینم رسی
جان زهرا مادرت چشم انتظارم یا حسین



اگر که دل شکسته‌ای حسین را صدا بزن
و گر ملول و خسته‌ای حسین را صدا بزن
در این بهار معرفت، پرستوی بهاری‌ام
اگر چه پر شکسته‌ای حسین را صدا بزن
سحر شد و سپیده زد چرا تو همچو مرغ شب
لب از ترانه بسته‌ای حسین را صدا بزن
تو سر به زانوی غمی از شرم کرده‌های خود
چرا غمین نشسته‌ای حسین را صدا بزن
اگر به باغ آرزو به عشق کربلای او
دل از همه گسسته‌ای حسین را صدا بزن

(این شعر برای چاوشی خوانی قبل از اجرای نوحه بسیار مناسب است)



(التماس دعا)

منابع اشعار و نوحه‌های کتاب

- فانوس‌های اشک، سید محمد سادات‌اخوی
- یک کربلا عطش، مجموعه سروده‌های عاشورایی سید رضا مؤید
- یک ماه خون گرفته، مجموعه سروده‌های عاشورایی غلامرضا سازگار
- دیوان علامه‌ی شهید سید اسماعیل بلخی، سید طالب زکی دره‌صوفی
- نوای جانسوز، مجموعه سروده‌های آیینی سید محمدطاهر مدرسی حجازی
- سبوی شکسته، مجموعه سروده‌های آیینی سید محمدتقی رضوانی بهسودی
- زمزمه‌های ماتم، مجموعه نوحه‌های محرم و صفر، سید علی حسینی لیلوری یکاوانگی
- نغمه‌های جانسوز، مجموعه نوحه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام، رحمت‌الله فرقانی
- سرور آزادگان، مجموعه سروده‌های آیینی مرحوم رجبعلی ناصری، محمدرضا ناصری
- شبنم خون، مجموعه اشعار و نوحه‌های آیینی، تالیف آقای حمزه صالحی بامیانی
- شمیم عاشورا، مجموعه اشعار و نوحه‌های محرم و صفر، سید محمد حسینی
- کربلا حسین آمد، مجموعه نوحه‌های محرم و صفر، علی امینی شهرستانی
- شیون، مجموعه نوحه‌های محرم و صفر، علی امینی شهرستانی
- بلبلان اهل‌البیت علیهم‌السلام، محمدباقر سعیر
- صفحات مجازی اینترنت

مراکز پخش و توزیع کتاب؛

مراکز پخش و توزیع کتاب بلبان حسین علیه السلام در فروشگاه های کتاب و محصولات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همچنین کتابفروشی های داخل افغانستان به شرح زیر معرفی می گردد.

مراکز پخش و توزیع در قم:

قم، خیابان ارم، بعد از شبستان حرم مطهر، پاساژ قدس طبقه ی همکف بالا،
فروشگاه کتاب حسینی ۰۲۵۳۷۷۳۷۴۰۵

قم، خیابان ارم، بعد از شبستان حرم مطهر، پاساژ قدس طبقه ی همکف بالا،
فروشگاه کتاب لطفی ۰۲۵۳۷۷۴۳۷۲۰

قم، خیابان ارم، بعد از شبستان حرم مطهر، پاساژ قدس طبقه ی همکف بالا،
فروشگاه کتاب نشاط ۰۲۵۳۷۷۴۳۸۳۰

قم، خیابان امام خمینی، خیابان تولیددارو، کوچه ی شماره ی ۵ جنب پلاک ۴
فروشگاه کتاب و خدمات رایانه کوثر ۰۲۵۳۶۶۳۲۷۳۸

مراکز پخش و توزیع در تهران:

تهران، خیابان ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، پایین تر از میدان، روبروی
سفارت عراق، فروشگاه کتاب هاشمی ۰۲۱۸۸۹۳۸۸۳۸

تهران، میدان ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ابتدای بلوار کشاورز، نبش
برادران مظفر، فروشگاه کتاب فرهنگ ۰۲۱۸۸۸۹۰۰۱۶

مشهد: بلوار معلم، بین معلم ۱۴ و ۱۶ کتابفروشی اندیشه نوین ۰۵۱۳۶۰۹۷۷۱۹
مشهد: بزرگراه وکیل آباد، بلوار امامت، نبش امامت ۸ کتابفروشی به نشر
۰۵۱۳۶۰۸۲۳۷۷

مراکز پخش و توزیع در افغانستان:

کابل، ابتدای دشت برچی، فروشگاه مرکزی کتاب و محصولات فرهنگی مؤسسه
امید ۰۷۹۹۴۱۸۳۱۳

مزارشریف، جاده ی شهدای دیپلمات ایرانی، کوچه ی محمد بیگ سرهنگ،
ساختمان زیارت ابوالفضل علیه السلام، بنگاه کتاب خراسانی، پاتوق و بوستان فرهنگی
افق فردا ۰۷۰۴۹۰۰۲۷۷

هرات، جبرائیل ۱۴ متری پایین، قائم ۱۰، فروشگاه کتاب هاشمی، کتابسرای روشن،
نمایندگی انتشارات صبح امید ۰۷۸۲۳۷۷۱۴۴

سفارش ارسال کتاب نیز به نقاط مختلف ایران و جهان انجام می شود.

منابع صوتی و تصویری نوحه‌های کتاب؛

مجموعه‌ای از منابع متنی، صوتی و تصویری از نوحه‌های ذکر شده در این کتاب، با مراجعه به کانال‌های تلگرامی زیر و همچنین برخی سایت‌ها و وبلاگ‌هایی که آدرس اینترنتی‌شان در این‌جا ذکر شده، قابل دسترسی عموم علاقمندان است. برای دسترسی بهتر به فایل صوتی و تصویری نوحه‌های کتاب، بیت اول نوحه را در صفحات مجازی اینترنت و یا پیام‌رسان تلگرام تایپ و سرچ نمایید. در صدد هستیم در زودترین فرصت ممکن فایل صوتی نوحه‌های این کتاب را جمع‌آوری و سپس در قالب یک لوح فشرده تقدیم شما نماییم. لوح صوتی سبک نوحه‌های کتاب را هم که به صورت جداگانه عرضه می‌شود، می‌توانید در هنگام خرید، از فروشندگان کتاب بخواهید.

@Afgjm

@Jmafg

@Afgjmn

@Navvah

@Afgnoha

@nohe_afg

@noheafg1

@Afgjmbook

@Afgnavhaha

@MatnNohe313

@Fa.wikishia.net

@S_AzimHussaini

@AfgHossainiQom

@AfgTabatabayiQom

[Http://www.filcin.com](http://www.filcin.com)

[Http://www.karbobala.com](http://www.karbobala.com)

[Http://www.zakere-eshgh.rzb.ir](http://www.zakere-eshgh.rzb.ir)

[Http://www.nohekhon.blogfa.com](http://www.nohekhon.blogfa.com)

[Http://www.almahdicity.blogfa.com](http://www.almahdicity.blogfa.com)

[Http://www.maddahi-afg.blogfa.com](http://www.maddahi-afg.blogfa.com)

[Http://www.madahiafghani.blogfa.com](http://www.madahiafghani.blogfa.com)

سخن پایانی؛

در پایان این کتاب جا دارد تقدیر و تشکر نمایم از همه‌ی عزیزانی که در گردآوری این مجموعه‌ی ناب و معنوی با ما همکاری نمودند و در پشتیبانی از مسائل حقوقی، مادی و معنوی این کتاب یاری گرمان بودند و از هیچ گونه تلاشی در این راستا دریغ نورزیدند.

بویژه اساتید گران قدر، مداحان ارجمند و ذاکرین اهل بیت علیهم السلام و نوحه خوانان آل الله و همچنین اعضای محترم جلسات هفتگی جامعه مداحان افغانستان و همه‌ی دوستان عزیز و ارجمندی که بیشترین همکاری را با ما داشتند، از همه‌ی این عزیزان و بزرگواران ممنون و سپاسگذاریم.

منتظر دیگر کتاب‌های نوحه از مجموعه نوحه‌های اجرا شده توسط دیگر نوحه خوانان مختلف و مشهور افغانستانی در جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و سایر نقاط جهان باشید.

تا نشر مجموعه‌ای دیگر خدا نگهدار.

و من الله توفیق

التماس دعا، جامعه مداحان افغانستان، قم المقدسه